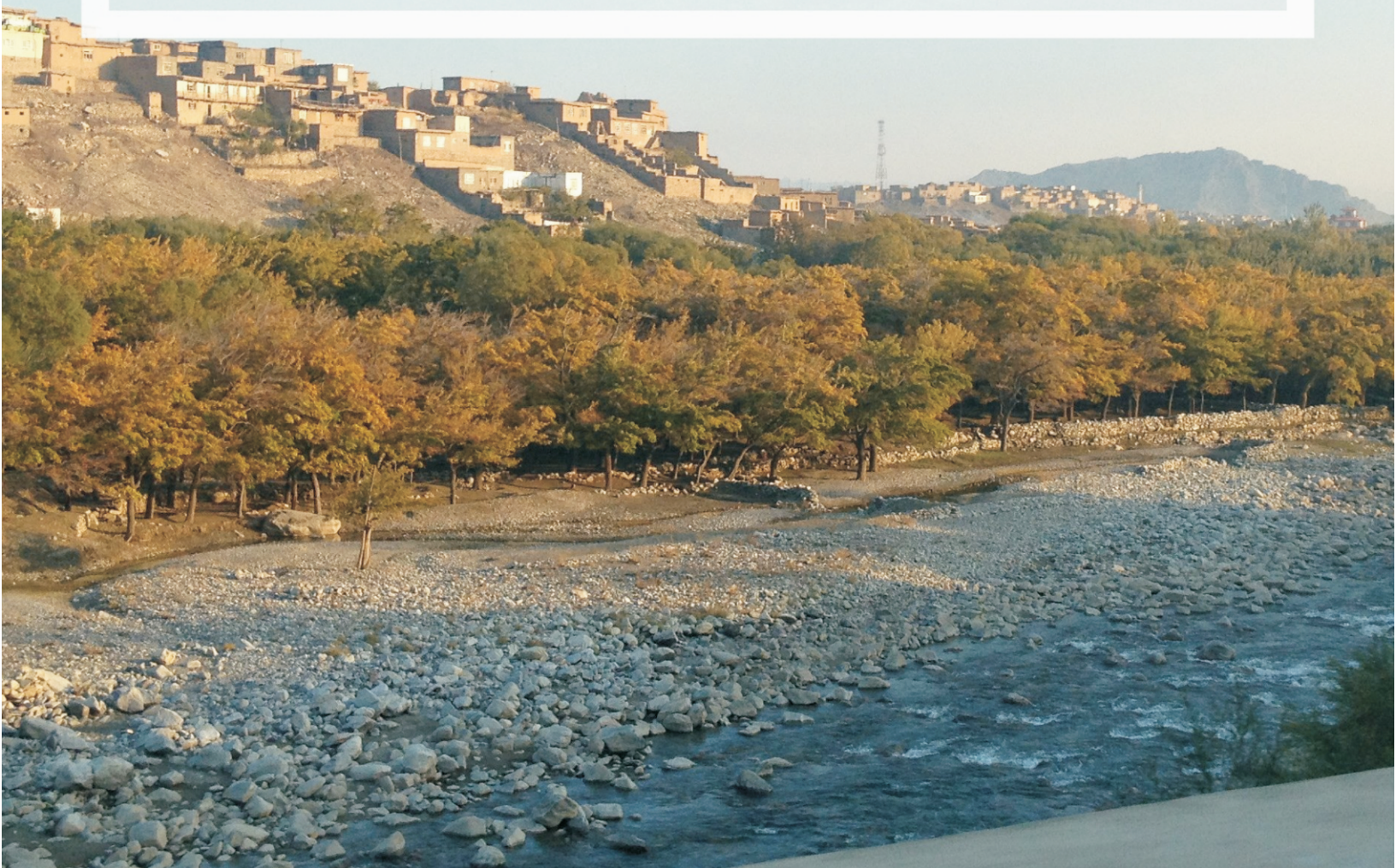


جندر، حکومت داری و فساد اداری

بررسی رابطه میان فساد اداری،
جندر و مشارکت پارلمانی در افغانستان



فهرست مطالب:

4	مخففات
5	چکیده
5	یافته‌های کلیدی
5	جنדר و فساد اداری
6	تفاوت‌های رفتاری و ویژگی‌های شخصیتی
7	شبکه‌های مبتنی بر جنדר
7	دموکراسی لبرال
7	نهادهای اجتماعی
7	نتیجه‌گیری
1	معرفی
9	
10	1.1 ساختار این گزارش
10	2.1 روش‌ها
10	a2.1 سروی
11	2b.1 فرایند
12	2c.1 نمونه
12	3.1 شهرت نمایندگان
13	4.1 محدودیت‌های این تحقیق
2	پیشینه
14	
14	1.2 چارچوب‌های قانونی و انتخاباتی
14	a1.2 سیستم سهمیه‌بندی
14	b1.2 احزاب سیاسی
2.2	مشارکت سیاسی زنان
15	
15	a2.2 مشارکت زنان در سمت‌های سیاسی بیرون از پارلمان
15	b2.2 رفتارها با زنان سیاستمدار
15	3.2 فساد اداری در افغانستان
16	4.2 بهبود مشارکت زنان: نقش و مؤثریت نظام سهمیه‌بندی
3	بررسی جنדר و فساد در افغانستان: صورت‌بندی یافته‌ها با استفاده از تحقیقات انجام شده
18	
18	1.3 جنדר و فساد

18.....	a1.3 تحقیق توسعوی در مورد جندر و فساد
19.....	b1.3 یافته‌هایی در مورد باورها در مورد فساد و معروض بودن به فساد
21.....	2.3 تفاوت‌های رفتاری و ویژگی‌های شخصیتی
21.....	a2.3 تحقیقات قبلی
22.....	b2.3 جندر و خطرگریزی
23.....	c2.3 جندر و شتاب‌زدگی
24.....	d2.3 جندر و اعتماد به نفس
24.....	e2.3 جندر، مراقبت و خودخواهی
25.....	f2.3 جندر، ماده‌گرایی و صداقت
27.....	g2.3 تمایل به سلطه‌ی اجتماعی
27.....	3.3 شبکه‌های مبتنی بر جندر و زمینه‌ها برای فساد
27.....	a3.3 تحقیقات گذشته
30.....	b3.3 یافته‌ها
33.....	4.3 دموکراسی لیبرال
33.....	a4.3 تحقیقات گذشته
34.....	b4.3 دموکراسی لیبرال در زمینه‌ی افغانستان
35.....	5.3 نهادهای اجتماعی
35.....	a5.3 تحقیقات گذشته
35.....	B4.3 نهادهای اجتماعی در شرایط افغانستان
37.....	4. نتیجه‌گیری
39.....	مأخذ:

در باره‌ی مؤسسه برابری برای صلح و دموکراسی

مؤسسه برابری برای صلح و دموکراسی یک نهاد غیر انتفاعی و غیر دولتی است که برای توانمند سازی زنان و جوانان در سطوح اجتماعی و پالیسی‌سازی فعالیت می‌کند. این مؤسسه در اوایل سال ۲۰۱۰ از سوی خانم نرگس، مدیر اجرایی این مؤسسه، تأسیس شد. مؤسسه برابری برای صلح و دموکراسی در راستای ارتقای ظرفیت زنان و جوانان تلاش و فعالیت می‌کند تا آنها بتوانند نیازمندی‌های خود را در پروژه‌های انکشافی، صلح‌پروری و دموکراتیک مطرح کنند. این مؤسسه همچنان تلاش می‌کند زنان و جوانان را به منظور فایز آمدن بر چالش‌های بی‌ثباتی که افغانستان با آن مواجه است، بسیج کند.

این مؤسسه پلتفرم‌هایی را ایجاد کرده است تا برای زنان و جوانان فرصت گردهم‌آیی، ایجاد شبکه‌ها، اعتمادسازی، و تلاش برای تبدیل کردن افغانستان به کشوری عاری از هر نوع خشونت و تبعیض را فراهم نموده است. شبکه‌های ائتلاف افغان‌ها برای شفافیت و حساب‌دهی که از سوی این مؤسسه ایجاد شده و با مدیریت مردم محل فعالیت می‌کنند، از عرضه‌ی خدمات نظارت و برای حکومت‌داری خوب دادخواهی می‌کنند و در ولایات هرات، بامیان، ننگرهار و کابل فعالیت دارند. شبکه‌های ولایتی زنان این مؤسسه که بازهم از سوی مردم محل مدیریت می‌شوند به نگرانی‌های زنان در سطح محلی رسیدگی می‌کنند و در ولایات هرات، بامیان، ننگرهار، فاریاب، کندوز، کندهار و کابل فعال اند.

سپاس‌گزاری

مؤسسه برابری برای صلح و دموکراسی مایل است در نخست از آن عده از اعضای پارلمان که وقت گران‌بهای خود را در اختیار ما قرار دادند و بدون هم‌کاری آن‌ها این تحقیق امکان‌پذیر نبود، اظهار سپاس و قدر دانی کند. این مؤسسه از موسسه‌ی آکسفام و کورداید (Cordaid) بخاطر تمویل و حمایت مالی این پروژه ابراز امتنان می‌کند. این مؤسسه همچنان از محمد طیب شکیب و عقیل آزاد بخاطر مرور این تحقیق و از ملانی پینت بخاطر ویرایستاری آن تشکر و قدردانی می‌کند. مؤسسه برابری برای صلح و دموکراسی از خانم ماری هوپر و کریستینا هوپر بخاطر نوشتن این تحقیق سپاس‌گزاری می‌کند و مراتب قدردانی خود را از پلوشه هاشمی و فرزانه دوستی بخاطر جمع‌آوری اطلاعات و ارقام ابراز می‌دارد. در اخیر، قدردانی ویژه از تمام تیم مؤسسه برابری برای صلح و دموکراسی که در جریان پروژه با ما هم‌کاری کردند.

مخففات

AFN	واحد پول افغانی
DAO	
DUREL	
EVAV	محو خشونت علیه زنان
GDP	تولید ناخالص ملی
GNI	عواید ناخالص ملی
MP	عضو پارلمان
OECD	سازمان همکاری و انکشاف اقتصادی
SDO	تمایل سلطه‌ی اجتماعی
SIGI	شاخص جندر و نهادهای اجتماعی
SNTV	رای واحد و غیر قابل انتقال

میزان فساد اداری بالاتر است. این یافته‌های نشان می‌دهند که در زمینه‌ای که ارزش‌های اجتماعی باعث محرومیت زنان می‌شوند، نه اصلاحات سیاسی به سوی دموکراسی نه افزایش مشارکت زنان در نظام سیاسی و اقتصادی، هیچ کدام به تنهایی برای کاهش فساد اداری کافی نیست.

درین تحقیق، یک سروی به با همکاری ۱۰۵ نماینده پارلمان که از مجموع ۲۴۹ تن در ولسی جرگه مشارکت می‌کنند، انجام شده است؛ درین سروی ۹۰٪ پاسخ‌ها درست در نظر گرفته شده و ۶،۱۲٪ حاشیه برای نادرست بودن جواب‌ها در نظر گرفته شده است. ترکیب پاسخ‌دهندگان به این سروی بصورت دقیق ترکیب ولسی جرگه را منعکس می‌کند. از آنجایی که ۲۸٪ اعضای ولسی جرگه را زنان تشکیل می‌دهند، ۳۱٪ پاسخ‌دهندگان این سروی را نیز نمایندگان زن تشکیل می‌دهد.

یافته‌های کلیدی

جندر و فساد اداری

درین تحقیق، در هیچ یک از مواردی که مربوط به معروض بودن به فساد می‌شد، میان زنان و مردان هیچ تفاوتی قابل ملاحظه وجود نداشت. ۵۱٪ تمام پاسخ‌دهندگان تا حدودی، یا هم بصورت قاطع توافق نظر داشتند که بسیاری از نمایندگان مرد به فساد آغشته اند در حالی که ۴۹٪ نمایندگان متفق بودند که نمایندگان زن نیز در فساد دخیل اند. این تحقیق نشان می‌دهد که اکثر نمایندگان زن و مرد، نسبت به فساد اداری حساسیت دارند در حالی که تنها ۲٪ از نمایندگان به این عقیده اند که در شرایط خاصی رشوه‌ستانی کار بدی نیست. با این حال، بسیاری از نمایندگان به این نظر بودند که فساد اداری برای پیش‌برد کارهای دولت و سیاست در افغانستان نقش مهم دارد؛ هم‌چنان آنها اذعان می‌کردند که برای نمایندگان پارلمان استفاده از موقعیت شان برای انجام کارهای مردم یک امر عادی است. تمام نمایندگان، بدون در نظر داشت جنسیت، اعتراف کردند که فرصت فساد برای شان مهیا است. بسیاری از نمایندگان در پاسخ‌های خود ابراز کردند که مردم اکثراً از آنها می‌خواهند تا کارهای شان را انجام دهند و در ازای آن، مردم نیز برای آنها یا برای اعضای خانواده‌ی آنها کارهایی را انجام می‌دهند. به هر حال، تعداد اندکی اعتراف کردند که مردم به آنها در ازای انجام کاری رشوه پیش‌نهاد می‌کنند.

تحقیقات زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد میان مشارکت زنان در قانون‌گذاری و میزان فساد اداری در کشور رابطه‌ی منفی وجود دارد. بر اساس تحقیق کنونی در مورد تفاوت‌های رفتاری مبتنی بر جندر، والر، فیس‌من و گوتی این فرضیه را مطرح کرده اند که میزان گسترده‌تر مشارکت زنان در پارلمان با میزان پایین فساد اداری تناسب دارد و این مسئله بر اساس شاخص رهنمود بین‌المللی خطر کشورها محاسبه و بررسی شده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که پس از کنترل درآمد ناخالص داخلی، آزادی‌های مدنی، جمعیت، متوسط سال‌های تعلیم، آزادی تجارت و چندپارچگی قومی، در سطح کشوری میزان مشارکت زنان در دولت با میزان پایین فساد اداری تناسب و هم‌خوانی دارد.^۱

با این حال، علی‌رغم این که افغانستان با در نظر داشت مشارکت زنان در قانون‌گذاری رتبه‌ی ۱۳۶ام را در جهان دارد، این کشور در فهرست کشورهای فاسد نیز جا دارد. پس از تحقیق دالر و هم‌کارانش، حدود یک دهه در این زمینه یک دهه تحقیق صورت گرفته و در مورد رابطه میان جندر و فساد اداری چهار توضیح مطرح شده است-تفاوت‌های رفتاری، شبکه‌های مبتنی بر جندر، دموکراسی لبرال، و نهادهای اجتماعی. این تحقیق می‌کوشد به این سوال که چرا رابطه میان مشارکت زنان در قانون‌گذاری و فساد اداری، که در زمینه‌های مختلف بصورت فراگیر وجود داشته است، در افغانستان وجود ندارد. این تحقیق چهار توضیح کلیدی مطرح شده در این زمینه را بر اساس تحقیقاتی که بیش از یک دهه در زمینه‌های مختلف در این رابطه صورت گرفته است، بررسی می‌کند. تحقیقات رابطه‌ی مستقیم میان جندر و فساد اداری را به تفاوت‌های رفتاری میان زنان و مردان نسبت داده اند. دیگران تأکید کرده اند که زنان اغلب تازه به سیاست راه یافته اند و به شبکه‌هایی که فرصت فساد را فراهم می‌کنند دسترسی محدود دارند. یک توضیح جاگزین دیگر نظریه‌ی «مشارکت عادلانه‌ی مبتنی بر جندر» و «نظام عادلانه» است و این نظریه تأکید دارد که رابطه میان جندر و فساد اداری نادرست است زیرا اغلباً این رابطه بر اساس زمینه‌ی آن-یعنی لبرال دموکراسی بوجود می‌آید؛ لبرال دموکراسی در سطح نظری با عث تقویت برابری جندر و حکومت‌داری خوب می‌شود. در پایان، تحقیقات دیگر اذعان دارند که در کشورهایی که نهادهای اجتماعی زنان را از مشارکت در زندگی اجتماعی باز می‌دارند،

1 دیوید دالر، ریموند فیس‌من، و رابرتا گاتی، «آیا زنان واقعا «جنس مناسب‌تر» هستند؟ فساد و زنان در دولت»، گروه تحقیقاتی توسعه بانک جهانی، گزارش تحقیقاتی پالیسی در مورد جندر و توسعه، سلسه گزارش‌های کاری، ۴، نومبر الی ماه اکتوبر ۱۹۹۹.

تفاوت‌های رفتاری و ویژگی‌های شخصیتی

تحقیقات گذشته نشان می‌دهد که افراد عجول در مقایسه به افرادی که سنجیده، کمتر اخلاقی عمل می‌کنند و افرادی که قبل از انجام کاری به دقت در مورد آن فکر می‌کنند به احتمال زیاد اخلاقی عمل می‌کنند.^۲ طوری که در فرضیه آمده است، یافته‌های تحقیق کنونی نشان می‌دهند که به هر اندازه که نماینده‌ها عجولانه و شتاب‌زده عمل کنند، به همان اندازه معروض و دخیل در فساد اند. با این حال، رابطه میان اعتماد به نفس و فساد واضح نیست زیرا در یک یافته‌ها نشان می‌دهند که میزان بالای اعتماد به نفس با میزان پایین فساد تناسب دارد ولی در سه مورد دیگر، یافته‌ها تصریح می‌کنند که میان اعتماد به نفس بالاتر و میزان بالاتر فساد رابطه‌ی مستقیم وجود دارد. بر اساس مرور و مطالعه‌ی ادبیات تحقیق که نشان می‌دهند نمایندگانی که از اعتماد به نفس پایین‌تری برخوردار اند، احتمالاً از سوی موکلین و مراجعین مجبور به فساد شوند، نویسنده‌های این تحقیق توقع داشتند که پاسخ‌دهنده‌گانی که در اعتماد به نفس نمرات پایین‌تری گرفته بودند، در بخش فساد نمرات بالاتری داشته باشند. در موارد مختلف یافته‌ها نشان می‌دهند که میزان بالای اعتماد به نفس، به نماینده کمک می‌کند در وظیفه‌ی خود بهتر عمل کنند؛ آنها همچنان حس می‌کنند که از احترام بیشتری برخوردارند و نسبت به توانایی‌های خود باورمندتر اند. یافته‌های دیگر نیز نشان می‌دهند که فساد به نوع رابطه‌ی دیگران با نمایندگان پارلمان نیز تأثیر گذار است و سبب می‌شود به این نمایندگان پیش‌نهاد فساد شود یا در ازای کاری که این نمایندگان برای موکلین خود انجام می‌دهند، برای خود آنها یا اعضای خانواده‌ی آنها کاری انجام دهند. یک توضیح احتمالی دیگر نیز نشان می‌دهد که میان اعماد به نفس و کلا و نوع رابطه‌ی دیگران با آنها نیز رابطه‌ی مستقیم وجود دارد و بصورت کلی، این رابطه با میزان دخالت آنها در فساد رابطه‌ی منفی دارد.

یکی از یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که میزان بالاتر خطرگریزی با میزان بالای فساد رابطه‌ی مستقیم دارد و این موضوع با آنچه در فرضیه مطرح شده بود که میزان بالای خطرگریزی با میزان فساد رابطه‌ی معکوس دارد، هم‌خوانی ندارد. مورد خطرگریزی با انحراف از مسیر برای جلوگیری از منازعه رابطه دارد بنابراین این احتمال وجود دارد که خطرگریزی در تقابل با اجتناب از منازعه بررسی شده باشد. درین صورت، نماینده‌ای ممکن است به فساد آغشته شود (مثلاً در برابر اصرار رشوه‌گیری مقاومت نکند) تا بتواند از بروز منازعه و جنجال اجتناب کند. نتایج این بررسی هم‌چنان نشان می‌دهد که میزان پایین خودخواهی با میزان پایین فساد رابطه‌ی مستقیم دارد. این یافته با آنچه در فرضیه مطرح شده

بود که آن عده از نمایندگان که در خودخواهی نمرات بالاتری دارند، بیشتر به فساد آغشته اند، هم‌خوانی دارد.

رابطه میان پرورش فرزند و فساد مبهم است زیرا دو مورد بررسی این رابطه با آنچه در فرضیه نیز آمده است، هم‌خوانی دارد و نشان می‌دهد که میزان بالای تربیت فرزندان با میزان پایین فساد رابطه‌ی مستقیم دارد در حالی که سه مورد بررسی این رابطه نشان می‌دهد که میزان بالای نقش در تربیت فرزندان با میزان بالای فساد رابطه‌ی مستقیم دارد. مورد دومی رابطه میان میزان وقت‌گذرانی با خانواده (نقش پررنگ‌تر در تربیت فرزندان) با موارد فساد و کارهای را که نماینده برای دیگران انجام می‌دهد، یا آن عده کارهایی که دیگران برای او یا اعضای خانواده‌ی او انجام می‌دهند، بررسی شده است؛ درین مورد این ذهنیت که برای نمایندگان استفاده از مقام و موقعیت برای انجام کارهای دیگران یک امر عادی است، نبر بررسی شده است. این احتمال وجود دارد که به هر میزان که نماینده با اعضای خانواده‌ی خود وقت می‌گذراند نشان‌دهنده این است که آن نماینده حاضر است برای دیگر افراد جامعه نیز کمک کند و سمت مشارکت در پارلمان به نماینده فرصت هم‌کاری با مردم محل را فراهم می‌کند. بررسی رابطه میان مادی‌گرایی و فساد نشان می‌دهد که میزان بالای مادی‌گرایی با میزان بالای فساد رابطه‌ی مستقیم دارد. این رابطه با آنچه در فرضیه نیز مطرح شده است، هم‌خوانی دارد.

یافته‌های مرتبط با صداقت در فرضیه مطرح نشده بود. پیش از انجام این مطالعه، نویسنده‌ها پیش‌بینی می‌کردند که میزان بالای صداقت به معنای میزان پایین فساد خواهد بود. ولی یافته‌های مطالعه و تحقیق خلاف این موضوع را ثابت کرد-یعنی میزان بالای صداقت با میزان بالای فساد رابطه‌ی مستقیم دارد. احتمالاً این موضوع را می‌شود با میزان صداقت افرادی که درین بررسی اشتراک کرده بودند، نسبت داد. افرادی که صداقت بیشتر دارند، به احتمال زیاد به مواردی که برای سنجش و محاسبه‌ی فساد طرح شده بود، پاسخ داده است. ولی افرادی که صداقت کمتر دارند، به احتمال زیاد بخاطر این که خود را مثبت‌تر نشان دهند، صادقانه به سوالات جواب نداده و اطلاعات دقیق درین مورد را تحریف کرده اند تا فاسد شناخته نشوند.

خلاف آنچه در فرضیه مطرح شده بود، تمایل سلطه‌ی اجتماعی با دیدگاه‌های نماینده‌ها و معروض بودن آنها به فساد هیچ رابطه‌ای ندارد و درین تحقیق، هیچ تفاوتی جنسیتی میان مردان و زنان در رابطه به تمایل سلطه‌ی اجتماعی بدست نیامد. در برخی موارد، معروض بودن به فساد با مذهبی بودن نماینده رابطه داشت؛ یعنی نمایندگانی که مذهبی‌تر بودند،

^۲ براتون و استریت‌ماتر، «تقلب کنم یا نکنم؟ نقش شخصیت در اخلاق تجارتی و علمی»، ۲۰۱۳.

عقیده داشتند که بیشتر در معرض فساد قرار دارند. علاوه بر آن، همان گونه که در فرضیه نیز مطرح شده بود، این موضوع بدست آمد که افکار محافظه کارانه با میزان فساد در برخی موارد رابطه‌ی مستقیم دارد و این تحقیق به هیچ تفاوتی جنسیتی میان افکار ارتجاعی و نوگرا، حتا در موارد مثل برابری جنسیتی، دست نیافت.

اگر متغیرها را بصورت انفرادی در نظر بگیریم، تفاوت جنسیتی در بخش‌هایی اعتماد به نفس، صداقت، و مادی‌گرایی به چشم می‌خورد؛ به این معنا که بطور متوسط زنان نسبت به مردان میزان بالاتر اعتماد به نفس و صداقت را نشان می‌دهد در حالی که مردان میزان بالاتر مادی‌گرایی را نسبت به زنان نشان می‌دهند. در موارد عجول‌بودن، خطرگریزی، خودخواهی، و تربیت فرزند هیچ تفاوت جنسیتی به چشم نمی‌خورد. با این حال، با در نظر داشت این واقعیت که تنها در ۴ مورد از ۳۵ مورد تفاوت جنسیتی میان سه ویژگی شخصیتی به چشم می‌خورد، و با در نظر داشت این نکته که هیچ تفاوت جنسیتی در تمایل به سلطه‌ی اجتماعی دیده نمی‌شود، نویسنده‌ها چنین نتیجه‌گیری می‌کنند که تفاوت میان ویژگی‌های شخصیتی زنان و مردان و رابطه‌ی آن با فساد اندک است.

شبکه‌های مبتنی بر جندر

این تحقیق به شاهد و مدارک هرچند اندک دست‌یافته است که نشان می‌دهد نمایندگان مرد نسبت به نمایندگان زن دسترسی بیشتر به شبکه‌هایی دارند که فرصت فساد را برای آنها فراهم می‌کند. اعضای خانواده‌ی نمایندگان مرد بخ لحاظ سیاسی فعال‌تر اند؛ آنها حس می‌کنند که در پیش‌برد امور تجاری بهتر اند؛ و احتمال معاشرت و تعامل آنها با سایر نمایندگان مرد بسیار بالاتر است و اکثر آنها اعتراف کردند که قبل از راه یافتن به پارلمان، با افراد قدرت‌مند و متنفذ آشنایی داشته اند. به هر حال، تا آنجایی که متغیرهای مرتبط به خانواده و شبکه‌های تجارتي، شبکه‌های درون پارلمان، شبکه‌های سیاسی، شبکه‌های که آنها قبل از راه یافتن به پارلمان در آن شریک بوده اند، و احزاب سیاسی، نشان می‌دهد، این تحقیق به شواهدی که تفاوت دسترسی مردان و زنان به شبکه‌هایی که فرصت فساد را برای نمایندگان فراهم می‌کنند، را ثابت کند، دست نیافته است. ولی این تحقیق نشان می‌دهد که دسترسی به این شبکه‌ها با ذهنیت فساد و دخیل بودن نمایندگان در فساد نقش دارد. به هر صورت، در بسیاری از موارد، این تحقیق نشان می‌دهد که نمایندگان اعم از زنان و مردان دسترسی قابل توجه به این شبکه‌ها دارند.

دموکراسی لبرال

تحقیقات نشان داده است که نظام سیاسی لبرال دموکراسی ساختار اجتماعی مشارکتی را بوجود آورده و میزان پایین فساد را در پی دارد؛ بنابراین نظام لبرال دموکراسی باعث توقف فساد اداری می‌شود.

خوش‌بختانه، در دیتابیس اتحاد بین‌الملل پارلمانی، از لحاظ فیصدی مشارکت زنان در پارلمان، با ۲۷٫۷٪ حضور زنان در ولسی جرگه و ۱۷٫۶٪ در مشرانو جرگه، افغانستان از میان ۱۴۳ کشور رتبه‌ی ۴۲ام را کسب کرده است. به لحاظ تناسب مشارکت زنان در سمت وزارت، با ۱۰٪ وزیر زن در کابینه، این کشور از میان ۹۴ کشور رتبه‌ی ۷۰ام را احراز کرده است. با این حال، بر اساس شاخص‌های مختلف بین‌المللی، افغانستان از لحاظ حاکمیت قانون، آزادی مطبوعات و انتخابات دموکراتیک، امتیاز پایین دارد. سیستم قضایی نسبتاً ضعیف و آغشته به فساد است و موارد نقض حقوق زنان نیز بصورت گسترده درین بخش وجود دارد. رسانه‌ها نیز مدام در معرض تهدید قرار دارند، انتخابات نیز با تقلب همراه اند و خشونت و بی‌ثباتی بصورت مستمر فعالیت سیاسی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. از لحاظ انکشاف اجتماعی-اقتصادی نیز در سطح پایینی قرار دارد و فقر و بی‌سوادی درین کشور بی‌داد می‌کند. فساد با نهادهای سیاسی افغانستان گره خورده، موارد انفرادی فساد گسترده است و مهم‌ترین موارد آن که اکثر افغان‌ها به آن اشار می‌کنند، مبتنی بر روابط قومی، شخصی، خانوادگی، و حزبی است. بر علاوه، شاخص‌های بین‌المللی و سروی‌های انجام شده نشان می‌دهند که پارلمان این کشور نیز فاسد است.

نهادهای اجتماعی

این تحقیق نشان می‌دهد که نقش نهادهای اجتماعی زیربنای رابطه‌ای است که در تحقیقات دیگر میان جندر و فساد ثابت شده اند. ازین منظر، تحولات بنیادی فرهنگی که با انکشاف اقتصادی نیز رابطه دارد به پدید آمدن ارزش‌هایی منجر می‌شود که نهادهای دموکراتیک را تقویت کرده و مشارکت بیشتر زنان در قانون‌گذاری را نیز تضمین می‌کند. شاخص‌های بین‌المللی از لحاظ تبعیض و نهادهای اجتماعی مرتبط با نابرابری جنسیتی، ارزش‌ها و رسوم تبعیض‌آمیز خانوادگی، جانب‌داری از پسران، محدودیت منبع و دارایی، و آزادی‌های مدنی محدود برای زنان، افغانستان را در رده‌های بالا قرار می‌دهند. بصورت مستمر زنان دسترسی محدود به فضای اجتماعی دارند و آن عده از زنانی که در فضای اجتماعی فعالیت می‌کنند بصورت مستمر و مداوم با تهدید مواجه اند. رفتارهای عمومی با زنانی که در سیاست دخیل اند، متفاوت است. هنوز هم این ذهنیت بصورت گسترده وجود دارد که زنان نباید اجازه داده شوند بیرون از خانه کار کنند و باید سمت‌های انتخابی بیشتر از آن مردان باشند.

نتیجه‌گیری

این تحقیق هیچ نکته‌ی را نیافته است که بر اساس آن بتوان استدلال کرد که نماینده‌ی مرد یا زن در پارلمان افغانستان بیشتر یا کمتر آغشته به فساد است. با آنکه بروز تفاوت‌های جنسیتی در ویژگی‌های شخصیتی یکی

از نکته‌هایی بود که این تحقیق آن را دنبال می‌کرد، در آخر به تفاوت‌های اندکی جنسیتی دست یافتیم. این یافته‌ی مهم این نظریه را غلط ثابت می‌کند که تأثیر تفاوت‌های جنسیتی در ویژگی‌های شخصیتی فرد را در معرض فساد قرار می‌دهد یا دلیل فاسد بودن وی قلمداد می‌شود؛ بر اساس نتیجه‌گیری این تحقیق ثابت می‌کند که احتمال این که نمایندگان زن در افغانستان بصورت موروثی کمتر فساد پیشه‌اند یا ویژگی‌های درونی و شخصیتی شان آنها را از فساد باز می‌دارد، بسیار اندک است. این تحقیق هم‌چنان نشان می‌دهد که از لحاظ دسترسی به شبکه‌هایی که فرصت فساد را به نمایندگان مهیا می‌کنند، میان نمایندگان مرد و زن هیچ تفاوتی وجود ندارد. بر علاوه، خلاف یافته‌های تحقیقات دیگر، این تحقیق به هیچ تفاوتی میان نمایندگان مرد و زن از لحاظ عضویت شان در احزاب سیاسی دست نیافته است و احتمالاً دلیلی این امر ضعیف بودن نظام حزبی در افغانستان است.

بر اساس یافته‌های این تحقیق، نویسندگان این گزارش نتیجه‌گیری می‌کنند که علی‌رغم میزان بالای مشارکت زنان در پارلمان، میزان بالای فساد در افغانستان به گستردگی فساد درین کشور، حاکمیت ضعیف قانون، رسانه‌های ضعیف، و عدم موجودیت نهادهای قوی اجتماعی که بتواند فساد را مهار کرده و برابری جنسیتی را حمایت کنند، وابسته است. طبق یافته‌های این تحقیق، به نظر می‌رسد تمام نمایندگان پارلمان افغانستان با هم روابط نزدیک دارند، از حمایت قوی برخوردار اند، و فرصت‌های فساد برای شان مهیا است. ازین منظر، و بصورت منطقی، یافته‌های این تحقیق با فرضیه‌ی تحقیق کنونی که از سوی الحسن الوهو مطرح شده است، هم‌خوانی دارد؛ این فرضیه روی نظریه‌ی متغیر معاشرت و فرصت و نظریه‌ی نقش اجتماعی مبتنی است و تأکید می‌کند که در صورت موجودیت فرصت‌های فساد و شبکه‌های فاسد، زنان در فساد کمتر از مردان نیستند. این چارچوب فکری روی این مسئله تکیه می‌کند که فساد نه به جنسیت که به فرصت‌ها و شبکه‌های فاسد وابسته است که می‌توانند جنسیتی یا غیر جنسیتی باشند و در افغانستان نیز این فرصت‌ها و شبکه‌ها مبتنی بر جنسیت نیستند. در زمینه‌ای که فرصت‌ها و شبکه‌های فساد مبتنی بر جنسیت نیست، و یافته‌های این تحقیق افغانستان را نیز از جمله‌ی همان زمینه‌ها می‌شناسد، جنسیت مأمور دولت در فساد هیچ نقشی را ایفا نمی‌کند.

شواهد بدست آمده از فرضیه‌ای که درین تحقیق مطرح شده است دفاع کرده و تأکید می‌کند که در کشورهایی که نهادهای اجتماعی آزادی زنان و فرصت‌های مشارکت آنها را در زندگی اجتماعی محدود می‌کنند، میزان فساد بالا تر است. با وجودیکه میزان بالای مشارکت زنان در پارلمان افغانستان برابری جنسیتی و حمایت اجتماعی نسبی زنان را نشان می‌دهد،

لروما به این معنا نیست که نهادهای اجتماعی و رفتارهای اجتماعی که حضور زنان را در زندگی اجتماعی حمایت کنند، نیز وجود دارد. نظام سهمیه در افغانستان این توهّم را خلق می‌کند که مشارکت زنان در افغانستان پررنگ است ولی لزوماً تحولات بنیادی فرهنگی و انکشاف اقتصادی را که نهادهای اقتصادی را تقویت می‌کنند، انعکاس نمی‌دهد. نهایتاً، این تحقیق چنین نتیجه‌گیری می‌کند که میان جندر و فساد در افغانستان به این دلایل رابطه‌ای وجود ندارد: (۱) گستردگی و روزمرگی فساد در افغانستان و فرصت‌ها و شبکه‌های فساد که مبتنی بر جندر نیست؛ (۲) عدم موجودیت نهادهای قوی در افغانستان-مشخصاً حاکمیت قانون و مطبوعات آزاد. در غیاب نهادهای اجتماعی قوی، مشارکت زنان در نظام سیاسی افغانستان بصورت واقعی از ارزش‌های اجتماعی برابری جنسیتی مشارکت نمی‌کند؛ در حالی که نظام‌های لبرال دموکراسی و نهادهای اجتماعی انکشاف‌یافته از مشارکت زنان حمایت کرده و فساد را مهار می‌کند.

کمک‌گر باشند و به مسایل اجتماعی توجه کنند، زنان صادق‌تر اند، زنان خطرگیز اند، توانایی بیشتر خودمدیریتی دارند، حس همکاری بیشتر دارند، حس رقابت در زنان کمتر است، تمایل به ایجاد رابطه دارند، تابع‌تر اند، و مهم‌تر از همه، احتمال کمتر وجود دارد که زنان در فعالیت‌های مرتبط با فساد دخیل شوند (قسمت زیادی از این تحقیقات روی رشوه‌ستانی متمرکز اند).

- شبکه‌های مبتنی بر جندر
- برخی از تحقیقات توضیحی را درین مورد ارایه می‌کنند که با نظریه‌ی تفاوت‌های رفتاری متناقض به نظر می‌رسد. این تحقیقات اشاره می‌کنند که در اکثر موارد زنان تازه به سیاست وارد شده اند و دسترسی محدودتری به شبکه‌هایی دارد که فرصت فساد را برای آن‌ها فراهم می‌کند. چارچوب مفهومی برای درک شبکه‌های مبتنی بر جندر و سیاست یک روند دو مرحله‌ای را ارایه می‌کند: مرحله اول در جریان کاندیداتوری عمل می‌کند و مرحله‌ی بعدی در دوران نمایندگی.

- لبرال دموکراسی
- یکی از توضیحات جاگزین نظریه‌ی «مشارکت عادلانه‌ی مبتنی بر جندر» و «نظام عادلانه» است که رابطه میان جنسیت و فساد را معقول نمی‌داند و به این نظر است که این رابطه بیشتر متأثر از زمینه-یعنی لبرال دموکراسی-است، نظامی که در سطح نظری برابری جنسیتی و حکومت‌داری خوب را بهبود می‌بخشد.

- نهادهای اجتماعی
- آخرین کتگوری این توضیحات نهادهای اجتماعی اند. مطابق این تحقیق، در کشورهایی که نهادهای اجتماعی زنان را از مشارکت در حیات اجتماعی باز می‌دارند، فساد بالاتر است. این یافته‌های بیان‌گر آن است که در شرایطی که ارزش‌های اجتماعی امتیاز زنان را می‌ستاند، نه اصلاحات سیاسی به سوی دموکراسی نه افزایش مشارکت زنان در نظام سیاسی و اقتصادی، هیچ کدام برای کاهش فساد کافی نیست.

با توجه به این رابطه‌های استحکام یافته، چرا رابطه میان حضور زنان در پارلمان و فساد، که در زمینه‌های مختلف فراگیر ثابت شده اند، در افغانستان وجود ندارد؟ نظام سهمیه‌بندی برای مشارکت زنان چه نقشی در رابطه به فساد داشته است؟ به احتمال قوی رابطه میان مشارکت زنان

در دو دهه‌ی اخیر تحقیقات زیادی در زمینه‌ی رابطه‌ی منفی میان مشارکت زنان در قانون‌گذاری و فساد اداری کشورها صورت گرفته است و درین تحقیقات، فساد به عنوان سوء استفاده از قدرت دولتی برای تأمین منافع شخصی تعریف شده است.^۳ با تأکید فراوان بر این امر که حضور زنان در قانون‌گذاری باعث کاهش فساد می‌شود، در جامعه‌ی جهانی توصیه‌های جدی مبنی بر انتخاب نمایندگان زن صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان از نظام سهمیه‌بندی یاد کرد که در افغانستان نیز مورد تطبیق قرار گرفته است. با این حال، در افغانستان ظاهراً این رابطه صدق نمی‌کند. افغانستان از لحاظ میزان حضور زنان در قانون‌گذاری در سطح جهانی رتبه‌ی ۱۳۶م را احراز کرده است در حالی که در رتبه‌بندی‌های بین‌المللی در میان فاسدتری کشورها قرار دارد.

پیش از تحقیق حاضر، بیش از یک دهه در زمینه‌ی جندر و فساد تحقیق صورت گرفته است و برخی ازین تحقیقات با شوق‌زده‌گی وافر رابطه میان این دو پدیده را توضیح داده اند ولی بر سر این موضوع هنوز هم اختلاف وجود دارد. بصورت مشخص، یکی از منابع بانک جهانی تحت عنوان «انکشاف مبتنی بر جندر» تأکید داشت که بر اساس تحقیق کوفمان در سال ۱۹۹۸ و تحقیق دالر و هم‌کارانش، و مطالعات سوامی و هم‌کارانش، میزان بالای حضور زنان در سیاست و نیروی بشری می‌تواند نقش تعیین کننده در حکومت‌داری خوب و ایجاد اعتماد در تجارت داشته باشد، با نقدهای زیادی مواجه شد.^۴ اکثر پاسخ‌های انتقادی به این موضوع بر این پایه استوار بود که این تحقیقات و مطالعات جامع نبوده و رابطه‌ی علی و تغییر روابط میان جنسیت و فساد مبهم و گنگ بوده است بنابراین نباید اساس پالیسی‌سازی در خصوص زنان قرار بگیرد و از آن به عنوان ابزار کاهش فساد استفاده شود.^۵ هنوز هم در مورد رابطه‌ی این دو پدیده اجماع فکری اندکی وجود دارد. بر اساس تحقیقات و مطالعات قدیمی، توضیحاتی در باب این که چگونه مشارکت زنان با میزان پایین فساد رابطه دارد، ارایه شده است که بصورت مختصر می‌توان آنها را بصورت ذیل دسته‌بندی کرد:

- تفاوت‌های رفتاری
- تحقیقات رابطه‌ی متقابل میان این دو پدیده را به تفاوت‌های رفتاری میان زنان و مردان نسبت داده اند-به عنوان مثال، اظهار داشته اند که زنان کمتر خودخواه اند، بیشتر احتمال دارد که زنان

^۳ برایان اس. کوونلی و دی.اس.اوانز، «شخصیت و فساد: تحلیل در سطح ملی»، تحقیق بیافرنگی شماره ۴۲، شماره ۴ (۲۰۰۸): ۳۸۵-۳۵۳.

^۴ الیزابت ام. لینگ و اندرو دی. مسن، «انکشاف مبتنی بر جندر»، بانک جهانی، ۲۰۰۱. http://siteresources.worldbank.org/PGLP/Resources/Engendering_Development.pdf.

^۵ رجوع شود به الحسن الوهو (۲۰۰۷) و گوویتز (۲۰۰۷).

در قانون‌گذاری و فساد در افغانستان وجود دارد ولی میزان فساد چنان بالا است که تشخیص تأثیر جنسیت بالای فساد بسیار مشکل به نظر می‌رسد. به فرض اگر چنین رابطه‌ای اصلاً وجود ندارد، چرا وجود ندارد؟ تشخیص ویژگی‌ها و شرایط خاص افغانستان می‌تواند ما را کمک کند تا اصلاحات لازم برای به حد اکثر رساندن مفیدیت مشارکت زنان را تشخیص کنیم و محیط بهتر ایجاد کنیم تا زنان بتوانند در سیاست این کشور مشارکت بیشتر داشته باشند. این تحقیق می‌کوشد برای سوال فوق پاسخ مناسب پیدا کند و رابطه میان جنسیت و فساد را در زمینه و شرایط افغانستان بکاود.

1.1 ساختار این گزارش

معرفی که در ابتدای این گزارش آمده است چارچوب کلی، روش‌ها و متودولوژی، و حدود این تحقیق را روشن می‌کند. در فصل دوم تاریخچه و زمینه‌ی این تحقیق با توضیح چارچوب حقوقی نظام انتخاباتی افغانستان، مشارکت سیاسی زنان در افغانستان، فساد در افغانستان، و تشریح نقش و مؤثریت نظام سهمیه‌بندی در بهبود مشارکت سیاسی زنان، و بصورت مشخص رابطه میان میزان مشارکت زنان و کاهش فساد، توضیح داده شده است. فصل سوم یافته‌های این تحقیق را در بر دارد. این فصل با رویکرد بی‌نظیر و نو، تحقیقات موجود درین زمینه را بررسی کرده، رابطه میان جنسیت و فساد را با توجه به یافته‌های این تحقیق بررسی و تحلیل می‌کند. مرور ادبیات تحقیق در هر بخش می‌کوشد پایه‌های نظری مرتبط به فرضیه‌ی این تحقیق را بررسی کرده پس از آن، یافته‌های این تحقیق و شرایط ویژه‌ی افغانستان را مورد بررسی قرار می‌دهد تا ثابت کند که یافته‌های این تحقیق فرضیه‌ی مورد نظر را درست ثابت می‌کند یا اشتباه. فصل چهارم به نتیجه‌گیری اختصاص یافته است و بررسی می‌کند که کدام نظریه از تحقیقات موجود در شرایط و زمینه‌ی تحقیق کنونی درست ثابت شده اند؛ سپس بر اساس یافته‌های این تحقیق، و با توجه به شرایط و زمینه‌های ویژه‌ی افغانستان، فرضیه‌ای را مطرح می‌کند.

2.1 روش‌ها

درین تحقیق، یک سروی با ۱۰۵ تن از نمایندگان پارلمان افغانستان (۷۲ مرد، ۳۳ زن) انجام شده است. این تعداد از ۲۴۹ نفر نماینده در پارلمان افغانستان مشارکت می‌کنند. درین تحقیق میزان درست بودن نظریات پاسخ‌دهندگان ۹۰٪ و میزان حاشیه‌ی خطا ۶،۱۲٪ در نظر گرفته شده است.

ترکیب زنان و مردان درین سروی ترکیب آنها را در ولسی جرگه انعکاس می‌دهد؛ از آنجایی که ۲۸٪ اعضای ولسی را زنان تشکیل می‌دهند، درین سروی ۳۱٪ از پاسخ‌دهندگان را زنان تشکیل می‌دهند.

2.1.2 سروی

سروی یاد شده شامل چهار بخش می‌شد و طوری طرح شده بود که توضیحات مختلف در مورد تفاوت‌های جنسیتی و فساد را روشن کند؛ در کنار آن، یک بخش دیگر که شامل پرسش‌های جمعیت‌شناسی می‌شد نیز به آن ضمیمه شده بود. تمام موارد چهار بخش اول شامل جملات از قبل نوشته می‌شد و پاسخ‌دهندگان از میان گزینه‌های هفت‌گانه که از شدیداً موافق شروع تا شدیداً مخالف ختم می‌شد، یکی را انتخاب می‌کردند.

بخش الف این سروی شامل دو جزء می‌شد. جزء اول شش مورد داشت و راجع به درجه‌ی مذهبی بودن پاسخ‌دهنده بود و از سروی‌های موجود به شمول شاخص دینی دانشگاه دوک (DUREL)^۶ و سروی دیگر که از سوی مرکز تحقیقاتی پیو راجع به محاسبه‌ی دیدگاه‌ها مرتبط با سیاست و مذهب در ایران برگرفته شده بود.^۷ جزء دوم شامل شش مورد راجع به نوگرایی/محافظه‌کاری فکری می‌شد. این موارد بصورت مشخص با در نظرداشت زمینه و شرایط افغانستان تهیه شده بود و موضوعاتی نظیر قانون محو خشونت علیه زنان، حقوق بشر، تنوع ارزش‌ها، و خانه‌های امن برای زنان معروض به سوء استفاده در افغانستان را در بر داشت.

بخش ب این سروی شامل ۳۵ پرسش بود که در مورد ویژگی‌های شخصیتی و رابطه‌ی آن‌ها در دخیل بودن افراد در فساد می‌شد و شامل شتاب‌زدگی، اعتماد به نفس، خودخواهی، پرورش و تربیه فرزند، مادی‌گرایی و صداقت می‌شد. این موارد از سروی‌های موجود روان‌شناسی که با زمینه و شرایط مورد نظر مطابقت داشت، برگرفته شده بود. ۵ مورد که شتاب‌زدگی را بررسی می‌کرد، از مقیاس شتاب‌زدگی برات (Barratt)^۸ برگرفته شده بود، زیرا این مقیاس معمول‌ترین پرسش‌نامه محاسبه‌ی شتاب‌زدگی است و ویژگی‌های خوب سنجش‌های روان‌شناسانه دارد. این مقیاس شتاب‌زدگی را با استفاده از ۳۰ پرسش در مورد افکار و

<http://www.pewforum.org/2013/06/11/iranians-views-mixed-on-political-role-for-religious-figures/>.

^۸ پاتون، جی.اچ.، استانفورد، ام. اس.، و برات ای. اس. (۱۹۹۵). ساختار مقیاس شتاب‌زدگی برات. مجله روانشناسی بالینی، ۵۱(۶): ۷۷۴-۷۶۸.

^۶ هارولد جی. کوپینگ و آرنست بوسینگ، «شاخص مذهب دانشگاه دوک: سنجه‌ی ۵ موردی برای تحقیقات جهانی»، مجله ریلیجن، ۱ (۲۰۱۰): ۸۵-۷۸.

^۷ «دیدگاه‌های مختلف ایرانی‌ها در مورد نقش سیاسی چهره‌های مذهبی»، مرکز تحقیقاتی پیو، ۱۱ جون ۲۰۱۳.

رفتار افراد را با جواب‌های چند گزینه‌ای محاسبه می‌کند.^۹ پنج مورد که اعتماد به نفس را محاسبه می‌کرد از مقیاس حس بی‌کفایتی جنیس-فیلد^{۱۱} برگرفته شده بود و ویژگی‌های خوب سنجش‌های روان‌شناسانه دارد و یکی از مقیاس‌های خوب برای محاسبه‌ی اعتماد به نفس جوانان به شمار می‌آید. ۲۳ مورد دیگر برای محاسبه‌ی خودخواهی، توانایی‌های علمی، اعتماد اجتماعی و سیمای ظاهری انتخاب شده بود. ۵ مورد که خطر گریزی را محاسبه می‌کرد، از پرسش‌نامه‌ی خطرگریزی برگرفته شده بود و به دلیل ویژگی‌های خوب سنجش روان‌شناسانه اش انتخاب شده بود.^{۱۲} این بخش از پاسخ‌دهندگان می‌خواهد در مورد انگیزه‌های خود در خطرپذیری توضیح بدهند. در مورد توضیح و بررسی خودخواهی یا صداقت پیدا نشد بنابراین نویسنده‌ها ۵ مورد را برای بررسی این دو ویژگی، با توجه به محیط و فرهنگ افغانستان طرح کردند. ۵ مورد دیگر که پرورش و تربیه‌ی فرزند را شامل می‌شد، از مقیاس پرورش و سرپرستی، بخاطر ویژگی‌های خوب سنجش روان‌شناسانه‌ی آن برگرفته شد.^{۱۳} این مقیاس برای بررسی رابطه‌ی فرزندان با پدرشان مورد استفاده قرار می‌گیرند. ۵ مورد دیگر که مادی‌گرایی را بررسی می‌کرد از مقیاس مادی‌گرایی برگرفته شده بود.^{۱۴} این مقیاس از ۱۶ مورد برای محاسبه و سنجش شرایطی استفاده می‌کند که در آن یک فرد به دارایی مادی اهمیت ارزش قایل می‌شود؛ این مقیاس بخاطر اعتبارش انتخاب شده بود.

بخش پ این سروی شامل ۱۴ مورد می‌شد که تمایل سلطه‌ی اجتماعی را ارزیابی و محاسبه می‌کرد و از مقیاسی که توسط فیلیسیا پراتو، جیمز سیدانیوس، لیزا ام. استال ورت و بیرترم اف. مال در سال ۱۹۹۴ طرح و تهیه شده بود، برگرفته شد. این مقیاس به منظور محاسبه و سنجش میزان تمایل افراد به سلطه‌ی گروه خودی بر گروه غیر خودی و برابر دانستن رابطه‌ی میان-گروهی و سلسله‌مراتبی تهیه و ترتیب شده است. این مقیاس از طریق آزمایش بررسی ۷۰ مورد مرتبط با تمایل سلطه‌ی اجتماعی تهیه و ترتیب شده و پس از آن روی ۱۹۵۰ دانشجویان تطبیق و عملی شده و این نتیجه بدست آمده است که مقیاس یک ساختار واحد را می‌تواند مورد سنجش قرار دهد.^{۱۵}

بخش ت شامل ۴۱ مورد می‌شود و طیف متنوعی از متغیرهای مرتبط با شبکه‌های مبتنی بر جندر و رابطه‌ی مستقیم آن‌ها با فهم و تجربه‌ی فساد

را شامل می‌شود. این بخش به شبکه‌های فرا-پارلمانی پاسخ‌دهندگان، روابط اجتماعی قوی قبل از راه یافتن به پارلمان، منزلت خانوادگی، معروض بودن به فساد و ذهنیت‌شان در مورد فساد را مورد توجه قرار داده است. این بخش هم‌چنان تعامل اعضای پارلمان را با دیگر افراد نظیر وزرا، سایر اعضای پارلمان، مقامات احزاب، موکلین، تجار و رئیس‌جمهور را مورد بررسی قرار داده است.

بخش ث شامل ده مورد جمعیت‌شناسانه است که سن، حالت مدنی، درآمد ماهوار، تعداد اعضای خانواده، سطح تحصیل، قوم، دوره‌ی نمایندگی، مدت دخیل بودن در سیاست، و وظیفه‌ی پاسخ‌دهنده قبل از راه یافتن به پارلمان را شامل می‌شود.

2b.1 فرایند

در اول برای پاسخ‌دهندگان معلومات مختصر در مورد این تحقیق و سروی ارایه شد. آنها از تمام آنچه درین تحقیق باید انجام می‌شد آگاه شدند (به شمول مدت سروی و تعهد زمانی آنها)، در مورد حقوق آنها و خطرات احتمالی و اقداماتی جهت حفظ هویت آنها توضیح داده شد. سپس هر پاسخ‌دهنده یک فورم رضایت را امضاء کرد که بدون آن وی شامل سروی نمی‌شد.

بعد برگه‌های سروی به آنها داده شد تا پاسخ‌های خود را در آن بنویسند. در مواردی که پاسخ‌دهندگان نمی‌توانستند خودشان برگه را تکمیل کنند، از سوی مسؤول جمع‌آوری اطلاعات که آموزش‌های لازم دیده بود، برای بصورت لفظی تشریح می‌شد. پس از تکمیل کردن برگه‌ی سروی، اشتراک‌کنندگان یک پرسش‌نامه در یافت می‌کردند. درین پرسش‌نامه از اشتراک‌کنندگان خواسته می‌شد تا در مورد این که سروی در مورد چه بود و اطلاعات آنها چگونه استفاده خواهد شد، پرسش‌هایی مطرح می‌شد. به اشتراک‌کنندگان فرصت سوال کردن داده می‌شد و شماره‌ی تماس یا ایمیل فرد مسؤول نیز به آنها داده می‌شد تا هنگام ضرورت به تماس شوند.

اشتراک‌کنندگان حق داشتند اطلاعات شان محرم بماند و مسؤولین جمع‌آوری اطلاعات تمام دقت خود را به کار می‌بستند تا این حق رعایت شود. هیچ اطلاعاتی در مورد شهرت و هویت آنها جمع‌آوری و ثبت نمی‌شد ولی بجای آن برای مردان شماره‌ی هویت 1XX و برای زنان شماره‌ی 2XX تعیین شد؛ هم‌چنان دیتابیس ثبت نام و شماره‌ی هویت از ریکوردهای دیجیتالی و اوراق سروی جداگانه نگهداری می‌شد. به سروی‌کننده‌ها تذکر داده شده بود که اطلاعات و تجربه‌های خود با اشتراک‌کنندگان را با هیچ کسی بیرون از تیم این سروی شریک نکنند؛

¹³ دوئل او، پیکو کونیس، ای، و هرینگتون، دی. (۲۰۱۱). مقیاس مراقبت و پرورش: تحلیل معطوف به تأیید عامل با دانشجویان آمریکایی و آفریقایی. مجله تحقیقی تمرین کار اجتماعی، ۳۱(۳)، ۳۲۷-۳۱۹.

¹⁴ ترین، ویت دونگ و فاو، این. روش جدید سنجش مادی‌گرایی (۳۰ آگست ۲۰۱۲). جریان کنفرانس ANZMAC، دانشگاه استرالیای جنوبی، استرالیا.

¹⁵ پراتو، سیدانیوس، استالورت و مال، «تمایل سلطه‌ی اجتماعی: متغیر شخصیتی برای پیش‌بینی رفتار سیاسی»، ۱۹۹۴.

⁹ بومن، ای. و اودوم، ای. ال. (۲۰۱۲). شتاب‌زدگی، خطر کردن و زمان‌بندی. مجله پروسه‌های رفتاری ۹۰(۳) ۴۱۴-۴۰۸.

¹⁰ هادن اس. سی و شیوا ای. (۲۰۰۸). ویژگی شتاب‌زدگی در بیمار مورد آزمایش:

ارزیابی مقیاس شتاب‌زدگی برات. مجله‌ی رفتارشناسی و قانون، ۲۶، ۶۷۵-۶۹۰.

¹¹ هیترتون تی. اف. و وای لند سی. ال. (۲۰۰۳). ارزیابی عزت نفس.

¹² روه‌من، بیرند. (۲۰۰۵). مقیاس مواجه با خطر: مفاهیم، پرسش‌نامه‌ها و کاربست.

لازم به یادآوری است که در درون تیم نیز، تنها اطلاعاتی که برای سروی لازم بود مورد بحث و بررسی قرار می گرفت.

2c.1 نمونه

اشتراک کننده‌ها از طریق نمونه سنوبال (snowball sample) انتخاب شدند؛ این نمونه یک الگوی غیر احتمالی است که در آن اشتراک کننده‌های فعلی اشتراک کننده‌های آینده را از میان آشنایان خود انتخاب می کنند. نمونه به اعضای منتخب ولسی جرگه محدود شده بود و هیچ یک از نمایندگان منتصب مشرانو جرگه شامل این سروی نشدند. آن عده از نمایندگانی که بیشتر مایل بودند ازین تحقیق حمایت کنند و در جریان تحقیق ما را همکاری کنند، اول انتخاب شدند و بعداً آنها مسؤولین جمع‌آوری اطلاعات را به دیگر نماینده‌ها معرفی کردند تا درین تحقیق سهم بگیرند.

3.1 شهرت نمایندگان

جوان‌ترین نماینده که درین سروی اشتراک کرده بود، ۳۰ ساله بود و سال‌مندترین نماینده ۸۰ ساله؛ ولی اوسط عمر نمایندگانی که درین سروی اشتراک کرده بودند، ۴۸ سال بود. سن ۲۱٪ اشتراک کننده‌ها بین ۳۰-۳۹ سال بود؛ سن ۳۳٪ آنها بین ۴۰-۴۹ سال بود؛ سن ۳۳٪ آنها بین ۵۰-۵۹ سال و سن ۱۳٪ باقی‌مانده بین ۶۰ سال یا بیشتر از آن بود. از میان تمام اشتراک کننده‌ها، ۳۴٪ پشتون، ۱۸٪ تاجیک، ۱۷٪ هزاره، ۷٪ ازبیک، ۶٪ افغان، ۵٪ ایماق، ۳٪ ترکمن، ۵٪ سایر اقوام بود؛ ولی ۶٪ اشتراک کننده‌ها از افشای هویت قومی شان اجتناب کردند. ۹۵٪ از نمایندگان که درین سروی اشتراک کرده بودند، متاهل بودند.

از میان اشتراک کننده‌ها، ۱٪ گفتند که دوره ابتدائیه مکتب، ۲٪ دوره متوسطه مکتب، ۱۰٪ دوره لیسه، ۷٪ صنف چهارده، ۵۳٪ دوره لیسانس، ۲۴٪ دوره ماستری یا بالاتر از آن را به اتمام رسانده اند؛ ازین میان ۲٪ میزان تحصیلات خود را افشا نکردند. درجه‌ی تحصیل با سن نمایندگان رابطه‌ی معکوس داشت و نمایندگان جوان درجه‌ی تحصیلی بالاتر داشتند.^{۱۶} در عین حال، درجه‌ی تحصیلی با جنسیت نیز مرتبط بود و نمایندگان زن درجه‌ی تحصیلی بالاتر در مقایسه با مردان داشتند.^{۱۷}

از میان اشتراک کننده‌ها، ۲۵٪ در پاسخ‌های شان درآمد ماهوار خانوادگی شان را کمتر از ۱۵۰,۰۰۰ افغانی درج کرده اند؛ ۳۱٪ بین ۱۵۰,۰۰۱ الی ۲۰۰,۰۰۰ افغانی؛ ۱۹٪ بین ۲۰۰,۰۰۱ الی ۳۰۰,۰۰۰ افغانی؛ و ۵٪ بیشتر از ۳۰۰,۰۰۰ افغانی.

ازین میان، ۲۰٪ از افشای سطح درآمد ماهوار خانوادگی شان اجتناب کردند. جالب است که رابطه میان درجه‌ی تحصیل و میزان درآمد هر وکیل معکوس بود و آن عده از وکلا که سطح تحصیلی پایین‌تر داشتند، درآمد ماهوار خانوادگی شان بالاتر بود.^{۱۸} تفاوت چشم‌گیری از لحاظ درآمد میان وکلای زن و مرد وجود نداشت.^{۱۹}

بطور متوسط، دوره‌ی وکالت اشتراک کننده‌ها در پارلمان ۶,۵ سال بود. ۲۰٪ از نمایندگان برای مدت چهار سال یا کمتر وکیل پارلمان بوده اند؛ ۴۰٪ بین ۵-۴ سال؛ و ۳۴٪ هم بین ۵-۱۰ سال. یکی از نماینده‌ها در پاسخ‌اش نوشته بود که بیش از ۱۰ سال در وکیل پارلمان بوده است و ۴٪ دیگر از پاسخ دادن به این بخش ابا ورزیدند. میان نمایندگان زن و مرد در مدت وکالت شان در پارلمان تفاوت زیادی وجود نداشت.^{۲۰} اکثر وکلا گزارش دادند که مدت طولانی در کارهای سیاسی دخیل بوده اند و اوسط این مدت ۲۰,۵ سال بود. ازین میان، ۱۵٪ ۴-۵ سال در سیاست دخیل بوده اند؛ ۲۲٪ ۵-۱۰ سال؛ ۱۹٪ ۱۰-۲۰ سال؛ ۱۸٪ ۳۰-۲۰ سال؛ و ۲۳٪ بیش از ۳۰ سال. ۳٪ از اشتراک کننده‌ها نیز از افشای مدت دخیل بودن شان در سیاست اجتناب کردند. وکلای مرد بطور چشم‌گیری مدت طولانی‌تر در سیاست دخیل بوده اند که بطور متوسط مدت آن ۲۴ سال می‌شود ولی مدت متوسط دخیل بودن زنان در سیاست ۱۳٪ بوده است.^{۲۱}

در پاسخ به این سوال که پیش از وکالت در پارلمان چه وظیفه داشتند، ۳۱٪ از وکلا پاسخ دادند که قبل از راه یافتن به پارلمان در دولت یا به عنوان مأمور ملکی یا هم به عنوان عضو شورای ولایتی کار کرده اند. ۱۶٪ از اشتراک کننده‌ها درین سروی پیش از راه یافتن به پارلمان معلم یا استاد دانشگاه بوده اند، و ۱۴٪ نیز گذشته‌ی نظامی یا جهادی داشتند. ۱۲٪ پیش از راه یافتن به پارلمان تجارت پیشه بوده اند، ۹٪ در انجوها کار می‌کرده اند، ۴٪ داکتر بوده اند، و ۹٪ کارهای مختلف اجتماعی یا فعالیت‌های اجتماعی کرده اند. ازین میان ۶٪ از افشای شغل قبلی خود اجتناب کردند. با در نظرداشت شغل نمایندگان قبل از راه یافتن به پارلمان، تفاوت‌های قابل ملاحظه میان زنان و مردان وجود داشت.^{۲۲} مردان بطور چشم‌گیری پیش از راه یافتن به پارلمان، بیشتر از زنان پیشینه‌ی نظامی یا جهادی داشتند (۲۰٪ از مردان و ۳٪ زنان)، یا هم فعالیت تجاری داشته اند (۱۶٪ وکلای مرد و تنها ۷٪ وکلای زن). از سوی دیگر، اکثر وکلای زن پیش از راه یافتن به پارلمان معلم یا استاد دانشگاه بوده اند (۲۹٪ وکلای زن معلم یا استاد دانشگاه بوده اند در حالی که از میان وکلای مرد تنها ۱۱٪ چنین مشاغلی داشته اند) و در مقایسه با مردان، تعداد قابل ملاحظه‌ی وکلای زن در انجوها کار کرده اند (۱۹٪ از وکلای زن و ۴٪ از وکلای مرد قبل از آمدن به پارلمان در انجوها فعالیت کرده اند).

²⁰ t(99)=.198, p>.05

²¹ t(95)=5.14, p<.001 (Male MPs N=69, M=24.20, SD=14.03; Female MPs N=33, M=12.79, SD=8.29)

²² X2(7, 102)=18.69, p<.01

¹⁶ rs(96)=-.281, p<.01

¹⁷ t(97)=2.84, p<.01 (Male MPs N=69, M=5.72, SD=1.14; Female MPs N=32, M=6.22, SD=.61)

¹⁸ rs(83)=-.223, p<.05

¹⁹ t(79)=.877, p>.05

4.1 محدودیت‌های این تحقیق

این تحقیق به لحاظ زمانی بطور طبیعی محدودیت‌هایی داشت. جمع‌آوری معلومات برای این تحقیق از ۲۰ اپریل ۲۰۱۵ الی ۳۰ جولای ۲۰۱۵ صورت گرفت. این دوره مصادف با ماه رمضان بود و درین ماه، جمع‌آوری اطلاعات اندکی مشکل بود؛ در عین حال، شاید کیفیت اطلاعات جمع‌آوری شده درین ماه، با توجه به زمینه‌ی آن، پایین آمده باشد. علاوه بر آن، حمله بر پارلمان افغانستان در ماه جون، محدودیت جدی روی جمع‌آوری اطلاعات وضع کرد زیرا دسترسی مسؤولین به نمایندگان را محدود کرد. به همین دلیل، تعداد سروی شونده‌ها که هدف تعیین شده بود، کاهش یافت و در نتیجه اندازه‌ی نمونه‌ی در نظر گرفته شده ۹۰٪ قابل اعتماد است و ۶،۱۲٪ نیز به عنوان حاشیه‌ی خطا در نظر گرفته شده است؛ در حالی که هدف تعیین شده ۹۵٪ نظرات قابل اعتماد بود و حاشیه‌ی خطا نیز در آن ۵٪ در نظر گرفته شده بود.

با توجه به حساسیت موضوع فساد، تصمیم بر آن شد که برگه‌های سروی در اختیار خود اشتراک‌کننده‌ها قرار بگیرد تا آن‌ها با مخفی نگه‌داشتن هویت و شهرت شان، پاسخ‌های واقعی‌تر و درست‌تر بدهند. به هر حال، این تصمیم باعث اعمال برخی از محدودیت‌های دیگر نیز شد. با توجه به این که ترجمه‌ی برگه با همان محتوای اصلی اش از انگلیسی به دری و پشتو مشکل بود، تصمیم بر آن شد که برگه‌ی سروی تنها به زبان دری ترجمه شود تا پاسخ‌دهندگان به پرسش‌های متفاوت برنخورند و در نتیجه جواب‌ها یک‌دست شوند و تغییر معنای جملات بنا به مقتضیات زبانی جلوگیری شود. با آنکه تمام اشتراک‌کننده‌ها زبان دری را می‌فهمیدند، محدودیت‌هایی نیز بطور طبیعی وجود زیرا برخی از اشتراک‌کننده‌ها به زبان دومی سروی را تکمیل می‌کردند. در ضمن، با آنکه تمام اشتراک‌کننده سواد ابتدایی داشتند، بازهم به آن‌ها گزینه‌ی تکمیل کردن سروی بصورت شفاهی نیز داده شده بود؛ ولی از آن جاییکه تفاوت میان سطح تحصیل اشتراک‌کننده‌ها بسیار چشم‌گیر بود، در فهم و تکمیل کردن سروی احتمال سوء فهم وجود دارد.

علاوه بر آن، برای کاهش احتمال گزینش تصادفی از روی گزینه‌ها، کودگذاری بصورت تصادفی و معکوس صورت گرفته بود تا نماینده‌ها گزینه‌های اول و آخر را به ترتیب انتخاب نکنند؛ در عین حال، برخی از عبارات بصورت مثبت و برخی نیز بصورت منفی آورده شده بود. به عنوان مثال، با آنکه مقیاس «شدیدا موافق» و «شدیدا مخالف» در تمام سروی به به ترتیب مشابه آورده شده بود، یکی از جملات این گونه بود: «من بدون اینکه روی موضوع فکر کنم، وارد عمل می‌شوم» در حالی که جمله‌ی دیگر این گونه بود: «من با دقت تمام فعالیت‌های خود را برنامه‌ریزی می‌کنم.» درین صورت، گزینه‌ی «شدیدا موافقم» در پاسخ به جمله‌ی اول «عجول بودن» اشتراک‌کننده را نشان می‌دهد ولی عین پاسخ به جمله‌ی دوم «عجول بودن» وی را نشان نمی‌داد. به همین دلیل، پاسخ‌دهنده‌گانی که توجه و دقت به خرج نمی‌دادند، بجای «شدیدا موافقم» «شدیدا مخالفم» را نشانی می‌کردند.

بخاطری که دسترسی به تعداد نمایندگان که در هدف تعیین شده بود، بسیار دشوار بود، ابزارهای سروی را پیش از شروع پروسه تحقیق توانستیم بصورت

آزمایشی تطبیق کنیم. با آن که بسیاری از موارد انتخاب شده بارها مورد آزمایش قرار گرفته و انکشاف یافته اند، ولی موارد آزمایش آن‌ها بیرون از زمینه و شرایط افغانستان بوده است و اکثرا به زبان انگلیسی صورت گرفته است. به همین دلیل، در صورت موجودیت زمان بیشتر، منابع بیشتر و دسترسی بیشتر، آزمایش و بازنگری پرسش‌نامه ترجیحا بسیار خوب بود. به همین دلیل، برخی از موارد آن گونه که توقع می‌رفت پاسخ نداد. با توجه به این موارد، نویسنده‌ها از مقیاس‌هایی که قیمت‌شان بیشتر از قیمت الفای کرون‌باخ بود (یعنی بیشتر از ۰،۰۵) را برگرفته، سایر مقیاس‌هایی را که با این معیار هم‌خوانی نداشتند را به عنوان متغیرهای انفرادی دسته‌بندی کردند. ضمنا، اکثریت اطلاعات بصورت عادی توزیع نشده بود. به همین دلیل، تصمیم بر آن شد تا از ابزارهای t -test، χ^2 -Square و ρ -Spearman برای تحلیل رابطه میان متغیرها استفاده شود. تست‌های χ^2 -Square و ρ -Spearman تست‌های غیر پارامتریک هستند ولی t -test پارامتریک است؛ به همین دلیل، نتایج کنونی باید تقریبی در نظر گرفته شوند.

جانب‌داری در پاسخ‌دهی ممکن است در نتایج اطلاعات تأثیر داشته باشند و این جانب‌داری شامل مطلوبیت اجتماعی و عدم بی‌طرفی در ارایه جواب می‌شوند. جانب‌داری مبتنی بر مطلوبیت اجتماعی به معنای این است که پاسخ‌دهنده تمایل دارد پرسش‌ها را طوری پاسخ‌دهد که از دیدگاه جامعه خوب به نظر می‌رسد. با توجه به سرشت مواردی که ویژگی‌های شخصیتی و فساد را بررسی می‌کرد، این احتمال قویا وجود دارد که پاسخ‌دهنده‌ها جواب‌های شان را طوری ارایه کرده باشند که آن‌ها را در چشم جامعه خوب جلوه بدهد. بخاطر تقلیل این احتمال، مخفی بودن هویت و شهرت پاسخ‌دهنده درین تحقیق اهمیت فوق‌العاده داشت. در مورد محرمت شهرت پاسخ‌دهنده‌ها به تمام اشتراک‌کننده‌ها معلومات داده شده بود و تمام اقدامات لازم برای حفظ حریم خصوصی آنها نیز در نظر گرفته شده بود. علی‌رغم اقداماتی که درین راستا صورت گرفت، این حتمال هنوز هم وجود دارد که مطلوبیت اجتماعی نتایج این تحقیق را متأثر کرده باشد.

عدم بی‌طرفی در پاسخ‌دهی به این معناست که افرادی که تمایل زیادتر دارند تا در فساد شریک باشند و در راستای منافع شخصی شان کار کنند، به احتمال زیاد این سروی را تکمیل نمی‌کنند. عدم بی‌طرفی در پاسخ‌دهی در روش نمونه‌گیری درین تحقیق در نظر گرفته شده بود به همان دلیل، نمونه‌های تصادفی درین تحقیق مورد استفاده قرار نگرفت. بخاطر دخالت عدم بی‌طرفی در پاسخ‌دهی، نمونه‌ی مورد استفاده شاید نتواند تناسب نمایندگانی را که در فساد دخیل اند و آن‌هایی را که درین کار دست ندارند، را بصورت کامل منعکس کند.

در پایان، عدم بی‌طرفی مسؤولین نیز امکان دارد نتایج این تحقیق را متأثر کرده باشد زیرا مسؤولین بصورت ناخودآگاه از نتایجی که بدست می‌آید جانب‌داری کنند. دو نفر کننده برای این تحقیق اطلاعات جمع‌آوری کردند، بنابراین، بخاطر تضمین تسلسل، هر دو مسؤول آموزش کافی دیدند تا از واژه‌ها، عبارات و طرزالعمل‌های مشابه برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده کنند. هر دو مسؤول خانم بودند، به همین دلیل، این امکان وجود دارد که جنسیت این دو نفر در جریان جمع‌آوری اطلاعات از وکلا، آنها را تحت تأثیر قرار داده باشد.

1.2.1 سیستم سهمیه‌بندی

قانون اساسی جدید سیستم سهمیه‌بندی در پارلمان را نیز معرفی کرد که مطابق آن ۲۷٪ کرسی‌ها در ولسی جرگه و ۱۷٪ کرسی‌ها در مشرانو جرگه سهمیه زنان در نظر گرفته شده است. کمیسیون انتخاباتی کرسی‌هایی را برای هر ولایت با

تناسب نفوس آن ولایت در نظر گرفته است تا مطابق آن فیصدی کرسی‌های زنان مطابق حکم قانون اساسی مشخص شود. کاندیداهای زن و مرد برای احراز کرسی‌ها رقابت می‌کنند و در مواردی که تعداد کاندیداهای زن از هر ولایت همان نصاب را با آرای بدست آمده پوره نکند، کاندیداهای زن که بیشترین رأی را در همان ولایت از آن خود کرده اند، برای همان تعداد کرسی‌های مشخص شده برای زنان از همان ولایت انتخاب می‌شوند. در مشرانو جرگه، از تعداد زنانی که از سوی رییس جمهور منصوب می‌شوند، ۵۰٪ شان باید زنان باشند.^{۲۶}

1.2.2 احزاب سیاسی

افغانستان سیستم حزبی قوی ندارد. سیستم رأی واحد و غیر قابل انتقال کاندیداهای مستقل و احزاب سیاسی قوی و فراگیر می‌طلبد. به عنوان مثال، در انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی سال ۲۰۰۹، بیش از صد حزب ثبت نام کردند، ولی با وجودیکه ۸۰٪ کاندیداهای شورای ولایتی مستقل بودند، ۳۰ حزب درین انتخابات کاندیدا معرفی کرده بودند. در پارلمان ۲۰۱۰-۲۰۱۵، ۲۱ حزب سیاسی نماینده دارد^{۲۷} با وجودی که مطابق سروی Democracy International که در سال ۲۰۱۲ انجام شده است، سه چهارم اعضای پارلمان خود را منسوب به حزب سیاسی معرفی نکردند.^{۲۸} احزاب سیاسی عموماً نقش محدود در نظام سیاسی افغانستان دارند، و میان مردم شهرت نسبتاً منفی دارند، و در فاصله‌ی انتخابات‌ها فعالیت مهمی نیز انجام نمی‌دهند. احزاب بخاطر نداشتن پلت‌فورم‌های پالیسی محور نیز مورد انتقاد قرار دارند و بیشتر روی شخصیت و شبکه‌های حمایتی مربوط به همان شخصیت تکیه دارند.^{۲۹}

1.2.1 چارچوب‌های قانونی و انتخاباتی

نظام سیاسی کنونی افغانستان از توافق‌نامه‌ی بن که در ۵ دسامبر ۲۰۰۱ امضا شد، شروع می‌شود؛ مطابق نقشه‌ی راه این توافق‌نامه، «باید نهادهای دائمی دولت در افغانستان ایجاد شود.» لویه‌جرگه‌ی قانون اساسی که در سال ۲۰۰۳ فراخوانده شد، قانون اساسی نسبتاً دموکراتیک را به تصویب رساند که در آن، تفکیک و توازن قوا، تقسیم قدرت در سطوح مرکزی و محلی، و نقش اسلام درج و تسجیل شد. این قانون اساسی نظام ریاستی را در افغانستان تأسیس کرد که در آن رییس جمهور و دو معاون انتخابی، قوه‌ی مقننه‌ی دو اتاقه و قوه‌ی قضایی مستقل تصریح شده است. قوه‌ی مقننه متشکل از خانه‌ی ملت (یعنی ولسی جرگه‌ی انتخابی) و مشرانو جرگه (مجلس سنا) است که دومی بصورت مساوی میان اعضای منتخب شوراهای ولایتی، نمایندگان شوراهای ولسوالی‌ها و اعضای انتصابی از سوی رییس جمهور تقسیم شده است.^{۲۳}

نظام انتخاباتی افغانستان مبتنی بر رأی واحد غیر قابل انتقال است که در انتخابات نمایندگان مجلس و شوراهای ولایتی عملی می‌شود. در این سیستم انتخاباتی، رأی دهنده‌ها تنها یک رأی حق دارند و می‌توانند آن را برای یک کاندیدا در حوزه‌ی انتخاباتی مشخص شان استعمال کنند و در نتیجه، کاندیدایی که بلندترین تعداد آرای قابل اعتبار را از آن خود می‌کند به کرسی تعیین شده به آن حوزه انتخاباتی راه پیدا می‌کند. در افغانستان ۳۵ حوزه‌ی انتخاباتی با اعضای چندگانه وجود دارد که از ۳۴ ولایت افغانستان و کوچی‌ها مشارکت می‌کند.^{۲۴} تعداد کرسی‌ها برای هر حوزه‌ی انتخاباتی در انتخابات پارلمانی مختلف و به تناسب نفوس آن حوزه است که با اتکا به اطلاعات ارایه شده از سوی اداره احصائیه مرکزی تعیین می‌شود؛ این اداره مکلف است به کمیسیون انتخابات آخرین آمارهای دقیق و رسمی نفوس هر ولایت، ولسوالی، ناحیه، و قریه به شمول کوچی‌ها ارایه کند.^{۲۵}

²⁶ مونا لینا کروک، دیانا زی. اوبرایان و کریستا ام. سوپ، «تهاجم نظامی و مشارکت سیاسی زنان» مجله‌ی International Journal of Feminist Politics، شماره ۱، ۲۰۱۰: ۶۶-۷۹.

²⁷ «احزاب سیاسی در افغانستان: مروری وضعیت احزاب سیاسی در انتخابات ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰»، انسیتیوت ملی دموکراسی، جون ۲۰۱۱.

²⁸ «سروی پارلمان افغانستان: یافته‌های کلیدی»، Democracy International، جولای ۲۰۱۲.

²⁹ انا لارسن، «احزاب سیاسی در افغانستان»، انسیتیوت صلح ایالات متحده، مارچ ۲۰۱۵.

²³ جی. الکساندر تیر، «تدوین قانون اساسی در افغانستان»، مجله‌ی New York Law Review، شماره ۵۱، ۷/۲۰۰۶: ۵۵۸-۵۷۹.

²⁴ «درآمدی به رأی واحد و غیر قابل انتقال»، یونما، <http://unama.unmissions.org/Portals/UNAMA/Document%20s/Election%20System%20in%20Afghanistan%20Primer.pdf>.

²⁵ http://www.iec.org.af/pdf/legalframework/law/electorallaw_eng.pdf

2.2 مشارکت سیاسی زنان

2.2a مشارکت زنان در سمت‌های سیاسی بیرون از

پارلمان

است، ولی ۴۷٪ دیگر مخالف سهمیه‌ی زنان بودند. ۳۷٪ از وکلای سروی شده به این نظر بودند که فیصدی حد اقلی برای مشارکت زنان ضرور است بدون تعیین تعداد کرسی‌هایی که باید به زنان تعلق بگیرند.^{۳۸}

علاوه بر آن، در سروی سالانه ملی که از سوی بنیاد آسیا انجام شده است، حمایت از مشارکت زنان در سمت‌های سیاسی از سال ۲۰۰۸ بدین سو کاهش یافته است. در سال ۲۰۱۴، برای اولین بار، تعداد افغان‌هایی که فکر می‌کردند سمت‌های سیاسی در دولت را باید بیشتر مردان احراز کنند (۴۶،۱٪) بیشتر از تعداد افغان‌هایی بود که طرفدار تقسیم سمت‌های سیاسی میان زنان و مردان بودند (۴۲،۱٪).^{۳۹}

3.2 فساد اداری در افغانستان

درین رابطه توافق گسترده وجود دارد که افغانستان در میان فاسدترین کشورهای جهان قرار دارد. در سال ۲۰۱۴، سازمان شفافیت بین‌الملل افغانستان را در فهرست کشورهای فاسد از میان ۱۷۵ کشور مقام ۱۷۲ام را داده بود. در مقیاسی که نمره‌ی صفر به معنای فاسدترین و نمره‌ی صد به معنای شفاف‌ترین نظام است، افغانستان نمره‌ی ۱۲ را بدست آورده بود. یک سروی که در سال ۲۰۱۴ در مورد گستردگی فساد اداری در افغانستان انجام شده بود، نشان می‌دهد که از نظر افغان‌ها فساد اداری، پس از امنیت، دومین بزرگ‌ترین مشکل است که افغانستان با آن روبرو است. درین سروی، از هر ۵ نفر که در سروی اشتراک کرده بودند، یک نفر با فساد مواجه شده بود و بصورت تخمینی، ۱۰۵ میلیارد افغانی در دوازده ماه گذشته رشوه پرداخته شده است.^{۴۰} فساد بصورت گسترده در افغانستان نهادینه شده است و دسترسی به بسیاری از خدمات دولتی را متأثر کرده است.^{۴۱}

مشارکت زنان در نهادهای سیاسی در سطح محلی ۳۵٪، در شوراهای ولایتی ۲۱٪ و در ولسی جرگه ۲۸٪ برآورد شده است. ۳۰٪ در سال ۲۰۱۴، در سطح ملی ۳۰۸ کاندیدای زن وجود داشت که مجموعاً ۱۱٪ کاندیداها را تشکیل می‌داد^{۴۱} و بصورت کلی زنان ۲۱٪ از کرسی‌ها تعیین شده را از آن خود کردند که ازین تعداد، ۱۸ کرسی بیرون از سهمیه تعیین شده بود.^{۳۲} از سوی دیگر، در سال ۲۰۱۴، پارلمان سهمیه‌ی زنان در شوراهای ولایتی را از ۲۵٪ به ۲۰٪ تقلیل دادند.^{۳۳} اولین والی زن در افغانستان در سال ۲۰۰۵ گماشته شد و در سال ۲۰۱۵، رئیس جمهور اشرف غنی دو والی زن را در ولایت‌های دایکندی و غور تعیین کرد؛ علی‌رغم این که تقرر سیما جوینده به عنوان والی ولایت غور اعتراضات رهبران محلی را مبنی بر تقرر والی زن برانگیخت.^{۳۴} زنانی که فعالیت‌های سیاسی دارند در افغانستان با چالش‌های مواجهه اند؛ در عین حال مشکلات امنیتی نیز عامل بازدارنده‌ی دیگر فراروی مشارکت زنان شمرده می‌شود. سیاستمداران زن باربار هدف حمله قرار گرفته اند.^{۳۵} چندین سیاستمدار زن هدف حمله قرار گرفته یا هم کشته شده اند و چالش‌های امنیتی هنوز هم یکی از چالش‌های جدی فراروی بهبود مشارکت زنان قرار دارد.^{۳۶}

2.2b رفتارها با زنان سیاستمدار

علیه موضوع سهمیه برای زنان، در داخل پارلمان نیز برخی مخالفت‌ها دیده شده است. در سروی وکلای پارلمان که در سال ۲۰۱۲ انجام شده است، ۵۵٪ نماینده‌ها به از نظر بودند که برای مشارکت کافی زنان نظام سهمیه‌بندی لازم

http://www.thestar.com/news/world/2013/08/13/taliban_kidnaps_female_afghan_politician_attacks_undermine_womens_rights_campaign.html.

³⁶ ماری اس. هوبر، «کارت نمره دهی برابری جنسیتی»، موسسه‌ی برابری برای صلح و دموکراسی، ۲۰۱۵.

³⁷ «سروی پارلمان افغانستان: یافته‌های کلیدی»، Democracy International، جولای ۲۰۱۲.

³⁸ زاخ وارن، «افغانستان در ۲۰۱۴: سروی مردم افغانستان»، بنیاد آسیا، ۲۰۱۴.

³⁹ سازمان شفافیت بین‌المللی، «نتایج سروی شاخص فساد در ۲۰۱۴»، پریزنتیشن، ۳ دسامبر ۲۰۱۴.

http://transparency.org.my/wp-content/uploads/2014/12/CPI-2014-Presentation_Final.pdf.

⁴⁰ «محمد رزاق اسحاق زاده، «دیدگاه افغان‌ها و تجربه‌ی فساد: سروی ملی فساد در ۲۰۱۴»، دیده‌بان شفافیت افغانستان، ۲۰۱۴.

http://iwaweb.org/ncs/_2014/docs/national_corruption_survey_2014_english.pdf.

⁴¹ همان.

³⁰ ماری اس. هوبر، «کارت نمره دهی برابری جنسیتی»، موسسه‌ی برابری برای صلح و دموکراسی، ۲۰۱۵.

³¹ «انتخابات در افغانستان: انتخاب ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی پنجم اپریل»، بنیاد بین‌المللی نظام‌های انتخاباتی، ۲۷ مارچ ۲۰۱۴.

http://www.ifes.org/~media/Files/Publications/White%20PaperReport/2014_IFES_Afghanistan%20Presidential%20and%20PC%20Elections.pdf.

³² «شوراهای ولایتی ۲۰۱۴: زنان چگونه ظاهر شدند؟» انتخابات افغانستان، ۲۰۱۴.

³³ ماری اس. هوبر، «کارت نمره دهی برابری جنسیتی»، موسسه‌ی برابری برای صلح و دموکراسی، ۲۰۱۵.

³⁴ علی م. لطیفی، «مبارزه برای راه‌گشایی رهبری زنان در آینده»، لاس انجلس تایمز، ۱ سپتامبر ۲۰۱۵.

<http://www.latimes.com/world/afghanistan-pakistan/la-fg-afghanistan-female-governor-20150831-story.html>

³⁵ «طالبان فعال سیاسی زن افغان را اختطاف کردند، حملات طالبان کمپاین حقوق زنان را کم‌رنگ کرده است»، رویترز، ۱۳ اگست ۲۰۱۳.

در پاسخ به این سوال که سه فاسد ترین نهاد دولتی کدامها اند، ۱۲٪ از پاسخ‌دهندگان پارلمان را ذکر کردند که در فهرست همان سروی از دیدگاه عموم مردم دوازدهمین نهاد فاسد شناخته شده است. تنها یک درصد اشتراک‌کننده‌ها معتقد بودند که پارلمان توانسته تا اندازه‌ای در مبارزه با فساد موفق بوده است که در میان نهادهایی که در مبارزه با فساد موفق بوده اند، از طرف آخر چهارم بود.^{۴۲} در پاسخ به این سوال که معمول ترین نوع فساد در نظام سیاسی افغانستان چیست، ۵۷٪ اشتراک‌کننده‌ها پاسخ دادند که روابط قومی، شخصی، خانوادگی و حزبی مهم‌ترین وجوه فساد اداری اند.^{۴۳}

اعضای ولسی جرگه بصورت معمول به فساد، به شمول قاچاق مواد مخدر، تقلب در انتخابات، تقلب در سفرهای حج و سفرهای زیارتی، جرایم جنگی، فساد در رأی‌دهی در پارلمان و تأیید اعضای کابینه، تبانی با اعضای کابینه برای منظور وظیفه‌ی آشنایان و بستگان آن‌ها، و تسهیل دواطلبی‌های غیر رقابتی در قراردادهای دولتی آغشته بوده اند.^{۴۴} استفاده از مقام وکالت در پارلمان برای راه‌اندازی تجارت‌های پرسود شخصی برای نمایندگان پارلمان امر عادی و معمول است.^{۴۵}

4.2 بهبود مشارکت زنان: نقش و مؤثریت

نظام سهمیه‌بندی

مدام با موضوع ارتقای مشارکت زنان در سیاست، این سوال نیز مطرح بوده است که چگونه این کار را انجام بدهیم؟ داهلیروپ و لیبنار بررسی کرده اند که در بسیاری از دموکراسی‌های قدیمی غربی، حدود صد سال زمان در بر گرفت تا بهبود در مشارکت زنان پدید بیاید؛^{۴۶} این چارچوب زمانی برای بسیاری از دموکراسی‌های نوپا و پس از جنگ نیز قابل قبول است. به همین دلیل، یکی از روش‌های معروف تضمین مشارکت زنان معرفی نظام سهمیه‌بندی قانونی مثل ۲۵٪ سهمیه‌زنان در ولسی جرگه‌ی افغانستان بوده است. با این حال، مؤثریت چنین نظامی برای بهبود مشارکت زنان هنوز هم با پرسش‌هایی مواجه است.

مطابق بررسی داهلیروپ و فیریدنوال از نظام سهمیه‌بندی که در کشورهای اسکانديناوی تطبیق شده است، درین کشورها منحنی مشارکت برابر زنان صعودی و تدریجی بوده است در حالی که در کشورهای دیگر نظیر آرژانتین، کوستاریکا و آفریقای جنوبی سیر سریع و جهشی داشته است. در کاستاریکا،

مشارکت زنان در پارلمان از ۱۹٪ در یک انتخابات به ۳۵٪ در انتخابات بعدی بالا رفته است و در اولین انتخابات دموکراتیک پارلمانی آفریقای جنوبی میزان مشارکت زنان ۴۶٪ ثبت شده است. این دو محقق سه موضوع را در مسئله مشارکت زنان بررسی کرده اند: (۱) مسئله‌ی عدالت، یعنی از آن‌جایی که زنان نصف از نفوس کشور را تشکیل می‌دهند، حق دارند نصف از کرسی‌ها را نیز اشغال کنند؛ (۲) مسئله‌ی تجربه، یعنی زنان تجربه‌های اجتماعی و بیلوژیکی متفاوت دارند که باید از آنها نمایندگی شود؛ و (۳) مسئله‌ی گروه‌های هم‌سود (یا ذی‌نفع)، یعنی زنان و مردان قسماً منافع متضاد دارند به همین دلیل مردان نمی‌توانند از زنان نمایندگی کنند. در هر صورت، آنها به این نظر پافشاری می‌کنند که معرفی نظام سهمیه‌بندی ما را از اصل پایه‌ای لبرال که فرصت‌های برابری به طرف نتایج برابر منحرف می‌کند. مفهوم دومی بر این پایه استوار است که تنها با رفع موانع که در نظام فکری لبرال از آن نام برده می‌شود، فرصت‌های برابر بوجود نمی‌آید.^{۴۷}

نظام سهمیه‌بندی برخی از موانع ساختاری فراوری مشارکت برابر زنان، من جمله شبکه‌های مبتنی بر جنسیت که نظام بسته و مردسالار را در استخدام افراد ایجاد و تقویت می‌کند، را از میان بر می‌دارد. ولی از سوی دیگر، نظام سهمیه‌بندی موارد دیگر نظیر عدم توازن در تمویل کمپاین‌ها و موانع اجرایی وظیفه پس از انتخاب شدن را از میان بر نمی‌دارد و حتا می‌تواند در ایستایی فعالیت سیاست‌مداران زن نقش داشته باشند. با در نظر داشت این امر، داهلیروپ و فیریدنوال هم‌چنان اذعان می‌کنند که نظام سهمیه‌بندی می‌تواند برای زنان مشکل‌ساز باشد زیرا سهمیه‌بندی نقش زنان به عنوان جنس دوم را بازتولید نموده، کلیشه‌های جنسیتی را ایجاد می‌کند مگر این‌که نظام سهمیه‌بندی به شکل طرح شود که نسبت به جنسیت خنثا و بی‌طرف باشد؛ مثلاً سهمیه بصورت ۵۰/۵۰ در نظر گرفته شود.^{۴۸} این تحقیق روی این نظریه تأکید می‌کند که نظام انتخاباتی تناسبی بیشتر از نظام انتخاباتی اکثریت برای زنان فرصت مشارکت می‌دهد.^{۴۹}

مهم‌تر از همه، داهلیروپ و فیریدنوال تأکید می‌کنند که کشورهای بخاطر ارایه تصویر بهتر خود در نظام بین‌المللی نیز ممکن است نظام سهمیه‌بندی برای مشارکت زنان را قانونی کنند. همان‌گونه که بصورت گسترده قبول شده است که سهمیه برابری را تأمین می‌کند، بسیاری از کشورها نه تنها برای حل مسئله‌ی مشارکت پایین زنان در داخل، بلکه برای اینکه کشوران در سطح بین‌المللی به عنوان یک کشور مدرن و مبتکر معرفی کنند، نظام سهمیه‌بندی را پیاده می‌کنند. تحقیق یاد شده از سال ۲۰۰۳ نقش فزاینده‌ی رسانه‌های بین‌المللی و نقش

45 انا لارسن، «احزاب سیاسی در افغانستان»، ۲۰۱۵.

46 داهلیروپ و لی‌بی‌نار، «حرکت به سوی برابری جندر در سیاست»، ۲۰۱۳.

47 درود داهلیروپ و لینیتا فیریدنوال، «سهمیه به عنوان روند سریع نمایندگی برابر زنان: چرا کشورهای اسکانديناوی دیگر الگو نیستند؟»، گزارش ارایه شده به کنگره جهانی IPSA، دورین، آفریقای جنوبی، ۲۹ جون الی ۴ جولای، ۲۰۰۳.

48 همان.

49 همان.

42 همان.

43 همان.

44 روکھیل آر. بهاونانی و لوک ان. کوندرا، «چرا مردم به سیاست‌مداران فاسد رای می‌دهند: شواهدی از سروی در افغانستان»، مرکز بین‌المللی رشد، مارچ ۲۰۱۲.

International Growth Centre, March 2012, <http://www.theigc.org/wp-content/uploads/2014/10/Bhavnani-Condra-2012-Working-Paper.pdf>.

انعکاس نشست‌های جهانی در رسانه‌ها را نیز با اهمیت تلقی می‌کند. مسئله‌ی تصویر کشور در سطح بین‌المللی با نقش گسترده‌ی رسانه‌ها و دسترسی رسانه‌های ملی به اطلاعات پررنگ تر شده است.^{۵۰}

داهلیروپ و فیریدنوال نتیجه‌گیری می‌کنند که سیر تدریجی و سریع هر دو مزیت‌ها و معایبی دارند. آنها توضیح می‌دهند که در روند سریع که زنان از بالا به مقام‌ها و سمت‌های سیاسی گماشته می‌شوند، به مرور زمان نقش نمادی پیدا می‌کنند مگر این که از پایین به ظرفیت‌سازی، نقد و حمایت زنان از سوی نهادها و سازمان‌های زنان توجه صورت بگیرد. از سوی دیگر، روند تدریجی تصریح می‌کند که زنان انتخاب شده بیرون از پارلمان نیز پایه‌های قدرت دارد ولی این روند فوق‌العاده زمان‌گیر است و سرعت پیشرفت آن با اقتضات جهانی مبنی بر نهادهای سیاسی متوازن، سازگاری نشان نمی‌دهد.^{۵۱}

چن با استفاده از رویکرد «تفاوت-در-تفاوت» (Difference-in-Difference) تأثیرات نظام سهمیه‌بندی را در ۱۰۳ کشور میان سال‌های ۲۰۰۶-۱۹۷۰ بررسی می‌کند که از میان این کشورها، ۲۲ کشور نظام سهمیه‌بندی قانونی دارند، ۴۷ کشور نظام سهمیه‌بندی داوطلبانه دارند و ۴۳ کشور هیچ سهمیه‌ی مبتنی بر جنس ندارند. یافته‌های چن نشان می‌دهد که بطور متوسط، مشارکت زنان در کشورهای دارای نظام سهمیه‌بندی ۱،۵۲ برابر بیشتر از کشورهای بدون سهمیه است و این رقم کشورهای عضو سازمان همکاری و انکشاف اقتصادی را نیز شامل می‌شود که اگر این کشورها را درین جمله شامل نکنیم، کشورهای دارای سهمیه ۱،۳۱ درصد مشارکت بیشتر را شاهد بوده اند. به هر حال، این تحقیق هم‌چنان دریافته است که کشورهایی که سهمیه‌ی جنس را در نظر گرفته اند، تولید ناخالص ملی بالاتر داشته و/یا مشکلات اجتماعی بیشتری نیز داشته اند. اگر همه‌ی کشورها را در نظر بگیریم، سهمیه‌ی جنس و تعداد قانون‌گذار زن بصورت قابل ملاحظه و مثبت با هم در ارتباط اند و میزان مشارکت زنان در قانون‌گذاری در کشورهایی که سهمیه جنس را تطبیق کرده اند، ۵،۰۳٪ بیشتر از کشورهای است که این کار را نکرده اند. این تحقیق نشان می‌دهد که سهمیه‌ی داوطلبانه و حزبی بیشتر از سهمیه‌ی قانونی کارایی داشته است و این موضوع وابسته به این واقعیت است که احزاب سیاسی بصورت داوطلبانه سهمیه‌های داوطلبانه را تصویب می‌کنند به همین دلیل احتمال این که این امر یک پالیسی نمادی و سمبولیک باشد، کاهش می‌یابد.^{۵۲}

چن هم‌چنان دریافته است که افزایش مشارکت زنان در سیاست روی تصمیم‌گیری دولت‌ها در رابطه به مصارف بودجه، مخصوصاً مسایلی مرتبط با نقش سنتی زن در خانواده و مسایل رفاهی، تأثیر مستقیم دارد. افزایش سهمیه‌ی

زنان در بخش قانون‌گذاری به اندازه‌ی ۰،۱٪ نسبت مصارف روی رفاه اجتماعی و تولید ناخالص ملی را ۰،۲۸ برابر افزایش می‌دهد.^{۵۳} بر اساس همین تحقیق، این رابطه در رابطه به سهمیه‌ی جنس نیز صادق است و این امر نشان می‌دهد که بالابردن مشارکت سیاسی زنان اولویت‌های مصارف دولت را نیز دگرگون می‌کند. به هر حال، با وجودی که وی نتیجه‌گیری می‌کند که رویکرد افزایش سریع سهمیه‌ی جنس روی مشارکت سیاسی زنان تأثیر مستقیم دارد، بالا رفتن مشارکت زنان در قانون‌گذاری در کشورهای در حال توسعه هنوز نمی‌تواند روی نتایج پالیسی‌های دولت اثرگذار باشد.^{۵۴}

تأثیرات سهمیه‌ی جنس هنوز هم با پرسش‌های زیادی مواجه است. برخی‌ها اشار کرده اند که با توجه به شرایط بسیاری از کشورها، کسانی که قدرت دارند (و اغلب مردان اند) با میکانیسم‌های سهمیه‌بندی برای زنان مخالفت می‌کنند و اصلاحات را درین زمینه ناکام می‌سازند.^{۵۵} در افغانستان مطالعات موردی زیادی صورت گرفته تا در یابند که نظام سهمیه‌بندی چه تغییری ایجاد می‌کند و انگیزه‌های اصلی معرفی سهمیه برای زنان مخصوصاً در کشورهایی مثل افغانستان که زنان منزلت و موقعیت اجتماعی پایین‌تری دارد، چیست.^{۵۶}

برخی از تحقیقات نشان می‌دهند که تنها سهمیه نمی‌تواند مشارکت سیاسی زنان را بالا ببرد. اقدامات دیگری که این تحقیقات پیش‌نهاد می‌کنند شامل معرفی قوانینی می‌شود که رفتارهای سیاسی روزمره را اصلاح کرده به زنان کمک کند نقش خود فراتر از تعداد شان تحقق ببخشند؛ در عین حال باید توازن جنسیتی در کمیسیون‌ها و کمیته‌های قانون‌گذاری رعایت شود و در کنار این اقدامات، فرصت گفتمان عمومی درین رابطه فراهم شود. قوانینی که به فعالیت‌های کاری و سیاسی مرتبط اند نیز باید اصلاح شوند؛ مثلاً قانون بازنشتگی، رخصتی‌ها مریضی/خانوادگی/فرزند پروری و خدمات مراقبت روزانه از اطفال. آزار و اذیت جنسی و تبعیض در نهادهای سیاسی از طریق طرزالعمل‌ها و مقررات مؤثر باید از میان برده شوند. نظام انتخاباتی باید شامل تر باشد، و قوانین و مقررات مناسب و عادلانه برای تمویل کمپاین‌ها در نظر گرفته شود تا عدم امتیاز مبتنی بر جنسیت روند تحصیل منبع برای کمپاین را متأثر نکند.^{۵۷} راه‌کارهای دیگر فراتر از نظام سهمیه‌بندی برای ارتقای برابری جنسیتی شامل افزایش تعداد کاندیداهای احتمالی، و تحول و دگرگونی ذهنیت اجتماعی نسبت به زنان در سیاست، رفع موانع انتخاب زنان، حمایت از کاندیداتوری و کمپاین زنان، تشکیل گروه‌های زنان، و به کار بردن ادبیات غیر جنسیتی در قوانین و لایحه‌ها می‌شود.^{۵۸}

56 سارا سون بوش، «سیاست‌های بین‌المللی و گسترش نظام سهمیه برای مشارکت زنان در قانون‌گذاری»، مجله‌ی سازمان‌های بین‌المللی ۶۵، ۲۰۱۱: ۱۰۳-۱۳۷.

مونا لینا کروک، دینا زی. اوبرایان و کریستا ام. سوپ، «تهاجم نظامی و مشارکت سیاسی زنان» مجله‌ی International Journal of Feminist Politics، شماره ۱، ۲۰۱۰: ۶۶-۷۹.

57 همان.

58 مونا لینا کروک و پپیا نوریس، «فراتر از سهمیه: راه‌کارهای بهبود مشارکت زنان در اداره‌ی انتخابی»، مجله‌ی مطالعات سیاسی ۶۲، ۲۰۱۴: ۲-۲۰.

50 همان.

51 همان.

52 لی جوو چین، «آیا سهمیه نمایندگی و پالیسی زنان را متأثر می‌کند؟»، مجله‌ی اروپایی اقتصاد مقایسوی ۷، شماره ۱، ۲۰۱۰: ۱۳-۶۰.

53 همان.

54 همان.

55 الیونور لیپینارد، «سهمیه جنس و سیاست‌های رو به تحول»، مرکز رابرت شومان برای تحقیقات پیشرفته، برنامه‌ی حکومت‌داری جهانی، ۲۰۱۴.

http://cadmus.eui.eu/bitstream/handle/1814/31302/RSC_AS_PP_2014_06.pdf?sequence=1.

3. بررسی جندر و فساد در افغانستان: صورت‌بندی یافته‌ها با استفاده از تحقیقات انجام شده

1.3 جندر و فساد

1.3.a تحقیق توسعوی در مورد جندر و فساد

بر اساس تحقیقات انجام شده راجع به تفاوت‌های رفتاری مبتنی بر جندر، دالر، فیس‌من و گوتی این فرضیه را مطرح می‌کنند که مشارکت بیشتر زنان در قانون‌گذاری با میزان پایین تر فساد که مطابق شاخص رهنمود بین‌المللی خطر کشورها محاسبه شده است، تناسب دارد. این تحقیق دریافته است که حتی پس از کنترل تولید ناخالص ملی، آزادی‌های مدنی، نفوس، اوسط سال‌های آموزش، تجارت آزاد، و ترکیب قومی کشورها، در سطح کشوری، میزان بالای مشارکت زنان در سیاست با میزان پایین فساد در آن کشور تناسب دارد.⁵⁹

به تعقیب این تحقیق، سوامی، ناک، لی و ازفار نیز در مورد جندر و فساد اداری مطالعه کردند؛ ولی با این تفاوت که مطالعه‌ی این‌ها به تفاوت‌های بیولوژیکی میان زنان و مردان اشاره نمی‌کنند بلکه به تفاوت‌های جامعه‌پذیری و عوامل دیگر میان زنان و مردان تأکید دارند.⁶⁰ این تحقیق شامل تحلیل کلی سه مجموعه شواهد می‌شود. آنها دریافتند که در ۱۸ سروی ارزش‌های جهانی در سال ۱۹۸۱، و در ۴۳ سروی در سال‌های ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱ تعداد قابل ملاحظه‌ی زنان با توجه به دوازده مورد بررسی شده به این نظر بودند که رفتار غیر قانونی یا غیر صادقانه اصلاً قابل توجیه نیست. در مورد دومی، با استفاده از اطلاعات بانک جهانی که فساد را در گرجستان مورد بررسی قرار داده است، و شامل سروی ۳۵۰ شرکت می‌شود، آنها دریافتند که شرکت‌های که مالک آنها زنان بودند و از سوی زنان رهبری می‌شدند، بطور اوسط ۴٫۶٪ در تعامل با نمایندگی‌های دولتی رشوه می‌پرداخته‌اند، ولی همین رقم برای مردان ۱۲٫۵٪ است.⁶¹

در پایان، سوامی و هم‌کارانش در مطالعه‌ی خود اطلاعات در سطح کلان میان جندر و فساد را با استفاده از شاخص فساد بررسی و تحلیل کرده و بازهم از نسبت مشارکت زنان در پارلمان استفاده کرده است ولی در کنار آن سایر سمت‌های سیاسی مثل وزارت و رتبه‌های عالی دولتی و سهم‌گیری زنان در نیروی کار به عنوان شاخص مختلط برای مشارکت زنان استفاده کرده‌اند. مهم‌تر از همه، این

تحقیق در مورد رابطه‌ی جندر و فساد یک فرضیه‌ی دو وجهی را مطرح می‌کند: (۱) فساد در بخش قانون‌گذاری بخش مهمی از فساد در دولت است و در

صورتی که زنان رشوه کمتر بگیرند، میزان فساد در قوه‌ی مقننه که در آن تعداد زنان بیشتر باشد، کمتر خواهد بود؛ (۲) اعضای پارلمان می‌توانند در روند بوروکراسی فساد در قوه‌ی قضائیه از مجرای تصویب قوانین برای مهار فساد و نفوذشان در انتصاب مقامات قوه‌ی قضائیه و یا هم با قرار دادن فساد در آجندای عمومی، نقش ایفا کنند. با بررسی درآمد سرانه، اوسط سال‌های تعلیم و تحصیل برای جوانان، مذهب، تاریخ استعمار، چند دسته‌گی قومی، و نهادهای دموکراتیک با استفاده از شاخص‌های آزادی‌های سیاسی نهاد Freedom House، این تحقیق دریافته است که میزان نقش زنان می‌تواند به خوبی میزان فساد دولت را نشان بدهد. در ضمن، این تحقیق روشن کرده است که تأثیر حضور زنان در کشورهایی که فاصله‌ی جنسیتی بیشتر است، چشم‌گیر تر است.⁶²

تحقیق آزمایشی

به تعقیب این تحقیقات، تحقیقات آزمایشی در مورد جندر و فساد نیز در حجم قابل ملاحظه وجود دارد. الاتاس و هم‌کارانش یک مطالعه‌ی آزمایشی را اجرا کردند تا تأثیر جندر را در پذیرش فساد روشن کنند و دریابند که این موضوع از یک کشور تا کشور دیگر متفاوت است یا خیر؛ مطالعات موردی درین بخش در کشورهای استرالیا، هند، اندونیزیا و سنگاپور انجام شده است. آنها به تفاوت‌های جنسیتی در استرالیا پی بردند و دریافتند که رفتار مردها در تمام کشورها یکسان است ولی رفتار زنان متفاوت.⁶³ یک تحقیق مشابه از سوی الاتاس و هم‌کارانش در سال ۲۰۰۹، باز هم در همان کشورها، نتیجه‌گیری کرده است که تفاوت‌های جنسیتی آن گونه که فرض می‌شود در همه جا یکسان نیست و بازهم شرایط فرهنگی را درین تفاوت دخیل می‌دانسته است. آنها در یافته‌اند که زنان در استرالیا در مقابل فساد حساس‌تر اند در حالی که در هندوستان، اندونیزیا و سنگاپور تفاوت جنسیتی درین زمینه وجود ندارد. آنها این تفاوت را به نقش‌های متفاوت زنان مطابق فرهنگ ای جوامع نسبت می‌دهند و تأکید می‌کنند که در جوامعی که مردسالاری نسبتاً پررنگ تر است و زنان نقش کم‌رنگ‌تر در فضای عمومی دارند، دیدگاه‌های زنان بصورت قابل ملاحظه

⁵⁹ دیوید دالر، ریموند فیس‌من، و رابرتا گاتی، «آیا زنان واقعا «جنس مناسب تر» هستند؟ فساد و زنان در دولت»، گروه تحقیقاتی توسعه بانک جهانی، گزارش تحقیقاتی پالیسی در مورد جندر و توسعه، سلسه گزارش‌های کاری، ۴، نومبر الی ماه اکتوبر ۱۹۹۹.

⁶⁰ انا سوامی، استفن ناک، یانگ لی، و عمر ازفر، «جندر و فساد»، مرکز اقتصاد توسعه، ویلیامز کالج، سلسه گزارش‌های کاری CDE، آگست ۲۰۰۰.

⁶¹ همان.

⁶² همان.

⁶³ وی‌وی الاتاس، لیزا کامرون، انانیش چودری، نسوان ایرکل، و لتا گنگاداران، «جندر و فساد: درس‌هایی از یک تحلیل آزمایشی»، دانشگاه ملیبورن، ۲۰۰۵.

تحت تأثیر دیدگاه‌های مردان قرار می‌گیرند. علاوه بر آن، آنها باز هم تأکید دارند که در چنین جوامع، می‌توان پیش‌بینی کرد که در واکنش علیه فساد تفاوت مبنی بر جنسیت وجود ندارد ولی در جوامعی که زنان می‌توانند آزادانه دیدگاه‌های خود را مطرح کنند، این تفاوت دیده می‌شود به همین دلیل این مسئله را به لیبرال دموکراسی و نهادهای اجتماعی پیوند می‌دهند.^{۶۴}

لمبزدورف و فرانک در یک آزمایش روی دانشجویان در آلمان، سناریویی را خلق کرده اند که در آن یک تجارت پیشه هیچ گزینه‌ی دیگری ندارد بجز این‌که به یک مأمور دولت رشوه بپردازد؛ درین سناریو برای تاجر و مأمور دولت چندین گزینه وجود دارد. این آزمایش نشان می‌دهد که مردان مایل بودند با مأمور وارد معامله‌ی مقابل شوند، به مأمور رشوه بپردازند و بیشتر از آن تمایل داشتند بصورت منفی با مأمور معامله‌ی متقابل کنند و در صورتی که مأمور با رشوه کارشان را انجام ندهد، او را افشا کنند. این یافته‌ها با این یافته‌ی تحقیقات قبلی که حس معامله‌ی متقابل میان مردان بیشتر است و حس نگرانی میان زنان، همخوانی داشت. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که زنان در معامله‌ی متقابل مرتبط با فساد کمتر قابل اعتماد اند. از سوی دیگر، این محققین به تحقیقات دیگر نیز ارجاع داده اند که زنان با افراد نزدیک و دوستان تمایل به معامله متقابل دارند.^{۶۵}

در آخرین مطالعه‌ی آزمایشی که برای انجام این تحقیق مرور شد، دی جواد و فهر آزمایشی را طرح کرده بودند که در آن اشتراک‌کننده‌ها در آمد خود را می‌بخشیدند و در بدل آن درآمد اضافی را با گزینه‌ی مبلغ بیشتر به عنوان رشوه دریافت می‌کردند ولی با خطری توأم بود. مثل سایر مطالعات آزمایشی، این مطالعه نیز دریافته است که زنان خطرگریزتر از مردان هستند. به هر صورت، اطلاعات بدست آمده نشان می‌دهد که زنان با وجودی که خطرگریزی بیشتر نشان می‌دهند، در شرایط مشابه به اندازه‌ی مردان معروض به فساد و اقدامات غیر قانونی اند.^{۶۶}

مشابه به یافته‌های پیشین، در مطالعه‌ی جدیدی که از سوی فرانک، لمبزدورف و بوهم روی مطالعات شش آزمایش‌گاه انجام شده است، چنین نتیجه‌گیری می‌شود که اگر زنان در معامله‌ی احتمالاً آلوده به فساد دخیل باشند، احتمال قوی وجود دارند که موفق نشوند. مطابق مشاهدات آن‌ها، این عدم موفقیت به این دلیل نیست که زنان طبیعتاً صادق‌تر اند، بلکه

آن‌ها بیشتر از مردان فرصت‌طلب اند و در صورتی که چانسی میسر شود که قرارداد آلوده به فساد را به هم بزنند، این کار را می‌کنند و کمتر دنبال تلافی می‌گردند. مهم تر از همه، مطالعات آن‌ها نشان می‌دهد که زنان نسبت به خطر تفتیش واکنش شدیدتر نشان می‌دهند و تمایل کمتر دارند تا به مجرمین آغشته به فساد اعتماد کنند.^{۶۷}

۱.۳.۱ یافته‌هایی در مورد باورها در مورد فساد معروض بودن به فساد

درین تحقیق، در هیچ موردی مرتبط به باورهای در مورد معروض بودن به فساد میان نمایندگان مرد و زن تفاوتی بدست نیامد. ۵۱٪ پاسخ‌دهنده‌ها موافق بودند (یا شدیداً موافق بودند) که بسیاری از وکلای مرد فاسد اند در حالی که ۴۹٪ باقی مانده همین نظر را در مورد وکلای زن داشتند.

باورها در مورد فساد

تنها ۶٪ از پاسخ‌دهنده‌گان توافق داشتند (یا شدیداً توافق نظر داشتند) که رشوه‌ی کم به اندازه‌ی رشوه زیاد بد نیست ولی ۵۹٪ پاسخ‌دهنده‌گان با این حرف مخالف بودند. بصورت مشابه، تنها ۲۵ اشتراک‌کننده‌ها تا حدودی موافق بودند که در بعضی شرایط، گاهی رشوه گرفتن بد نیست ولی ۶۹٪ اشتراک‌کننده‌ها با این حرف کاملاً مخالف بودند.

به هر حال، ۶۰٪ از پاسخ‌دهنده‌گان با این جمله که ممکن است بدون فساد در کار دولتی یا سیاست در افغانستان موفق بود، تا حدودی یا هم شدیداً مخالف بودند. علاوه بر آن، ۷۵٪ پاسخ‌دهنده‌گان تا حدودی یا کاملاً موافق بودند که استفاده از موقعیت برای انجام دادن کارهای دیگران برای یک وکیل امر عادی است. تنها ۴٪ پاسخ‌دهنده‌گان با این حرف مخالف نشان دادند. هیچ یک از ذهنیت‌ها در مورد فساد اداری به جنسیت، سن، درآمد ماهوار، سطح تحصیل، مدت وکالت در پارلمان، یا مدت درگیری فرد در سیاست رابطه‌ی چندانی نداشت.

معروض بودن به فساد اداری

نماینده‌ها اعتراف کردند که خیلی زیاد در معرض فساد قرار می‌گیرند. ۹۵٪ پاسخ‌دهنده‌گان موافقت داشتند که مردم به آن‌ها مراجعه می‌کنند و از

^{۶۴} بهنود، م. جواد و رینی فهر، «تأثیر ذهنیت فساد و رفتاری فاسد بر فساد اداری: شواهدی از تجربه‌ی فساد پیتی، IZA، گزارش شماره ۷۳۸۳، ماه می ۲۰۱۳.

^{۶۷} بی جورن فرانک، گرف لمبزدورف، و فریدریک بوهم، «جندر و فساد: درس‌هایی از تجربه‌های آزمایشگاهی در مورد فساد»، مجله‌ی اروپایی توسعه و تحقیق ۲۳، ۲۰۱۱: ۵۹-۷۱.

^{۶۴} وی وی الاتاس، لیزا کامرون، انانیش چودری، نسوان ایرکل، و لتا گنگاداران، «جندر، فرهنگ و فساد: درس‌هایی از یک تحلیل آزمایشی»، مجله Southern Economic، ۷۵، شماره ۳، ۲۰۰۹: ۶۶۳-۶۸۰.

^{۶۵} جان گرف لمبزدورف و بی جورن فرانک، «معامله‌ی آلوده به فساد—شواهد تجربی در مورد بازی‌های مردان»، مجله‌ی International Review of Law and Economics، ۲۰۱۱.

آن‌ها می‌خواهند کارهای شان را انجام دهند. ۸۸٪ نیز موافق بودند که مردم در ازای کاری که برای‌شان انجام می‌دهند، برای خودشان یا خانواده‌ی شان کاری انجام می‌دهند؛ هیچ وکیلی با این امر مخالفت نداشت. تنها ۱۱٪ پاسخ‌دهنده‌گان اعتراف کردند که مردم به آن‌ها پیش‌نهاد رشوه یا شیرینی در بدل انجام کاری می‌کنند؛ این فیصدی نشان می‌دهد که وکلا رشوه‌ستانی را نادرست می‌دانند. از سوی دیگر، ۴۷٪ پاسخ‌دهنده‌گان این موضوع را که مردم به آن‌ها پیشنهاد رشوه می‌کنند را شدیداً رد کردند.

موافقت با این که مردم با مراجعه به وکلا برای انجام کاری به آن‌ها پیش‌نهاد رشوه می‌کنند، با سن وکلا رابطه‌ی مستقیم داشت و وکلای مسن بیشتر درین رابطه موافقت نشان دادند.^{۶۸} موافقت با این که مردم اغلباً در ازای انجام کاری برای آن‌ها یا اعضای خانواده‌ی شان کاری انجام می‌دهند، به سطح تحصیلی وکیل رابطه‌ی معکوس داشت یعنی وکلای که سطح تحصیلی پایین‌تر داشتند بیشتر با این موضوع موافقت نشان دادند.^{۶۹} موافقت با این که مردم با مراجعه به آن‌ها برای انجام کاری به آن‌ها پیش‌نهاد رشوه می‌کنند با سن^{۷۰} و سطح درآمد ماهوار^{۷۱} وکیل ارتباط داشت یعنی وکلای مسن‌تر و وکلای که درآمد ماهوار پایین‌تر داشتند، بیشتر با این مسئله موافقت نشان دادند.

تدین^{۷۲}

متدین بودن با برخی موارد مرتبط با فساد رابطه داشت. اشتراک‌کننده‌هایی که خود متدین‌تر معرفی کردند، با این موضوع نیز موافقت بیشتر نشان دادند که در شرایط معین رشوه‌ستانی کار مناسب و درست است،^{۷۳} و همین دسته هم‌چنان موافقت داشتند که مردم حین رجوع به آن‌ها برای انجام کاری به آن‌ها پیش‌نهاد رشوه می‌کنند.^{۷۴} علاوه بر آن، کسانی که خود را متدین‌تر معرفی کرده بودند، به این نظر بودند که ممکن است بدون فساد در کار دولتی یا سیاست در افغانستان موفق بود.^{۷۵}

ذهنیت نوگرا/سنتی

برخی از پرسش‌ها برای این مطرح شده بود تا میزان سنتی بودن یا نوگرا بودن ذهنیت و ارزش‌های وکلا را بسنجد. در هیچ یک ازین موارد تفاوتی میان مردان و زنان دیده نمی‌شد. ۹۰٪ پاسخ‌دهنده‌ها از قانون محو خشونت

علیه زنان تا حدودی یا شدیداً حمایت کردند. از جانب دیگر، ۵۹٪ به این عقیده بودند که خانه‌های امن راه حل مناسبی برای خشونت‌های خانوادگی نیست. ۸۳٪ پاسخ‌دهنده‌ها به این باور بودند که اصول حقوق بشر با ارزش‌های افغانی منافات ندارد در حالی که تنها ۱۲٪ باور داشتند که حقوق بشر ارزش غربی است. ۷۰٪ به این عقیده بودند که ارزش‌های متفاوت در جامعه امر عادی و درست است. از سوی دیگر، ۷۷٪ تا حدودی یا شدیداً به این باور بودند که همه باید از «ارزش‌های افغانی» بطور یکسان پیروی کنند. جالب است که در رابطه به این موضوع که نظام سهمیه‌بندی برای زنان در پارلمان یک امر مثبت است، هیچ تفاوتی میان زنان و مردان دیده نمی‌شد.^{۷۶} ۸۲٪ پاسخ‌دهنده‌گان با سهمیه تا حدودی یا کاملاً موافقت داشتند در حالی که تنها ۸٪ با آن تا حدودی یا شدیداً مخالف بودند.

میان موارد یاد شده و متغیرهای مربوط به ذهنیت‌ها در مورد فساد و معروض بودن به فساد رابطه‌هایی وجود داشت. مورد حقوق بشر و ارزش‌های افغانی با این باور که استفاده از موقعیت برای انجام کاری برای مردم برای وکلا کار مناسب است، رابطه‌ی معکوس داشت؛ یعنی کسانی که معتقد بودند حقوق بشر با ارزش‌های افغانی منافات ندارد در عین حال باور داشتند که سوء استفاده از موقعیت کار درستی نیست.^{۷۷} این ذهنیت که حقوق بشر ارزش غربی است با این موضوع که ممکن است در کار دولتی یا سیاست در افغانستان بدون دست زدن به فساد موفق بود، رابطه‌ی معکوس داشت؛ یعنی آن‌هایی که معتقد بودند حقوق بشر ارزش غربی است، باور داشتند که بدون فساد موفقیت ناممکن است.^{۷۸} علاوه بر آن، این ذهنیت که همه باید از ارزش‌های یکسان افغانی پیروی کنند با یک تعداد از متغیرها رابطه داشت. کسانی که معتقد بودند همه از ارزش‌های یکسان پیروی کنند هم‌چنان باور داشتند که استفاده از موقعیت برای انجام کاری برای مردم کار درست است^{۷۹} و در عین حال اعتراف کردند که مردم نیز در ازای کاری برای آن‌ها یا اعضای خانواده‌ی آن‌ها کاری انجام می‌دهند.^{۸۰} درین موارد، با وجودیکه باورهای سنتی و نوگرا ظاهراً تأثیر چندانی روی فساد یا ذهنیت در مورد فساد ندارد، این موضوع روشن است که در مواردی که رابطه میان این باورهای و فساد وجود دارد، عقاید سنتی با میزان بیشتر فساد رابطه‌ی مستقیم دارد.

⁷⁴ rs(102)=.321, p<.001

⁷⁵ rs(97)=-.210, p<.05

⁷⁶ t(45)=.508, p>.05

⁷⁷ rs(97)=-.256, p<.05

⁷⁸ rs(93)=-.258, p<.05

⁷⁹ rs(94)=.281, p<.01

⁸⁰ rs(93)=.249, p<.05

⁶⁸ rs(97)=.206, p<.05

⁶⁹ rs(97)=.214, p<.05

⁷⁰ rs(95)=.264, p<.05

⁷¹ rs(82)=.261, p<.05

⁷² 5-item scale (A1-A5), N=93, Cronbach's alpha=.701

⁷³ rs(102)=.501, p<.001

2.3 تفاوت‌های رفتاری و ویژگی‌های

شخصیتی

افراد به نظام قضایی و تقنینی، تحقیق آن‌ها تفاوت‌های جنستی زیادی را کشف کرده است؛ مطابق این یافته‌ها، زنان نسبت به مردان بیشتر مایل اند تابع باشند احتمال کم‌تر وجود دارد که زنان تقلب در مالیه را توجیه‌پذیر بدانند. آن‌ها هم‌چنان دریافته‌اند که گذر زمان هیچ تأثیری درین تفاوت‌های جنستی ندارد و این یافته، با نظریه‌ی نقش‌گرا که بر اساس آن افزایش برابری جنستی به مرور زمان منجر به کاهش تفاوت‌های جنستی می‌شود، منافات دارد. یافته‌های مرتبط با تأثیر گروه و تأثیر سن روی تفاوت‌های جنستی، این ادعا را قوی‌تر می‌کند.^{۸۷}

تفاوت‌های رفتار جنستی مبتنی بر شرایط

تحقیقات دیگر نشان می‌دهد که تفاوت جنستی در فساد به زمینه و هزینه وابسته است. اندریونی و ویسترلوند این تفاوت‌ها را در «نیاز برای نوع‌دوستی» در بازی دیکتاتور مورد مطالعه قرار داده و دریافته‌اند که وقتی هزینه‌ی نوع دوستی بالا باشد، زنان سخاوتمند تر عمل می‌کنند در حالی که وقتی هزینه‌ی نوع دوستی پایین باشد، مردان نوع دوست تر از آب در می‌آیند. این مطالعه نشان می‌دهد که رفتارهای نوع‌دوستانه به هزینه‌ی که فرد می‌پردازد بستگی دارد و درین معادله مردان هزینه‌محور اند و زنان نوع دوست. در یک تحقیق دیگر، سانگ و هم‌کارانش تفاوت‌های جنستی را در رفتارهای دیگرخواهانه که در آن فاعل در برابر یک گروه مسؤول است، مورد مطالعه قرار داده‌اند. آن‌ها دریافته‌اند که میزان دگرخواهی مردان وقتی به نمایندگی از یک گروه عمل می‌کنند نسبت به زمانی که به عنوان یک فرد عمل می‌کنند، پایین است ولی زنان چنین تفاوت رفتاری را بروز ندهدند.^{۸۸}

وانگ‌نیرو «دیدگاه عقل‌گرایانه» را مطرح می‌کند که بر اساس آن، بر اساس آزمایش محلی در مکزیکو، در محاسبه‌ی سود و زیان، زنان بیشتر از مردان از فساد دوری می‌کنند.^{۸۹} بر خلاف تحقیقات میدانی دیگر، وانگ‌نیرو یک الگوی مختلط را پیش‌نهاد می‌کند؛ مطابق این الگو، باید مشخص شود که در چه زمانی و تحت چه شرایطی جنسیت به عنوان یک

درین سروی، ۳۵ پرسش چند گزینه‌ای برای سنجش هفت ویژگی شخصیتی مطرح شده بود: شتاب‌زدگی، اعتماد به نفس، خطرگریزی، خودخواهی، تربیت فرزند، مادی‌گرایی، و صداقت؛ در کنار این‌ها یک بخش دیگر برای سنجش تمایل سلطه‌ی اجتماعی نیز وجود داشت. درین بخش تحقیقات و فرضیات قبلی و یافته‌های تحقیق فعلی را به بررسی می‌گیریم تا دریابیم که این ویژگی‌ها با معروض بودن به فساد و ذهنیت در مورد فساد رابطه دارند یا خیر؛ هم‌چنان بررسی می‌کنیم که تفاوت جنستی در این رابطه نقش دارد یا خیر.

2.3.a تحقیقات قبلی

در تحقیق قبلی در رابطه به جندر و فساد در دولت، دالر، فیس‌من و گاتی مطالعات متعدد رفتاری را مورد بررسی قرار داده‌اند که شواهدی را مبنی بر این که زنان نسبت به مردان قابل اعتمادتر و اجتماعی‌تر هستند، ارائه می‌کند.^{۸۱} این تحقیق دریافته‌است که زنان بیشتر از مردان حس هم‌کاری دارند؛^{۸۲} بر اساس مسایل اجتماعی رأی می‌دهند؛^{۸۳} در آزمون‌های جدیت و امانت‌داری نمرات بالاتری می‌گیرند؛^{۸۴} در مورد رفتارهای اخلاقی موضع جدی‌تری می‌گیرند؛^{۸۵} و در تصمیم اقتصادی گشاده‌دستی و سخاوتمندتر نشان می‌دهند.^{۸۶}

تورگلر و والوف موضوع تابع بودن بیشتر زنان نسبت به مردان و موجودیت تفاوت‌های رفتاری در جریان زمان به دلیل تأثیرات گروهی-مثلاً تفاوت رفتاری در میان گروه‌های سنی مشابه در دوره‌های زمانی متفاوت-یا هم تأثیر سنی در تفاوت‌های رفتاری زنان و مردان را مورد مطالعه قرار دادند. با استفاده از اطلاعات سروی ارزش‌های جهانی و سروی ارزش‌های اروپایی از سال‌های ۱۹۸۱ الی ۱۹۹۹ و با به در نظر داشت متغیرهای مثل تعلیم و تحصیل، حالت مدنی، وضعیت اقتصادی، وضعیت شغلی، و اعتماد

81 دیوید دالر، ریموند فیس‌من، و رابرتا گاتی، «آیا زنان واقعا «جنس مناسب تر» هستند؟» ماه اکتوبر ۱۹۹۹.

82 ای. اچ. ایگلی و ام. کرولی، «جندر و حس هم‌کاری: مرور تحلیلی ادبیات روان‌شناسی»، مجله‌ی روانشناسی ۱۰۰، ۱۹۸۶: ۳۰۸-۳۳۸.

83 تی. جی. گورتز، «فاصله‌ی جنسیتی: جنسیت، درآمد خانوادگی، و دیدگاه‌های سیاسی در دهه ۱۹۸۰»، مجله‌ی جامعه‌شناسی سیاسی و نظامی ۱۱، ۱۹۸۳: ۳۰۸-۳۳۸.

84 دینیس اس. اونز و چاکلینگ ویس‌ویس‌واران، «جندر، سن و تفاوت‌های نژادی در امتحان‌های عمومی: نتایج اطلاعات از چهار بن‌گاه اطلاعاتی گسترده»، مجله‌ی روانشناسی کاربردی ۸۳، شماره ۱، ۱۹۹۸: ۳۵-۴۲.

85 سندرا اچ. گلوور، مینیت ای. بمپوس، جان ای. لوگن، و جیمز آر. سیسلا، «بررسی مجدد تأثیر ارزش‌های فردی بر تصمیم‌گیری اخلاقی»، مجله‌ی اخلاق تجارت ۱۶، شماره ۱۳/۱۲، ۱۹۹۷: ۱۳۲۹-۱۳۱۹.

86 کترین سی. ایکل و فیلیپ جی. گراس‌من، «آیا زنان کمتر از مردان خودخواه‌اند؟: شواهدی از تجربه‌ی دیکتاتور»، مجله‌ی اقتصاد ۱۰۸، ۱۹۹۸: ۷۲۶-۷۳۵.

87 بینو تورگلر و نیوین تی. والوف، «فعالیت‌های غیرقانونی زنان: تفاوت‌های جنسیتی و تمایل زنان به تابعیت در مرور زمان»، مرکز تحقیقات اقتصادی، مدیریتی و هنرها، گزارش کاری، شماره ۲۰۰۶-۱۵، ۲۰۰۶.

88 همان.

89 لینا وان گرینود، «تفاوت فساد میان ایالات مختلف مکزیکو: مطالعه‌ی دیدگاه جنسیتی»، انستیتوت کیفیت حکومت‌داری، دانشگاه گوتنبرگ، ۹ فبروری ۲۰۱۱،

http://www.ipd.gu.se/infoglueCalendar/digitalAssets/17/72626008_BifogadFil_Wangnerud-underlag.pdf.

تحقیق می‌کوشد تفاوت‌ها میان مردان و زنان را درین ویژگی‌های شخصیتی مطالعه کند.

2.3.2 جندر و خطرگریزی

تحقیقات انجام شده

بخش دیگر تفاوت‌های جنسیتی میان مردان و زنان که به فساد اداری ارتباط دارد، خطرگریزی است و خطرگریزی یعنی رجحان نتیجه‌ی اطمینانی بر قمار که قیمت بالاتر یا برابر با آن داشته باشد.^{۹۲} کروسن و گینیزی یک سری مطالعات آزمایشی از حوزه‌ی اقتصاد را در رابطه به تفاوت‌های جنسیتی در خطرگریزی مورد بررسی و مطالعه قرار داده اند. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که مردان بصورت قابل ملاحظه بیشتر از زندان خطرپذیر اند و زنان، در اکثر محیط‌ها و وظایف کمتر خطر می‌کنند. باید در نظر داشته باشیم که این یافته‌ها ظرافت‌هایی هم دارند چنان‌که در یکی از گزارش‌ها آمده است که تفاوت‌های جنسیتی میان سفید پوستان به چشم می‌خورد ولی میان گروه‌های قومی دیگر به چشم نمی‌خورد و این نشان می‌دهد که تبعیض‌های فرهنگی نیز می‌توانند در تفاوت‌های جنسیتی خطرپذیری اثرگذار باشند.

در یک تحقیق دیگر نشان داده می‌شود که در یک حالت مردان نسبت به زنان خطرگریزتر اند؛ آن هم در لاتری است که در آن برد کمتر و باخت بیشتر است. از میان سایر توضیحات در مورد این یافته‌ها، توضیح کروسن و گینیزی این است که واکنش‌های جنسیتی به وضعیت‌های خطر، اعتماد به نفس بالای مردان که پیروز می‌شوند و تفسیر مردان از خطر به عنوان چالش و تفسیر زنان از خطر به عنوان تهدید درین نتیجه اثرگذار است.^{۹۳} علاوه بر این‌ها، ایکل و گراس من شواهدی را از خیر اجتماعی، اولتیماتوم و تجربه‌ی دیکتاتور مورد مطالعه قرار داده دریافته اند که وقتی فاعل معروض به خطر است، شواهد منطقی و قابل قبول برای تفاوت‌های رفتاری مبتنی بر جنسیت وجود ندارد ولی در غیاب عنصر خطر، زنان کمتر فردگرا و بیشتر اجتماعی هستند.^{۹۴} به هر حال، این تحقیق محدودیت‌های زیادی داشت؛ من جمله عدم تبعیضات فرهنگی احتمالی که نتایج آن برای سفیدپوست‌ها درست ولی برای سایر اقوام و نژادها قابل تطبیق نیست. از آنجاییکه این تحقیق به خطرگریزی در میان وکلای پارلمان افغانستان متمرکز است، نویسنده‌ها این فرضیه را مطرح کردند که افرادی که

عامل در رفتار اثرگذار است و کدام نظریه‌ی جندر در آن زمینه‌ی مشخص قابل تطبیق است. مطابق دیدگاه عقل‌گرایانه، این امکان وجود دارد که زنانی که از شبکه‌های مردانه منزوی می‌شوند، فعالانه در پی ایجاد قاعده‌های جای‌گزین قدرت به شکل جنبش‌های اجتماعی باشند و ازین طریق از سوء استفاده و فساد در ادارات دولتی نظارت و دیده‌بانی کنند و بدین سان، دخالت در فساد را از طریق تخریب شانس رأی آوردن آن‌ها در انتخابات‌های بعدی به چالش بکشند. علاوه بر آن، در سطح شهروندی، وانگ‌نیروود به این باور است که لازم این واقعیت را قبول کنیم که زنان دارای کمتر نسبت به مردان دارند به همین دلیل، زنان بصورت منطقی از فساد سر باز می‌زنند تا در مورد مبلغ رشوه با مأمور چانه‌زنی کنند و کمترین مبلغ ممکن را بپردازند. در پایان، وانگ‌نیروود معتقد است که زنان نسبت به مردان انتخاب‌های متفاوتی در رابطه به فساد دارند نه به دلیل این‌که این امر از سرشت آن‌ها ناشی می‌شود بلکه به این دلیل که شرایط آن‌ها به لحاظ اجتماعی و فرهنگی متفاوت است.^{۹۵}

تحقیق از روان‌شناسی

در تعدادی از تحقیقات تلاش شده این موضوع روشن شود که کدام ویژگی‌های شخصیتی باعث رفتار اخلاقی می‌شود و کدام ویژگی‌ها مسبب فساد؛ ولی اکثر این تحقیقات انجام شده در زمینه‌ی فرهنگ‌های غربی شده صورت گرفته و فرهنگ‌ها و زمینه‌های دیگر را به خوبی تشریح نمی‌تواند. الگوی پنج-عاملی ویژگی‌های شخصیتی پنج عامل را زیربنای ویژگی‌های شخصیتی معرفی می‌کند: عصبانیت، جمع‌گرایی، تجربه‌پذیری، ملایمت و خودآگاهی.^{۹۶} عصبانیت یعنی تمایل به بی‌حوصلگی، غم‌گینی، اضطراب و کمبود عزت نفس یا اعتماد به نفس. جمع‌گرایی به معنای تمایل به اجتماعی بودن، مسلط بودن، و فعال بودن است. تجربه‌پذیری یعنی علاقه به یادگیری ایده‌ها و فرهنگ جدید. ملایمت یعنی تمایل به مراقبت، مهربانی و ادب. خودآگاهی یعنی تمایل به رفتار محتاطانه، تلاش معطوف به دست‌آورد، وابسته بودن و منظم بودن. این تحقیق می‌کوشد فساد در افغانستان را از دید روان‌شناسانه و از طریق مطالعه و بررسی ویژگی‌های شخصیتی که نویسندگان این تحقیق فرض کرده اند با فساد رابطه دارد، مورد بررسی و مطالعه قرار می‌دهد: شتاب‌زدگی، اعتماد به نفس، خطرگریزی، مراقبت، خودخواهی، مادی‌گرایی و صداقت. در ضمن، این

⁹⁴ ماریا فیرناندا ریواس، «تجربه‌ی در باب جندر و فساد»، Departamento de Economica, Facultad de Ciencias Sociales, Universidad de la Republica, Documentos de Trabajo, Documento no 08/06, September 2006.

⁹⁰ همان.

⁹¹ کونلی و اونز، «شخصیت و فساد: تحلیل در سطح ملی»، ۲۰۰۸.

⁹² کاهنی من، دی، و تویرسکی، ای. (۱۹۸۴). «گزینه‌ها، ارزش‌ها و چارچوب‌ها»، مجله ی امریکن سایکولوژیست ۳۹: ۳۴۱-۳۵۰.

⁹³ راشل کروسن، و یوری گینیزی، «تفاوت‌های جنسیتی در ترجیحات»، مجله‌ی

Economic Literature، ۴۷، شماره ۲، ۲۰۰۹: ۱-۲۷.

خطرپذیرتر اند، نسبت به آنانی که کمتر خطر پذیرند، کمتر فاسد اند. بر علاوه، این فرضیه نیز مطرح است که زنان نسبت به مردان خطرگریزتر اند.

یافته‌ها

درین تحقیق، برای هیچ کدام از پنج مورد مربوط به خطرگریزی تفاوت‌های جنسیتی بدست نیامد. ۳۵٪ پاسخ‌دهنده‌ها تا حدودی، یا کاملاً موافق بودند که آن‌ها بخاطر این که از قافله عقب نمانند، دست به اقداماتی می‌زنند که خودشان نمی‌خواهند. ۹۱٪ از پاسخ‌دهندگان تا حدودی یا جداً بیان داشتند که احتیاط بسیار مهم است، و ۸۹٪ به این نظر بودند که باید از قانون پیروی کنند زیرا اگر چنین نکنند، افشا می‌شوند و به دردسر می‌افتند. ۴۰٪ از پاسخ‌دهنده‌گان تا حدودی یا کاملاً موافق بودند که آن‌ها بخاطر جلوگیری از تعارض و جنجال، خلاف میل خود اقداماتی را انجام می‌دهند. به هر حال، ۶۸٪ پاسخ‌دهندگان به این عقیده بودند که خطرهای کلان دست‌آوردهای کلان به همراه دارد.

پنج مورد برای سنجش ویژگی خطرگریزی طرح شده بود.^{۹۵} این که رشوه‌ی کوچک به اندازه‌ی رشوه‌ی کلان بد نیست، با اقدام خلاف میل برای جلوگیری از تعارض و جنجال^{۹۶} پیوند داشت و این موضوع نشان می‌دهد که خطرپذیری بیشتر با فساد بیشتر رابطه دارد.

2.3 جندر و شتاب‌زدگی

تحقیقات گذشته

تحقیق گذشته ارتباط میان نوروتیزم را با سطح رهبری پائین اخلاقی و انحراف بلند سطح کاری پیدا نموده است.^{۹۷} بر اساس این یافته‌ها شتاب‌زدگی و اعتماد در تحقیق کنونی گنجانده شده است. تحقیقات گذشته نشان داده است که افراد عصبی تمایل بیشتر به شتاب‌زدگی دارند و آشکار گردیده است که این نوع افراد تمایل کمتر به مسایل اخلاقی در مقایسه با دیگران، دارند.^{۹۷} در تحقیقات گذشته خودآگاهی با رهبری اخلاقی وابستگی داشته است به همین دلیل، شتاب‌زدگی نیز بخشی ازین تحقیق شده است. این بدین معنی است که افرادی که قبل از اجرای یک

عمل بسیار محتاطانه فکر می‌کنند، آنها بیشتر اخلاقی عمل می‌کنند.^{۹۷} همچنان نویسنده گان این تحقیق چنین فرضیه ای را مطرح کرده اند که آن عده افرادی که قبل از اجرای یک عمل فکر نمی‌کنند، احتمال می‌رود که به عمل کردهای فسادآلود بیشتر مبادرت ورزند زیرا آنها زمان کافی برای فکر کردن در مورد پیامدهای عمل شان اختصاص نمی‌دهند.

یافته‌ها

تفاوت جنسیتی در پنج موردی که شتاب‌زدگی را مشخص می‌ساخت، دریافت نگردید. تنها ۹٪ پاسخ‌دهندگان بصورت نسبی و یا بصورت جدی اعتراف نمودند که آنها اول به کارها مبادرت می‌ورزند قبل آنکه فکر کنند، ۷٪ آنها اظهار نظر می‌کنند بدون آنکه فکر کنند، ۴٪ آنها کارهای را انجام می‌دهند قبل از آنکه اول در مورد عواقب آن فکر کنند. تمام (۱۰۰٪) پاسخ‌دهنده گان تا حدی و یا بصورت کلی قبول نمودند که وظایف و فعالیت‌های شان را بصورت دقیق برنامه ریزی می‌نمایند. باآنها، ۴۲٪ پاسخ‌دهنده گان بصورت نسبی و یا کلی موافقت نمودند که آنها تمایل بیشتر به زمان کنونی دارند تا به آینده.

در بررسی پنج موردی که شتاب‌زدگی را محاسبه می‌کرد، هیچ تفاوتی بدست نیامد.^{۹۸} شتاب‌زدگی و عمل بدون فکر و برنامه‌ریزی بصورت مستقیم با مراجعه‌ی دیگران به وکلا و پیش‌نهاد رشوه مرتبط بود؛^{۹۹} همچنان با این ذهنیت که رشوه کوچک به اندازه‌ی رشوه کلان بد نیست^{۱۰۰} و این باور که در شرایط خاصی رشوه‌ستانی کار درستی است، نیز مرتبط بود.^{۱۰۱} به همین ترتیب، اظهار نظر بدون تفکر این که اکثراً دیگران به پاسخ‌دهنده گان پیشنهاد رشوت را نموده و یا اینکه خواستند لطف^{۱۰۲} اینها را جبران نمایند، ارتباط مستقیم داشت؛ همچنان با این ذهنیت نیز مرتبط بود که دریافت رشوت‌های کوچک در مقایسه با رشوت‌های بزرگ کاری بدی نیست.^{۱۰۳} انجام فعالیت‌ها بدون تفکر در مورد عواقب آن همچنان به این ذهنیت ارتباط پیدا می‌نماید که اکثراً در شرایط خاص، دریافت رشوه را یک امر عادی و قابل قبول تلقی می‌کنند.^{۱۰۴} برنامه ریزی فعالیت‌ها بصورت دقیق ارتباط به این دارد که اکثراً دیگران از پاسخ‌دهنده گان خواسته است تا لطف و همکاری نمایند،^{۱۰۵} تا در ازای آن مردم

98 «من بدون فکر عمل می‌کنم»، «من محتاطانه برنامه‌ریزی می‌کنم»، «من بدون فکر سخن می‌گویم»، «من به حال بیشتر از آینده فکر می‌کنم»، و «من بدون فکر در مورد پیامدهای عملم، وارد اقدام می‌شوم».

99 $rs(101)=.374, p<.001$

100 $rs(100)=.311, p<.01$

101 $rs(101)=.293, p<.01$

102 $rs(103)=.276, p<.01$

103 $rs(102)=.266, p<.01$

104 $rs(101)=.268, p<.01$

105 $rs(105)=-.199, p<.05$

95 «کارهای را که نمی‌خواهم انجام می‌دهم تا با دیگر اعضای پارلمان هم‌نوا باشم»، «بسیار مهم است که محتاط باشیم»، «خطرهای کلان دست‌آوردهای کلان در قبال دارد». «من از مسیر منحرف می‌شوم تا از جنجال جلوگیری کنم.» و «بسیار مهم است که از قانون پیروی کنیم در غیر آن صورت افشا می‌شویم و به درد سر می‌افتیم».

96 $rs(101)=.266, p<.01$

97 براتون و استریت‌ماتر، «فساد کنیم یا نکنیم؟ نقش شخصیت در اخلاق تجارتی و علمی»، ۲۰۱۳.

به پاسخ دهنده و یا یکی از اعضای خانواده وی کاری انجام دهند،^{۱۰۶} و نیز این ذهنیت که استفاده از موقف برای یک وکیل امر عادی و معمول است نیز با آن رابطه‌ی مستقیم دارد.^{۱۰۷} این یافت‌ها نشان دهنده آن است که افراد شتابزده بیشتر در معرض فساد اداری قرار می‌گیرند و به فساد مبادرت می‌ورزند.

2.3d جندر و اعتماد به نفس

تحقیقات گذشته

افراد عصبی اعتماد به نفس پایین دارند. ۹۷٪ میزان بالای عصبانیت با ذهنیت کارمند در مورد قلدری در محیط کاری وابسته است و این موضوع که ممکن است افراد از سوی هم‌کاران شان وادار به انجام فساد شوند، نیز رابطه می‌گیرد. نویسنده گان به این باور اند، آنهایی که نمره های پائین را در قسمت اعتماد به نفس از آن خود کرده اند، احتمال آن که مرتکب فساد شوند بالا است. براساس اسناد موجود در شبکه های مبتنی جندر و زمینه‌ی فساد، این فرضیه بیشتر تقویه می‌گردد که زنان نسبت به مردان در قسمت اعتماد به نفس، نمره های کمتری بدست خواهند آورد.

یافته ها

بطور اوسط، نمایندگان زن اعتماد به نفس بیشتر را نسبت به مردان تنها در یک مورد نشان داده اند. ۱۰۸٪ ۴۸٪ نمایندگان مرد بصورت نسبی و یا کامل اعتراف نموده که نگران تاثیر گزاری شان بالای دیگران هستند، درحالیکه تنها ۳۱٪ زنان نماینده چنین تصور را داشتند. چهار مورد دیگر نیز اعتماد به نفس را مشخص می ساخت و در هیچ مورد آن تفاوت جنسیتی قابل ملاحظه‌ای بدست نیامد. ۹۳٪ پاسخ دهنده‌گان اظهار داشتند که آنها در وظایف شان موفق هستند، ۹۰٪ آنها ابراز داشتند که آنها عضو مربوطه همان بخش هستند، ۹۵٪ اظهار داشتند که آنها در مورد توانایی‌های شان مطمئن هستند. هرچند، ۸۰٪ آنها اظهار داشتند که آنها در مورد اینکه دیگران نسبت به آنها چه فکر می کنند، نگران هستند.

پنج مورد ویژگی اعتماد به نفس را مشخص می ساخت.^{۱۰۹} باور داشتن به اینکه دریافت رشوت تحت شرایط خاص امر عادی می باشد ارتباط معکوس با این داشت که پاسخ دهنده‌گان چقدر در مورد توانایی های شان

مطمئن بودند، به این مفهوم که اعتماد به نفس کمتر با میزان بالای فساد ارتباط مستقیم دارد.^{۱۱۰} اینکه از نماینده پارلمان برای اجرای لطف و همکاری خواسته شده باشد به این ارتباط پیدا می کند که پاسخ دهنده در وظیفه اش موفق بوده^{۱۱۱} و همچنان پاسخ دهنده به این باور بوده است که او عضو مربوطه همان بخش می باشد؛^{۱۱۲} این موضوع نشان می‌دهد که میزان بلند اعتماد به نفس با میزان بلند فساد ارتباط دارد. اینکه دیگران به پاسخ دهنده و یا یکی از اعضای خانواده او لطف کرده باشد ارتباط به اعتماد به نفس پاسخ دهنده در مورد توانایی هایش دارد^{۱۱۳} و روشن می‌کند که میزان بلند اعتماد به نفس ارتباط به میزان بلند فساد دارد. این ارتباطات نتایج غیرمشخص را بجز از یک مورد ارایه نمود، میزان بلند اعتماد به نفس ارتباط دارد با میزان پائین فساد، درحالیکه ۳ رابطه دیگر بیانگر آن بود که اعتماد به نفس زیاد باعث میزان بلند فساد می گردد.

2.3e جندر، مراقبت و خودخواهی

تحقیق حاضر

تحقیق گذشته در مورد ملایمت همخوانی نداشت و توأم با نتایجی بود که پیشنهاد می نمود که میزان بلند ملایمت رابطه دارد با میزان پائین فساد ولی سایر نتایج نشان می‌دهد که میان ملایمت و فساد رابطه قابل ملاحظه موجود نمی باشد. مواظبت و خودخواهی هر دو با ملایمت رابطه دارد و این دو خصیصه در تحقیق کنونی بکار برده شده است. مواظبت در این تحقیق به مفهوم مراقبت از خانواده و اجرای رفتارهایی سودمند می باشد. خودخواهی به معنی توجه محض به شخص خود می باشد. این دو اصطلاح با هم ارتباط نزدیک دارد، تنها تفاوت در این است که در مورد اول عملکرد شخص در قبال فامیل وی معیار قرار میگیرد، در حالیکه در مورد دوم چگونگی عملکرد و برخورد شخص با دیگران مقایسه می گردد. نویسنده-گان به این فرضیه دست یافته اند که آنهایی که در قسمت مواظبت نمره بلند را از آن خود کرده اند، احتمال می رود که نمره کمتر را در قسمت فساد بدست بیاورند. برعلاوه، زنان نمرات بیشتر را در قسمت مواظبت نسبت به مردان از آن خود خواهند کرد. در رابطه به خودخواهی چنین می توان نتیجه گیری کرد که آن عده کسانی که بیشتر خودخواه می باشند، به احتمال زیاد بیشتر به فساد مبادرت می‌ورزند.

109 «من در وظیفه‌ی خود خوب عمل می‌کنم»، «من در مورد اینکه دیگران در مورد من چه فکر می‌کنند نگرانم»، «حس می‌کنم عضوی محترمی در بخش خود هستم»، «من به توانایی‌های خود باور دارم»، و «من از اینکه چه تصویری از خود به دیگران ارایه می‌کنم، نگرانم».

rs(102)=-.235, p<.05 110

rs(102)=-.282, p<.01 111

rs(103)=-.224, p<.05 112

rs(100)=-.228, p<.05 113

rs(101)=-.240, p<.05 106

rs(102)=-.206, p<.05 107

108 B10 (confidence). On average, women ($M = 4.25$, $SE = .318$) scored higher than men ($M = 3.25$, $SE = .225$) on the item, "I feel concerned about the impression that I make on other people." This difference was significant $t(95) = -2.553$, $p < .05$, $r = .25$.

دهند تا حصه بزرگتر را به دوستان شان تقدیم کنند، و ۹۲٪ آنها اظهار داشتند که آنها از تقسیم آنچه که دارند با دیگران، لذت می برند. هرچند، ۲۰٪ اظهار داشتند که اگر کسی از آنها خواستار کمک گردد، تنها در صورتی کمک می کنند که نفع خود شان نیز در آن متصور باشد، و ۱۹٪ آنها اظهار داشتند که آنها دیگران را وادار می نمایند تا کارها را طبق خواست های ایشان، انجام دهند.

پنج مورد به منظور مشخص ساختن خصیصه خودخواهی مورد استفاده قرار گرفت.^{۱۲۰} باور داشتن به اینکه این یک امر عادی است برای نماینده-گان پارلمان که از موقف شان استفاده کنند بصورت معکوس ارتباط پیدا می کند با این ذهنیت که کمک به دیگران مهمتر از جمع آوری پول و اعتبار^{۱۲۱} می باشد، و این موضوع نشان می دهد که میزان پائین خودخواهی ارتباط دارد با میزان پائین فساد. همین مورد بصورت منفی ارتباط پیدا می کند با این اظهاریه شخص ترجیح می دهد تا حصه بزرگتر غذای مطلوب به دسترس دوستان قرار گیرد^{۱۲۲} که این امر نیز خود روشن می کند که میزان پائین خودخواهی ارتباط دارد با میزان پائین فساد. اینکه از پاسخ دهنده خواسته می شود تا برای دیگران لطف نماید، بصورت معکوس ارتباط پیدا میکند به این امر که حصه بزرگتر غذا در اختیار دوستان قرار گیرد^{۱۲۳} که باز هم این مساله را بیان می دارد که میزان پائین خودخواهی ارتباط دارد با میزان پائین فساد. درخواست کمک از پاسخ دهنده گان بصورت معکوس نیز به این مساله ارتباط پیدا می کند که پاسخ دهنده گان از تقسیم آنچه که دارند با دیگران، لذت می برند^{۱۲۴} که خود ارتباط مستقیم را میان بخل و فساد آشکار می سازد. تقدیم رشوت ویا جبران برای لطفی که از جانب پاسخ دهنده صورت گرفته است به تحت فشار قراردادن و یا وادار ساختن دیگران به کاری که طبق میل آنها باشد،^{۱۲۵} ارتباط پیدا می کند و پیشنهاد می دارد که میزان بلند خودخواهی باعث میزان بلند فساد می گردد.

2.3 f2 جندر، ماده گرایی و صداقت

تحقیقات گذشته

تفاوت قابل ملاحظه ای جنسیتی در پنج موردی که مواظبت را مشخص می ساخت، آشکار نگردید. ۷۷٪ پاسخ دهنده گان تا حدی و یا بصورت کامل قبول نمودند که آنها نیازمندی های خانواده شان را در اولویت قرار می دهند، ۷۳٪ آنها اظهار داشتند که آنها فرصت دارند تا با اعضای خانواده خود وقت شان را سپری نمایند. ۴۸٪ آنها بصورت نسبی و یا کامل قبول نمودند که اعضای خانواده آنها در جریان فعالیت های روزمره شان در ذهن شان هستند، و ۶۹٪ آنها اظهار داشتند که آنها اقدام به کارهای می کنند که برای فامیل شان درست و موجه باشد حتی اگر برای خود شان نیز توجیه پذیر نباشد. باآنها، ۱۸٪ آنها اظهار داشتند که اعضای خانواده های شان در بیان مشکلات شخصی شان با آنها، احساس راحتی نمی کنند.

پنج مورد به منظور تعیین مواظبت، مورد استفاده قرار گرفت.^{۱۱۴} این که اعضای خانواده ها در بیان مشکلات شخصی شان احساس آرامش نمی کنند تا با ایشان صحبت کنند رابطه معکوس با این ذهنیت دارد که دریافت رشوت های کوچک مانند دریافت رشوت های بزرگ^{۱۱۵} بد تلقی نمی گردد و این ذهنیت که در شرایط خاص مشکلی نیست که رشوت دریافت کرد^{۱۱۶}، نشان می دهد که میزان بلند مواظبت وابسته به میزان پائین فساد می باشد. سپری نمودن وقت با اعضای خانواده ارتباط پیدا می کند به این امر که دیگران اکثراً برای ایشان و یا اعضای خانواده شان،^{۱۱۷} لطف و همکاری می نمایند و دیگر اینکه مردم برای دریافت لطف و همکاری به آنها مراجعه می نمایند^{۱۱۸} و این باور که برای یک نماینده پارلمان امر عادی است که با استفاده از موقف خود برای دیگران لطف و همکاری نماید.^{۱۱۹}

تفاوت قابل ملاحظه ای جنسیتی در پنج موردی که خودخواهی را مشخص می ساخت، بدست نیامد. ۹۶٪ پاسخ دهنده گان بصورت نسبی و یا کلی اظهار داشتند که کمک نمودن به دیگران در مقایسه با دریافت پول و اعتبار بهتر می باشد، ۸۹٪ آنها ابراز داشتند که اگر آنها در شرایطی قرار بگیرند که غذای مطلوب شان را به دو حصه تقسیم کنند، آنها ترجیح می

114 «من نیازهای خانواده ی خود را به نیازهای خودم ترجیح می دهم»، «اعضای خانواده ی من راحت نیستند که در مورد مشکلات شخصی خود با من حرف بزنند»، «من برای خانواده ام وقت دارم»، «وقتی کارهای روزمره خود را انجام می دهم، خانواده ام در ذهنم است»، و «من چیزی را که به نفع خانواده ام باشد انجام می دهم حتا اگر با آن راحت نباشم».

rs(99)=-.298, p<.01 115

rs(100)=-.254, p<.01 116

rs(100)=-.304, p<.01 117

rs(104)=-.198, p<.05 118

rs(102)=-.220, p<.05 119

120 «در وظیفه برایم مهم است که به مردم خدمت کنم نه این که درآمد یا منزلت بهتر به دست بیاورم»، «اگر من باید غذای خود را با دوستانم نصف کنم، نصف بزرگتر را به آنها می دهم»، «اگر کسی از من درخواست کمک کند، تنها در صورتی که برای من سودی داشته باشد آنرا انجام خواهم داد»، و «اگر نیاز باشد من به دیگران فشار وارد می کنم تا مطابق میل من رفتار کنند».

rs(102)=-.210, p<.05 121

rs(98)=-.265, p<.01 122

rs(99)=-.271, p<.01 123

rs(104)=-.236, p<.05 124

rs(103)=-.201, p<.042 125

با وجودی که ماده‌گرایی به پنج مورد اصلی مورد نظر ما ارتباط ندارد، بازهم یکی از ساحات مورد علاقه این تحقیق می باشد زیرا به باور نویسنده‌گان، افرادی که نمرات بیشتر را در قسمت ماده‌گرایی از آن خود ساخته اند بیشتر تمایل به فساد دارند تا آنهایی که ماده‌گرا نیستند. صداقت نیز جزء پنج مورد محوری نمی‌شود ولی همچنان یکی از فکتورها می باشد و فرض براین است، آنهایی که صادق نیستند بیشتر تمایل به فساد دارند تا آنهایی که صداقت پیشه هستند.

یافته ها

بطور اوسط، مردان وقتی که اشیای گران قیمت را می خردند بیشتر احساس آرامش می کنند زیرا آنها فکر می کنند که با این کار شان خوب معلوم می شوند.^{۱۲۶} درحالی‌که ۲۷٪ نماینده‌گان پارلمان از قشر ذکور بصورت نسبی و یا کامل قبول نمودند که خریدن اشیای گران قیمت آنها را خوب نشان می دهد، تنها ۶٪ زنان نماینده چنین باوری را داشتند. ۷۷٪ پاسخ دهنده‌گان اظهار داشتند که ملکیت های مادی برای شان مهم نیست و نمیتواند که میزان خوشی آنها را افزایش دهند، و تنها ۹٪ آنها اظهار داشتند که بهره‌مند بودن دوستان از امکانات و سهولت های بیشتر که اینها از آن محروم اند، برای شان اذیت کننده است. باآنها، ۷۱٪ از پاسخ دهنده‌گان اظهار کردند کشوری که دارای ملکیت های مادی بیشتری باشد بهتر از کشوری است که چنین سهولت های را ندارد، و ۱۹٪ ایزار داشتند که آنها حاضر اند تا پول بیشتر بپردازند و اشیای دریافت نمایند که دیگران از آن محروم اند.

پنج مورد به منظور تعیین میزان ماده‌گرایی مورد استعمال قرار گرفت.^{۱۲۷} احساس آرامش کردن در هنگام خریداری اشیای گران قیمت رابطه دارد با این امر که اکثراً دیگران پیشنهاد رشوت و جبران کمک را می نمایند،^{۱۲۸} و داشتن این باور که در شرایط خاص دریافت رشوت توجیه پذیر است،^{۱۲۹} این مساله نشان می‌دهد که میزان بلند تمایل به ماده‌گرایی رابطه دارد با میزان بلند فساد. داشتن ملکیت های مادی که روی خوشی آنها تاثیر ندارد

ارتباط معکوس به این امر دارد که دیگران اکثراً برای پاسخ دهنده‌گان ویا اعضای خانواده شان لطف و همکاری می کنند،^{۱۳۰} که این امر پیشنهاد کننده آن است که میزان پائین دارایی های مادی رابطه دارد با میزان پائین فساد. اذیت شدن از دیدن سهولت ها و امکانات دیگران وعدم توان پرداخت چنین سهولت ها ارتباط پیدا می کند به این مساله که دریافت رشوت های کوچک امر بدی نیست^{۱۳۱} و دریافت رشوت در شرایط خاص مشکلی نیست،^{۱۳۲} و این بیانگر آن است که میزان بلند ماده‌گرایی ارتباط دارد با میزان بلند فساد.

بطور اوسط، زنان بیشتر از مردان در دو مورد از خود صداقت نشان دادند.^{۱۳۳} ۹۴٪ زنان نماینده بصورت جدی ویا نسبی به این باور بودند که مردم آنها را به دیده زنان قابل اعتماد می بینند، در حالی‌که ۹۰٪ نماینده‌گان از قشر ذکور چنین تصویری را داشتند. ۱۰۰٪ زنان بصورت نسبی و یا کامل به این باور بودند که آنها اشخاص صادق هستند درحالی‌که ۹۷٪ مردان چنین برداشتی از خود شان داشتند. سه مورد دیگر نیز به منظور تعیین صداقت مورد استفاده قرار گرفت که تفاوت جدی در آن میان زنان و مردان به چشم نرسید. تنها ۱۴٪ پاسخ دهنده‌گان موافقت نمودند که آنها وقتی چیزی را که وعده کرده اند و انجام نمی دهند، بهانه می آورند، و تنها ۱۷٪ آنها اظهار داشتند که احساس گناه می کنند وقتی که داستانی را به دیگران می گویند که واقعیت ندارد. ۹۶٪ آنها اظهار داشتند که آنها ترجیح می دهند تا حقیقت را بگویند و دچار مشکل شوند نه اینکه دروغ بگویند و خود را از جنجال خلاص کنند.

پنج مورد به منظور مشخص و تعیین صداقت مورد استعمال قرار گرفت.^{۱۳۵} احساس گناه کردن در هنگام گفتن داستانی که حقیقت ندارد با دریافت رشوت در حالات مشخص^{۱۳۶} و اینکه رشوت های کوچک نسبت به رشوت های بزرگ^{۱۳۷} میتواند قابل قبول باشد ارتباط و اینکه دیگران پیشنهاد رشوت و جبران کمک^{۱۳۸} را می نماید ارتباط معکوس دارد و آشکار کننده این امر می باشد که میزان بلند صداقت ارتباط دارد با میزان بلند فساد. ادعای اینکه پاسخ دهنده یک شخص صادق است رابطه معکوس دارد با

$$rs(101) = .266, p < .01^{132}$$

B32 (honesty). On average, women ($M = 1.53, SE = .142$) scored higher than men ($M = 1.96, SE = .125$) on the item, "People who know me consider me a 'trustworthy' person." This difference was significant $t(99) = 2.053, p < .05, r = .20$.

B35 (honesty). On average, women ($M = 1.18, SE = .081$) scored higher than men ($M = 1.58, SE = .089$) on the item, "I feel that I am an honest person." This difference was significant $t(102) = 2.789, p < .01, r = .27$.

«وقتی به وعده ام عمل نکنیم، آن را توجیه می‌کنم»، «کسانی که مرا می‌شناسند مرا آدم قابل اعتماد می‌دانند»، «من ترجیح می‌دهم راست بگویم و به دردسر بیفتم تا دروغ بگویم و خود را از دردسر خلاص کنم»، «وقتی به کسی داستانی را بگویم که سراسر درست نیست، احساس گناه نمی‌کنم» و «حس می‌کنم آدم صادقی هستم».

$$rs(101) = -.475, p < .001^{136}$$

$$rs(100) = -.373, p < .001^{137}$$

$$rs(101) = -.358, p < .001^{138}$$

$$t(79) = 2.11, p < .05 \text{ (Male MPs } N=70, M=4.93, SD=1.86; \text{ Female MPs } N=32, M=5.63, SD=1.39)$$

«وقتی اشیای قیمتی می‌خرم، احساس خوبی به من دست می‌دهد زیرا مرا خوب جلوه می‌دهد»، «داشته‌های مادی مهم نیستند زیرا هیچ نقشی در خوشی من ندارند»، «وقتی خانواده یا دوستان من چیزی دارند که من نمی‌توانم تهیه کنم، اذیت می‌شوم»، «کشوری که به لحاظ مادی پیشرفته باشد، نسبت به کشوری که به لحاظ مادی عقب مانده باشد بهتر است»، و «من ترجیح می‌دهم برای اشیای بی‌نظیر که افراد کمتری از آن برخوردار اند، پول بیشتر بپردازم».

$$rs(102) = .269, p < .01^{128}$$

$$rs(102) = .201, p < .05^{129}$$

$$rs(99) = -.246, p < .05^{130}$$

$$rs(100) = .212, p < .05^{131}$$

این باور که دریافت رشوت های کوچک مانند رشوت های بزرگ بد نیست، این خود بیانگر آن است که میزان بلند صداقت خود ساخته ارتباط دارد با میزان بلند فساد.^{۱۳۹} ارایه اینکه دیگران پاسخ دهنده را به عنوان شخص قابل قبول می شناسند ارتباط میگیرد به موردی که دیگران برای کمک مراجعه می کنند^{۱۴۰} و موردی که دیگران برای پاسخ دهنده و اعضای خانواده آنها،^{۱۴۱} به اجرای کمک و لطف می پردازد، بیانگر آن است که میزان بلند صداقت ارتباط دارد با میزان بلند فساد.

2.3g تمایل به سلطه‌ی اجتماعی

تحقیقات گذشته

مطابق به تیوری تمایل به سلطه‌ی اجتماعی، اجتماع متشکل از سلسله مراتب اجتماعی می باشد، تعدی در میان گروپ ها و منازعه باعث می گردد تا سیستم اجتماعی سلسله مراتبی ایجاد و حفظ گردد.^{۱۴۲} تمایل به سلطه‌ی اجتماعی درجه‌ای است که مطابق به آن افراد می‌خواهند تا در گروپ های اجتماعی اقتدار خویش را حفظ نموده و نسبت به آنهایی که در بیرون از گروپ وجود دارد، مسلط بوده و از رابطه سلسله مراتبی در میان گروپ ها در اجتماع حمایت به عمل آورد.^{۱۴۳} در کل، افرادی که از چنین روحیه‌ای برخوردار باشند تمایل دارد تا گروپ ها بصورت نابرابر شکل گیرند که در نتیجه آنها حامی باورهای می شوند که نابرابری را در میان گروپ ها توجیه پذیر نموده و پالیسی های را اعمال می نمایند که باعث نابرابری گردیده و این نابرابری را میان اعضای گروپ حاکم سازد.

در رابطه به تمایل به سلطه‌ی اجتماعی و فاصله‌ی جنسیتی در میان موقف های اشخاص نخبه، تیوری سلطه‌ی اجتماعی استدال می نماید که نقش های آمرانه، نظامی و دیپلماتیک باعث می‌گردد تا نابرابری اجتماعی ایجاد و یا افزایش یابد که نمونه بارز آن افزایش سلسله مراتب می باشد.^{۱۴۴} برعکس، نقش های که درهای دسترسی به منابع را باز نموده و یا باعث توزیع دوباره منابع به گونه‌ای می‌گردد که در مغایرت با ساختارهای فعلی می باشد، مواردی اند که باعث تقلیل سلسله مراتب می گردد. این تیوری پیش‌بینی می نماید که افرادی که دارای نمرات بلند تمایل به سلطه‌ی اجتماعی می باشند احتمال می رود که از وظایف و نقش های بیشتر در

این زمینه برخوردار گردند، درحالیکه افرادی که نمرات پائین تر را از آن خود می نمایند بیشتر از وظایف و نقش های برخوردار خواهند شد که در رده های پائین تر می باشند. مطالعات نشان داده است که افراد در مطابقت به بلند بودن و پائین بودن تمایل به سلطه‌ی اجتماعی در اجتماع برخوردار از وظایف و مسوولیت های می‌گردند.^{۱۴۴} مهمتر از همه، مردان در این تحقیق از میزان بلند تمایل به سلطه‌ی اجتماعی نسبت به زنان برخوردار می باشند.^{۱۴۵} این امر بیانگر آن است که زنان تمایل کمتر دارند تا موقف های کلیدی همچو عضو پارلمان شدن را تصاحب نمایند و همچنان این امر را آشکار می سازد در مواردی که چنین حالتی اتفاق افتاده است بیشتر براساس سفارش های جناح های دیگر بوده که از تاثیرگزاری زیادی برخوردار بوده است. ارتباط میان تمایل به سلطه‌ی اجتماعی و فساد در ساختارهای حکومت طوریکه به جندر ارتباط داشته باشد در این تحقیق گنجانیده نشده است.

یافته‌ها

در این تحقیق، تفاوت چشمگیر میان نمایندگان از قشر اناث و ذکور در رابطه به تمایل به اقتدار اجتماعی وجود ندارد.^{۱۴۶} در درجه بندی از ۱-۷، طوریکه ۱ نشان دهنده میزان بلند تمایل به سلطه‌ی اجتماعی بوده و ۷ میزان پائین آن، اوسط درجه بندی ۳،۱۷^{۱۴۷} بوده است که نشان دهنده اوسط میزان تمایل به سلطه‌ی اجتماعی اعضای پارلمان در این مورد می باشد. هرچند، تمایل به سلطه‌ی اجتماعی بصورت قابل ملاحظه با متغیرها درمورد اعتقادات در رابطه به فساد اداری و در معرض فساد قرار گرفتن، وجود ندارد.

3.3 شبکه‌های مبتنی بر جندر و زمینه‌ها

برای فساد

3.3a تحقیقات گذشته

گویتز به این عقیده است که این موضوع که زنان نسبت به مردان کمتر در فساد آغشته اند یک "افسانه" است و ارتباط میان اشتراک زنان و فساد یک ارتباط مبهم و غیر واضح می باشد.^{۱۴۸} گویتز نیز تلاش می‌ورزد تا

144 پراتو، سیدانیوس، استالورت و مال، «تمایل به سلطه‌ی اجتماعی: متغیر شخصیتی و پیش‌بینی رفتارهای اجتماعی و سیاسی»، ۱۹۹۴.

145 سیدانیوس، لیوین، لیو و پراتو، «تمایل به سلطه‌ی اجتماعی، ضدبرابری خواهی، و روان‌شناسی سیاسی جندر: توسعه‌ی این ایده و مطالعه‌ی بیافرهنگی»، ۲۰۰۰.

146 $t(80)=.743, p>.05$

147 $N=82, M=3.17, SD=.65$

148 ان ماری گوویتز، «شفافیت‌بخشی سیاسی: زنان به عنوان نیروی تازه مبارزه با فساد؟»

139 $rs(101)=-.223, p<.05$

140 $rs(101)=.253, p<.05$

141 $rs(101)=.253, p<.05$

142 ویلسون و لیو، «تمایل به سلطه‌ی اجتماعی و جندر: نقش تلطیف‌کننده‌ی هویت جنسی»، ۲۰۰۳.

143 سیدانیوس، پراتو و بوبو، «تمایل به سلطه‌ی اجتماعی و روان‌شناسی سیاسی جندر: مورد عدم تفاوت؟»، ۱۹۹۴.

سیدانیوس، پراتو و میچل، «هویت درون‌گرویی، تمایل به سلطه‌ی اجتماعی، و رابطه‌ی اجتماعی درون‌گرویی دیفرانسیل»، ۲۰۰۱.

شواهد کافی در مورد عدم دخیل بودن زنان در فساد ارایه نماید تا ادعای خویش را تقویت کند. او (گویتز) اظهار داشته که مطالعات سوامی و هم‌کارانش و دالار و هم‌کارانش نشان می‌دهد که سنجش و هم‌نویسی مشخص در تعریف فساد وجود نداشته و مطالعات بیشتر بر مبنای این بود که چگونه جندر عکس العمل‌های دیگران را در راستای فساد شکل می‌دهد نه اینکه جندر چطور زمینه ساز فساد و یا رفتارهای فسادآلود می‌گردد. باوجود عدم قبول سایر فرضیه‌ها در مورد جندر و فساد، گویتز در راستای اینکه جندر چگونه زمینه ساز فساد می‌گردد و توسعه بحث‌های جندر و فساد، سهم بزرگی را ادا نموده است.

گویتز ابزار می‌دارد که شامل سازی زنان در عرصه سیاست که در آن مسایل نژادی، قومی و صنفی در نظر گرفته نشود باعث می‌گردد تا زنان توانمند به موقف‌های کلیدی دولتی دست یابند.^{۱۴۹} درعوض، گویتز مشخص می‌سازد که فرصت‌ها برای اجرای فساد توسط جندر شکل می‌گیرند. از این منظر، زنان بصورت نسبی در پست‌های دولتی جدید بوده و استخدام زنان در ادارات دولتی و عرصه سیاست متفاوت از تجربه مردان می‌باشد.^{۱۵۰} باتوجه به فضای حاکم در آسیای جنوبی، گویتز تمایل زنان را در احزاب سیاسی بادر نظر داشتن طبقات اجتماعی، فامیل و موقف رهبری مورد توجه قرار داده است که این امر منتج به دست کم گرفتن توانایی‌های سایر زنان می‌گردد. برعلاوه، این روش استخدام اکثراً حاوی این امر می‌باشد که زنان بیشتر دارای تجربه کمتر در ایتلاف سازی سیاسی، گفتمان، استراتژی دراز مدت، منابع عایداتی برای کمپاین و تدوین پالیسی می‌باشند. با محدودیت‌های ناچیز، زنانی که در این عرصه استخدام می‌شوند از امکانات زیاد برخوردار نبوده تا به اعمال فساد آور مبادرت ورزند.^{۱۵۱} گویتز بعضی از سوالات بسیار جدی را در مورد ارتباط جندر و فساد مطرح می‌سازد. آیا از زنان توقع رشوت کمتر می‌شود به فرض اینکه آنها پول کمتر دارند؟ یا آیا زنان به عنوان مدیران خانواده با انواع متفاوت فساد در سطوح مختلف مواجه می‌شوند؟ آیا "واحد" فساد برخی اوقات آزار و اذیت جنسی و یا بدرفتاری جنسی نمی‌باشد؟^{۱۵۲}

سندستورم همچنان مبحث شبکه‌های جندر را به عنوان یک فکتور مغلق مورد بحث قرار داده است. مانند گویتز، او پروسه استخدام را به عنوان یک تجربه متفاوت جندر در نظر دارد و اظهار می‌دارد که این پروسه دارای دو

بعد می‌باشد، اول آن در استخدام نامزد و بعداً در جریان دوره نمایندگی.^{۱۵۳} سندستورم این دو پروسه را بسط داده — "پروسه‌ای که توسط شبکه‌ها منع می‌گردد" و "پروسه‌ی جدا از شبکه‌ها". مورد اول به گونه‌ای می‌باشد که زنان از کاندید شدن توسط شبکه‌های جندر محروم می‌گردند. مورد دوم آن پروسه‌ای است که زنانی که انتخاب می‌شوند اکثراً تازه واردان می‌باشند و دور از محیط مردانه مصروف فعالیت می‌باشند و کمتر فرصت مهیا می‌گردد تا در عملکردهای فسادآلود مبادرت ورزند. سندستورم این چارچوب را بیشتر گسترش نداده بلکه به حیث یک چارچوب تکمیلی به منظور ارزیابی رابطه جندر و فساد مورد استفاده قرار داده است.^{۱۵۴} مهمتر از همه، در این چارچوب، این دو پروسه بصورت متقابل از هم جدا نبوده و یکجا می‌باشند.^{۱۵۵}

داهلیروپ و لینار یک مدل چندبعدی توازن جنسیتی را در عرصه سیاست تدوین نموده اند. مطابق به این مدل، شش بُعد وجود دارد که در آن میتوان اقتدار مردان را تعیین نمود — در جریان نمایندگی، محیط کاری سیاسی، تقسیم سیاسی پُست‌ها، دسترسی به کمیته‌ها، اشتراک در حضور عوام، و پالیسی عامه. مهمتر از اینکه، آنها تفاوت میان تغییرات واقعی و تغییرات سمبولیک را تفکیک نموده است. آنها اعتراف نموده اند که در دموکراسی‌های غربی سابقه حدوداً ۱۰۰ سال نیاز بود تا حضور زنان در پارلمان به ۲۰ — ۴۰ فیصد برسد، در حالیکه در دموکراسی‌های نوپا و کشورهای بعد از جنگ، با تطبیق سهمیه بندی‌های قانونی جندر، فیصدی قابل ملاحظه‌ای در مدت کوتاه رونما گردیده است.^{۱۵۶} باآنها، آنها به این باور هستند که باید تحقیقات بیشتر در این مورد صورت گیرد تا موارد مختلف آتی مورد بررسی قرار گیرند: اشتراک سیاسی زنان در تغییرات تعلیمی و اجتماعی — اقتصادی؛ دیدگاه‌ها در مورد زنان به عنوان سیاستمداران، تغییرات پالیسی و ظرفیت زنان رهبر؛ هم سازی نسبی و تحول به زنان سیاستمدار در هر مسیر.^{۱۵۷}

بجارینگارد همچنین پیشنهاد می‌دارد که شبکه‌های جندر ارتباط میان جندر و فساد را توضیح می‌دارند اما ارتباط سببی آن ممکن است که برعکس آنچیزی باشد که در سایر تحقیق‌ها از آن تذکر به عمل رفته است، درحالیکه فساد سیاسی آنهایی را که دسترسی به شبکه‌ها، ارتباط با نخبگان ملی و محلی، منابع به فساد مالی، و آنهایی که در اجتماع بیشتر

154 همان.

155 همان.

156 درود داهلیروپ و مونیک لی‌نار، «حرکتی به سوی سیاست مبتنی بر برابری

جندر—در دموکراسی‌های قدیمی و جدید»، گزارشی که به سومین کنفرانس اروپایی

در مورد سیاست و جندر ارایه شده، بارسلونا، ۲۳-۲۱ ماه مارچ، ۲۰۱۳.

157 همان.

149 همان.

150 همان.

151 همان.

152 همان.

153 اکسل سندستورم، «فهم شبکه‌های جندر و فساد: پروسه‌ی دو بعدی در استخدام و نمایندگی»، گزارش برای ورکشاپ جندر و سیاست گروه متخصصان سیاسی زنان،

انجمن مطالعات سیاسی، لندن، ۲۶ فبروری ۲۰۱۱.

نفوذ دارند که معمولاً مردان، هستند، مستفید می سازد. تحقیق نشان داده است که میزان فساد در یک کشور احتمال دارد ترکیب پارلمان را تحت تأثیر قرار دهد. هرچند، این ارتباط در هنگام کنترل ارتباط میان دموکراسی و فساد کمتر قابل ملاحظه بوده و ارتباط خیلی مغلق را پیشنهاد می دارد. بجانینگارد چنین نتیجه گیری می نماید که هرچند، سوال های زیادی در مورد این تیوری باقی می ماند، اما ممکن است حالتی نیز اتفاق بیفتد که فساد در شکل خویش خواری صورت گیرد و گروه های نخبه اجتماع را که قدرت را در اختیار دارند، مستفید سازند که اکثراً مردان می باشند.^{۱۵۸}

بجانینگارد همچنان در رساله دکترای خویش، پدیده همجنسگرایی را مطرح ساخته است که قبلاً توسط سندستروم مطرح شده بود و این متفاوت از سایر ادعاها در مورد شبکه های جندر می باشد که میکانیزم های مشخص را ترغیب نموده و سرمایه سیاسی را که برای موفقیت در انتخابات ضروری می باشد، مشخص می کند که برای زنان قابل دسترس نمی باشد.^{۱۵۹} این مفهوم همچنان به نظریه سندستروم در مورد رابطه جندر و فساد به عنوان یک پدیده دو-طرفه که خارج ساختن زنان از شبکه های جندر یک حمایت جدی ارتباط میان جندر و فساد می باشد را تقویت می نماید.^{۱۶۰}

فولکی و ریکی چارچوب شبکه های جندر را توسعه بخشیده تا ابعاد گسترده تری از نابرابری های اجتماعی را شامل گردد که از مسوولیت های زنان در خانواده میتوان به عنوان مثال یاد آوری کرد. در تعیین سیاستمداران شهرداری در سوئد این امر مشخص گردید که زنان برای انتخاب شدن دوباره چانس خیلی کمتری دارند و پیشداوری های منفی در مورد زنان از سوی احزاب انتخاب کننده، وجود دارد. آنها در این تحقیق، فکتورهای تعیین کننده، مسوولیت های ابتدایی خانوادگی و برخی از خلاها را میان زنان و مردان در انتخاب شان توضیح نموده است اما فکتورهای دیگر مانند تجربه، سن، تحصیل و عواید را تحت پوشش قرار نداده است.^{۱۶۱} این تحقیق چارچوب شبکه های جندر را فراتر از روندهای استخدام و نمایندگی در برنامه های سیاسی، تعیینات و خلای جنسیتی در ساحه تحت نفوذ سیاسی، قرار داده است. برعلاوه، تحقیقی که در سوئد صورت گرفته، بیانگر این است که شبکه های جندر تا چه حد به ضرر

زنان در عرصه سیاسی بوده و همچنان نهادهای اجتماعی و نابرابری های جنسیتی اجتماعی را نیز روشن نموده است.^{۱۶۲}

همچنین، ایناماسو و ایکیدا تحقیقی در مورد سرمایه اجتماعی و نقش تعیین کننده سمت ها به منظور تعیین تأثیرات سرمایه اجتماعی جندر در راستای اشتراک سیاسی، انجام داده است. باتوجه به متغیرهای دموگرافیکی مانند جنسیت، سن، تحصیل، موقعیت جغرافیایی و منافع و دانش سیاسی، این تحقیق دریافته است که در راستای تقسیم سرمایه اجتماعی، تبعیض مبتنی بر جنسیت وجود داشته و تنها شبکه های مردان تأثیرات مثبت در انتخابات داشته اند. آنها چنین نتیجه گیری نمودند که برای زنان دشوار می باشد تا در عرصه سیاست پا بگذارند بخاطر این که شبکه های سیاسی شان ضعیف تر از مردان می باشند. باآنها، آنها نیز دریافت نمودند که زنان یا شبکه های غیرسیاسی، اشتراک و سهم گیری را در دولت که شامل فعالیت های مستقیم مانند تماس با سیاستمداران پرنفوذ محلی، اشتراک در نهضت های مدنی، امضای درخواستها و اجرای اعانه می باشند، ترویج می نمایند.^{۱۶۳}

الحسن - الوهو با استفاده از نظریه ی متغیر معاشرت و فرصت و تیوری نقش اجتماعی در مورد فرضیه عدم دخیل بودن زنان در فساد چنین اظهار می دارد که این ادعا در صورتی که زمینه های فسادآور و شبکه های مفسد وجود داشته باشند، دقیق و درست نمی باشد و او اسناد موثق از کشور گانا را مبنا قرار می دهد.^{۱۶۴} نظریه ی متغیر معاشرت و فرصت همچنان توضیح می نماید اشخاصی که مرتکب عمل جرمی می شوند نه تنها ارتباط مکرر با کسانی دارند که از چنین عملکردها چشم پوشی می نمایند، بلکه آنها در اجرای عمل نیز مشارکت می نمایند که بیانگر آن است که افراد چگونه در فعالیت های غیرقانونی با هم دخیل می باشند. تیوری نقش اجتماعی مشخص می سازد که رفتار یک فرد تحت تأثیر درک درست از برخورد سایر اشخاص که جای آنها را اشغال نموده، دیدگاه شان از توقعات که دیگران از آنها در این نقش دارند و فشارها، تشکیل می یابد.^{۱۶۵} الحسن - الوهو چنین نتیجه گیری می کند که زنان از معیارهای اخلاقی بلندی نسبت به مردان برخوردار نمی باشند که زمینه های فسادآور موجود باشند و آنها اجتناب ورزند. این مطالعه همچنان دریافت که تفاوت جنسیتی در استفاده از سمت های دولتی به منظور برآورده ساختن تعهدات

162 همان.

163 همان. کازونوری ایناماسو کینی چی ای کیدا، «تأثیرات مشارکت سیاسی مبتنی بر

جندر: استفاده از روش جایگاه سازی در مطالعه ی دیناسیت JES3»، گزارش برای

کنفرانس سرمایه اجتماعی، تایپه، تایوان، ۲۹-۳۰ می، ۲۰۰۸.

164 ناماوو الحسن-الوهو، «جندر و فساد: آزمایش وفاق تازه»، مجله ی Public

Administration and Development، ۲۷، ۲۰۰۷: ۲۲۷-۲۲۷.

165 همان.

158 ایلین بی جانینگارد، «پیامدهای جنسیتی مسیر آلوده به فساد در سیاست»، گزارش

ارایه شده به ۲۰ امین کنفرانس جهانی IPSA، ۱۳-۹ جولای، ۲۰۰۶، جاپان.

159 آکسل سندستروم، «فهم شبکه های مبتنی بر جندر و فساد»، ۲۰۱۱.

160 همان.

161 اول فولک و جوهانا ریکنی، «نمایندگی زنان و سلطه ی مردان؟»، رقابت های حزبی

و سقف بلورین سیاست، «انستیتوت تحقیقاتی اقتصاد صنعتی، گزارش کاری IFN،

شماره ۹۲۳، ۲۰۱۲.

اجتماعی نیز وجود ندارد.^{۱۶۶} اساساً، او چنین جمع بندی می نماید که فساد هیچ ربطی با جنسیتی نداشته بلکه این زمینه ها و شبکه ها هستند که میتواند متاثر از جندر باشد. او همچنان نقش زنان را در راستای جلوگیری از فساد هشدار می دهد و پیشبینی می نماید که ناکامی در این راستا میتواند تلاش ها را جهت نهادینه سازی جندر و برابری جنسیتی، کم رنگ جلوه می دهد.^{۱۶۷}

3.3 یافته ها

نمایندگان از قشر اناث نسبت به مردان بیشتر این تصور را دارند که جندر بیشتر برای سرنوشت سیاسی آنها نامفید بوده است.^{۱۶۸} درحالیکه، ۴۴٪ زنان نماینده بصورت کلی و یا نسبی این مطلب را قبول داشتند، تنها ۱۰٪ نمایندگان مرد با این برداشت هم نظر بودند. باور داشتن به اینکه جندر در سرنوشت سیاسی آنها مفید نبوده رابطه دارد با این باور که در شرایط خاص دریافت رشوه میتواند توجیه پذیر باشد.^{۱۶۹}

شبکه های خانوادگی و تجاری

درحالیکه تفاوت جدی میان مردان و زنان نماینده در مورد دیدگاه شان نسبت به خانواده های شان که مهم و قدرتمند هستند^{۱۷۰}، وجود نداشت، نمایندگان مرد بیشتر تمایل داشتند تا اظهار نمایند که خانواده های شان مهم و قدرتمند هستند.^{۱۷۱} ۶۸٪ پاسخ دهنده گان تا حدی و یا بصورت قوی موافقه نمودند که فامیل های شان مهم اند. تنها ۱۶٪ آنها عدم موافقت و یا بصورت جدی عدم موافقت شان را اظهار داشتند. درحالیکه تنها ۷۰٪ نمایندگان مرد قبول نمودند که خانواده های شان در عرصه سیاست، فعال می باشند، تنها ۳۸٪ زنان نماینده چنین چیزی را ابراز داشتند. باآنهم، میان زنان و مردان نماینده تفاوت در ارتباط برقرار کردن با اشخاص قدرتمند، دیده نشده است.^{۱۷۲} ۶۸٪ پاسخ دهنده گان بصورت نسبی و یا کامل موافقه نمودند که آنها با اشخاص قدرتمند تامین ارتباط می نمایند و ۲۴٪ آنها عدم موافقت شان را در این مورد اظهار داشتند.

نکته جالب این که زنان بیشتر ابراز کردند که برای رسیدن به کرسی پارلمان بیشتر به حمایت خانواده های شان نیازمند بوده اند.^{۱۷۳} درحالیکه

۸۵٪ زنان نماینده بصورت شدید قبول نمودند که خانواده های شان حمایت کرده، تنها ۵۶٪ مردان چنین نظری داشتند. ۱۵٪ متباقی زنان نیز با این اظهار نظر موافق بودند و ۴۲٪ باقی مردان نماینده نیز تا حدی موافقت خویش را ابراز کردند. تفاوت چندانی میان مردان و زنان نماینده در مورد اینکه خانواده های شان متکی به درآمد آنها به عنوان وکیل اند، به دست نیامد. ۴۴٪ پاسخ دهنده گان موافقت نمودند که خانواده های شان متکی به درآمد آنها نمی باشند.

ارتباط های متعددی میان متغیر های مربوط به وضعیت و حمایت خانواده ها و فساد وجود داشت. دریافت حمایت فامیل برای عضو پارلمان شدن ارتباط پیدا می کند با اینکه برای اجرای کمک به اینها مراجعه شده است.^{۱۷۴} و اینکه دیگران برای شخص پاسخ دهنده و یا اعضای خانواده او، کمک و لطف نموده است.^{۱۷۵} متکی بودن خانواده های عضو پارلمان به درآمد شان وابسته به این امر می باشد که دیگران پیشنهاد رشوت و یا جبران کمک را نموده است.^{۱۷۶} مهم بودن و قدرتمند بودن خانواده های اعضای پارلمان ارتباط به این امر دارد که دیگران لطف و کمک به اعضای خانواده آنها نموده است.^{۱۷۷} فعال نبودن خانواده پاسخ دهنده در عرصه سیاست با هیچ یکی از متغیرها ارتباط نداشت.^{۱۷۸} تامین ارتباط با اشخاص قدرتمند و ذی نفوذ ارتباط^{۱۷۹} به این امر دارد که دیگران اکثراً از آنها طالب کمک و همکاری می شوند و دیگران^{۱۸۰} اکثراً شخص پاسخ دهنده و یا اعضای خانواده او را کمک و همکاری می کند.^{۱۸۱}

مردان اعضای پارلمان بیشتر گزارش کردند که میتوانند به تجارت بپردازند و در اجرای آن خوب هستند.^{۱۸۲} درحالیکه ۵۴٪ مردان نماینده اظهار داشتند که در پیشبرد تجارت خوب هستند، تنها ۳۲٪ زنان نماینده در این مورد جواب مثبت را ارایه کردند. هرچند، تفاوت عمده میان زنان و مردان در مورد دیدگاه آنها به عنوان نمایندگان مردم که تامین کننده منافع ملی کسانی که در این راستا فعال هستند و تامین کننده منافع ملی، وجود نداشت.^{۱۸۳} ۶۸٪ پاسخ دهنده گان بصورت نسبی و کامل موافقت نمودند، درحالیکه ۲۲٪ در این مورد عدم رضایت خویش را ابراز داشتند. تفاوت عمده میان زنان و مردان نماینده در مورد تماس آنها با تجاران برجسته در

166 همان.

167 همان.

168 t(49)=2.93, p<.01 (Male MPs N=61, M=5.62, SD=1.69; Female MPs N=32, M=4.28, SD=2.29)

169 r(93)=.252, p<.05

170 t(95)=.982, p>.05

171 t(50)=3.97, p<.005 (Male MPs N=71, M=5.03, SD=1.66; Female MPs N=32, M=3.41, SD=2.03)

172 t(48)=.178, p>.05

173 t(102)=3.54, p<.01 (Male MPs N=71, M=1.56, SD=.82; Female MPs N=33, M=1.15, SD=.36)

174 t(103)=1.77, p>.05

175 r(104)=.272, p<.01

176 r(100)=.305, p<.01

177 r(103)=.276, p<.01

178 rs(95)=.259, p<.05

179 rs(96)=.207, p<.05

180 rs(94)=.206, p<.05

181 rs(102)=.195, p<.05

182 r(99)=.287, p<.01

183 t(98)=3.29, p<.01 (Male MPs N=69, M=3.72, SD=1.82; Female MPs N=31, M=5.06, SD=2.02)

دو ماه اخیر،^{۱۸۴} به چشم نرسید و ۲۲٪ پاسخ دهنده‌گان اظهار داشتند که تماس داشته اند.

تفاوت جدی میان مردان و زنان نماینده در شناختن افراد و اشخاص قدرتمند و ذی نفوذ که برای شان مهم باشد، وجود نداشته است.^{۱۸۵} ۶۳٪ پاسخ دهنده‌گان با این مطلب تا حدی و یا هم بصورت کامل موافق بودند و تنها ۸٪ با این موضوع موافق نبودند. اختلاف بنیادی میان زنان و مردان نماینده در مورد سفرهای شان به بیرون از افغانستان به عنوان اعضای پارلمان نیز وجود نداشته است.^{۱۸۶} و ۷۸٪ اظهار موافقت کرده و باقی بصورت نسبی و یا جدی عدم موافقت شان را اظهار نمودند.

دیدگاه موجود در مورد پیشبرد تجارت به این مورد ارتباط دارد که دیگران اغلباً برای شخص پاسخ دهنده و یا اعضای فامیل او کمک و لطف می نماید.^{۱۸۷} مانند سایر متغیرهای مربوط به شبکه های تجاری، باور بر اینکه عضو پارلمان منافع ملی و منافع تجاران را با اجرای وکالت تامین می کند به این مورد ارتباط پیدا می کند که اکثراً دیگران برای دریافت کمک^{۱۸۸} و همکاری به این نماینده‌گان مراجعه می نمایند.^{۱۸۹} تامین ارتباط و شناخت با اشخاص سرشناس و قدرتمند به این مورد ارتباط دارد که استفاده از موقف برای اعضای پارلمان به منظور کمک و همکاری دیگران به یک امر عادی تبدیل شده است.^{۱۹۰} داشتن فرصت برای سفرهای خارجی به این مورد ارتباط دارد^{۱۹۱} که ممکن است در سیاست و در امورات دولتی موفق بودن بدون اینکه اقدام به اعمال فسادآور نمود و همچنان ارتباط پیدا می کند به این امر که استفاده از موقف برای کمک دیگران یک امر عادی می باشد.^{۱۹۲}

شبکه های قبل از انتخاب شدن در پارلمان

مردان نماینده بیشتر از زنان نماینده گزارش کردند که آنها قبل از راه یافتن به پارلمان با اشخاص قدرتمند و سرشناس ارتباط داشته اند.^{۱۹۳} درحالیکه ۶۴٪ مردان بصورت کلی یا نسبی قبول نمودند که با اشخاص پرقدرت قبل از وکیل شدن در تماس بوده اند، تنها ۴۵٪ زنان نماینده چنین چیزی را قبول نمودند. گزارش از شناخت اشخاص قدرتمند قبل از وکیل شدن

به این مورد ارتباط دارد که مردم اکثراً برای شخص پاسخ دهنده و یا اعضای فامیل وی کمک و همکاری نموده است.^{۱۹۴} برعلاوه، با این مورد که در سیاست و حکومت بدون اقدام به فساد میتوان موفق بود نیز ارتباط داشته است.^{۱۹۵}

هرچند، تفاوت چندان میان زنان و مردان نماینده در مورد مراجعه مردم به آنها جهت دریافت کمک و همکاری قبل از وکیل شدن،^{۱۹۶} دانستن اینکه برنده می شوند و اینکه کسانی بودند که حمایت نکردند و اینکه آنها کرسی پارلمان^{۱۹۷} را احراز می نمودند بخاطری که اشخاص قدرتمند حمایت شان می کند^{۱۹۸}، به مشاهده نرسیده است.^{۱۹۹} ۹۸٪ پاسخ دهنده‌گان قبول نمودند که قبل از وکیل شدن، اشخاص بخاطری دریافت کمک و همکاری به آنها مراجعه می کردند. ۹۰٪ آنها بصورت نسبی و کلی موافق بودند که اگر خود را کاندید می نمودند، کنند حتما برنده می شدند، ۷۴٪ آنها اظهار داشتند که کسانی بودند که حمایت شان نکردند. باآنها، تنها ۱۶٪ تمام پاسخ دهنده‌گان بصورت نسبی یا کامل موافق بودند که آنها توانستند کرسی پارلمان را احراز نمایند بخاطری که از حمایت اشخاص و افراد پرقدرت، برخوردار بودند.

اظهار نمودن اینکه دیگران قبل از وکالت به آنها مراجعه می کردند با این مورد ارتباط شدید دارد که هنوز هم دیگران بخاطری دریافت همکاری و کمک^{۲۰۰} به آنها مراجعه میکنند و اینکه مردم بیشتر برای پاسخ دهنده و اعضای خانواده او به اجرای عملکردهای خیرخواهانه می پردازند.^{۲۰۱} همین قسم، دانستن اینکه اگر خود را کاندید نمایند، برنده می شوند با این مورد ارتباط نزدیک دارد که هنوز هم دیگران بخاطری دریافت همکاری و کمک^{۲۰۲} به آنها مراجعه میکنند و اینکه مردم بیشتر برای پاسخ دهنده و اعضای خانواده او به اجرای عملکردهای خیرخواهانه می پردازند.^{۲۰۳} اظهار اینکه آنها کرسی وکالت را بخاطری برخوردار بودن از حمایت اشخاص پرقدرت دریافت نموده اند به این امر ارتباط دارد که اکثراً مردم به پاسخ دهنده مراجعه می نمایند و پیشنهاد رشوت و یا جبران همکاری را می نمایند.^{۲۰۴} به همین ترتیب، اظهار نظر در مورد اینکه کسانی نبودند که برای به کرسی رسیدن حمایت شان کرده باشند، نشان دهنده عدم

195 rs(99)=.223, p<.05

196 rs(96)=.206, p<.05

197

198

199

200

201 rs(105)=.439, p<.001

202 rs(101)=.275, p<.01

203 rs(105)=.393, p<.001

204 rs(101)=.277, p<.01

184 t(97)=.926, p>.05

185 X2(1, 96)=1.86, p>.05

186 t(101)=.131, p>.05

187 t(46)=.277, p>.05

188 rs(98)=.289, p<.01

189 rs(99)=.198, p<.05

190 rs(97)=.288, p<.01

191 rs(100)=.202, p<.05

192 rs(97)=.204, p<.05

193 rs(100)=.288, p<.01

194 t(99)=2.13, p<.05

دسترسی به شبکه های قدرتمند می باشد که ارتباط معکوس به این دارد که دیگران بخاطری دریافت همکاری به آنها مراجعه کرده باشند.^{۲۰۵}

شبکه های پارلمان

در حالیکه تفاوت عمده میان میان و زنان در قسمت تامین ارتباط با سایر اعضای پارلمان از قشر انات به چشم نرسید،^{۲۰۶} مردان بصورت قابل ملاحظه نسبت به زنان در تامین ارتباط با سایر مردان نماینده، پیشتر بودند.^{۲۰۷} ۸۳٪ مردان و ۹۱٪ زنان بصورت نسبی و کامل اظهار داشتند که با سایر زنان نماینده تامین ارتباط نموده اند. با آنها، ۱۰٪ مردان نماینده قبول نمودند که با سایر اعضای پارلمان در تامین ارتباط کوشیده اند و تنها ۸۴٪ زنان در این مورد جواب مثبت ارایه داشتند. برعلاوه، ۵۱٪ مردان بصورت شدید با این مطلب که با سایر مردان نماینده در تماس بوده اند، موافق بوده، در حالیکه تنها ۳۸٪ زنان قویاً این مورد را قبول داشتند. مردان نماینده بصورت قابل ملاحظه اظهار داشتند که با سایر مردان نماینده در دو ماه اخیر بصورت شخصی ارتباط تامین نمودند (۹۰٪ پاسخ دهنده گان مرد در مقابل ۶۵٪ پاسخ دهنده گان زن).^{۲۰۸} به همین ترتیب، زنان نماینده نیز در دو ماه اخیر بصورت شخصی در تامین ارتباط با سایر زنان نماینده تلاش به خرج دادند (۹۰٪ پاسخ دهنده گان زن در برابر ۶۵٪ پاسخ دهنده گان مرد).^{۲۰۹}

اظهار تامین ارتباط با سایر زنان نماینده رابطه مستقیم با این مورد دارد که دیگران بخاطری کمک و همکاری به وی مراجعه می نمایند،^{۲۱۰} مثل تامین ارتباط مردان با سایر نماینده گان.^{۲۱۱} تامین ارتباط با سایر نماینده گان مرد به این امر ارتباط دارد که دیگران به خاطری دریافت همکاری و کمک به آنها مراجعه می نمایند و یا برای پاسخ دهنده یا اعضای خانواده اش همکاری میکنند^{۲۱۲} که ارتباط معکوس با این ذهنیت دارد که میتوان در شرایط خاص دریافت رشوه را توجیه پذیر دانست.^{۲۱۳}

تفاوت عمده میان زنان و مردان در مورد اینکه نماینده گان با یکدیگر در مورد اتخاذ تصمیم صحبت و مشورت می نمایند، دیده نشده است. ۸۴٪ آنها بصورت نسبی و یا کامل قبول نموده اند که قبل از اتخاذ تصمیم^{۲۱۴}

در موضوعات مختلف با سایر نماینده گان بحث می نمایند و ۷۹٪ آنها اظهار داشته اند که در هنگام تصمیم گیری ها با هم مشورت می نمایند.^{۲۱۵} گزارش اینکه آیا نماینده با هم مشورت می نمایند ارتباط پیدا می کند با این مورد که اکثراً دیگران برای شخص پاسخ دهنده و یا اعضای فامیل وی همکاری نموده است،^{۲۱۶} و بصورت شدید با این باور که استفاده از موقف برای نماینده گان یک امر عادی در راستای همکاری دیگران می باشد، ارتباط پیدا می نماید.^{۲۱۷} مشورت دیگران با پاسخ دهنده گان در تصمیم گیری ها ارتباط به این مورد دارد که دیگران به همکاری شخص پاسخ دهنده و اعضای خانواده او می پردازند^{۲۱۸} و باور اینکه استفاده از موقف یک امر عادی باشد، ارتباط دارد.^{۲۱۹}

شبکه های سیاسی و احزاب سیاسی

تفاوت عمده میان مردان و زنان در قسمت گرفتن تماس با وزیر در دو ماه اخیر، به مشاهده نرسیده است.^{۲۲۰} ۵۰٪ پاسخ دهنده گان جواب مثبت ارایه کرده اند. به همین ترتیب، در قسمت تماس شخصی با رئیس جمهور طی دو ماه اخیر^{۲۲۱} نیز تفاوت عمده موجود نبود و ۴۰٪ پاسخ دهنده گان اظهار داشتند که با رئیس جمهور تماس گرفته اند.

تفاوت عمده میان مردان و زنان در ارایه اینکه آنها اعضای فعال احزاب سیاسی بوده اند، به مشاهده نرسید.^{۲۲۲} تنها ۱۷٪ پاسخ دهنده گان بصورت جدی با این مطلب موافقت نمودند، در حالیکه ۲۰٪ آنها بصورت نسبی اظهار موافقت کرده و ۵۰٪ آنها نه بصورت نسبی و یا کامل موافق بودند و نه مخالف. همچنان، تفاوت عمده میان زنان و مردان در مورد این باور که شناخت اشخاص قدرتمند بهتر از دخیل بودن با احزاب سیاسی است، به چشم نخورد.^{۲۲۳} ۳۶٪ تمام پاسخ دهنده گان بصورت نسبی و یا کامل موافق بودند، و ۱۹٪ آنها نه مخالف و نه موافق بودند. تنها ۱۱٪ پاسخ دهنده گان بصورت جدی مخالف این مطلب بودند. تفاوت جدی میان زنان و مردان در قسمت تماس با مقامات بلند پایه احزاب سیاسی طی دو ماه اخیر،^{۲۲۴} به مشاهده نرسیده است و ۵۲٪ پاسخ دهنده گان ابزار نمودند که تماس داشته اند.

t(101)=.044, p>.05 215

t(102)=1.73, p>.05 216

rs(100)=.314, p<.01 217

rs(101)=.400, p<.001 218

rs(100)=.363, p<.001 219

rs(102)=.305, p<.01 220

X2(1, 101)=.130, p>.05 221

X2(1, 97)=1.20, p>.05 222

t(87)=1.78, p>.05 223

t(97)=.523, p>.05 224

rs(101)=.339, p<.01 205

rs(101)=-.297, p<.01 206

t(96)=1.84, p>.05 207

t(36)=2.98, p>.01 (Male MPs N=72, M=1.56, SD=.63; 208

Female MPs N=32, M=2.38, SD=1.50)

X2(1, 100)=9.31, p<.01 209

X2(1, 97)=5.15, p<.05 210

rs(98)=.310, p<.01 211

rs(104)=.270, p<.01 212

rs(101)=.212, p<.05 213

rs(103)=-.199, p<.05 214

ارایه معلومات در مورد فعال بودن در یک حزب سیاسی ارتباط به این مورد دارد که مردم اکثراً به آنها و یا اعضای خانواده شان همکاری و کمک می نمایند.^{۲۲۵} معتقد بودن به این امر که شناخت اشخاص قدرتمند بهتر از دخیل بودن در حزب سیاسی است ارتباط به این امر پیدا می کند استفاده از موقف توسط نماینده گان به منظور اجرای همکاری و کمک به دیگران یک امر توجیه پذیر بوده و همچنان دیگران نیز همکاری خویش را برای نماینده و یا اعضای خانواده او^{۲۲۶} ادامه خواهد داد.^{۲۲۷}

4.3 دموکراسی لیبرال

4.3.a تحقیقات گذشته

تحقیقات زیادی موجود است که بیانگر آن است که تفاوت های به ملاحظه رسیده در فساد بنابر تفاوت ها در برخوردهای جنسیتی نمی باشند بلکه ارتباط میان جندر و فساد انعکاس نظام دولتی و نهادی می باشد. هونگ ان سونگ استدال دیگری را پیشنهاد می نماید و مدعی می شود که ارتباط میان جندر و فساد یک ارتباط کاذب می باشد، جاییکه یک سیستم عادلانه تر - بطورمثال نهادهای دموکراتیک - زمینه ساز ساختارهای اجتماعی اشتراکی گردیده و میزان فساد را کاهش می دهد. او در تحقیق چنین نتیجه گیری می نماید، هرچند که اشتراک زنان در حکومت ارتباط پیدا می کند با میزان کاهش فساد در برخی حالات، نهاد اهمیت خود را وقتی از دست می دهد که تاثیرات لیبرالیزم قانونی بصورت جدی کنترل شود. این تحقیق دریافت نمود که نقش قوه قضائیه و مطبوعات را نمیتوان در راستای چشم پوشی و محدود کردن فساد نادیده گرفت. سونگ جمع بندی نمود که نقش برابری جنسیتی را میتوان در کاهش فساد برانزده دانست، برابری جنسیتی و حسابدی دولت ها دو دستاورد بسیار بزرگ دموکراسی معاصر به حساب می آیند.^{۲۲۸}

ایزاری و چیریلو بر مبنای مطالعات و تحقیق های گوناگون که اکثریت آنها در این تحقیق نیز مورد مطالعه قرار گرفته اند، به این نتیجه رسیده اند که زنان بصورت ذاتی صادق یا بی میل نسبت به فساد نمی باشند. در عوض، این دو نویسنده اظهار می دارند که نهادهای دموکراتیک میان فساد و جندر با مطرح ساختن فساد به عنوان یک فعالیت پرخطر، افزایش احتمال رشد و برجسته ساختن مرتکبین آن، باعث ایجاد ارتباط می گردد. آنها اظهار می دارند که خطرات در درون دولت های مستبد جایی که رشوت ستانی و خویش خواری به معاملات عادی تبدیل شده کوچکتر می باشند،

و آغوشته به فساد نبودن میتواند پرخطرتر از بودن آن باشد. در چنین محیطی، آنها استدال می دارند که زنان بصورت مجزا متاثر می شوند و فشارهای جدی تر را به منظور همگون سازی با نورم های سیاسی و فساد موجود، تجربه می کنند.^{۲۲۹}

مطالعات ایزاری و چیریلو تمرکز را روی دموکراسی های نهادینه شده به عنوان شاخص های اجتماعی، سیاسی و مالی برجسته ساختن فساد، نموده است. در این مورد، بررسی کشور از سال ۱۹۹۸ - ۲۰۰۷، ایزاری و چیریلو دریافت نمودند که اشتراک زنان در دولت غیرمرتبط با فساد در اتوکراسی ها بوده است، اما بصورت منفی ارتباط پیدا می کند با فساد در دموکراسی ها.^{۲۳۰} آنها همچنان دریافتند که در دولت های با نمرات پائین سازمان های دولتی، یک ارتباط کوچک اما به لحاظ احصائیه خیلی جدی میان فیصدی زنان در پارلمان و کنترل فساد موجود است. برعکس، در دولت ها با نمرات بلند، آنها یک ارتباط قوی و مثبت را بین فیصدی زنان در پارلمان و کنترل فساد، دریافت نمودند. آنها به چنین باور رسیدند که در جوامعی که زنان زیاد توانمند نیستند، آنها بیشتر تشویقیه های را به منظور هماهنگ ساختن توقعات شان با فرهنگ سیاسی، دریافت می دارند که این امر خود آسیب پذیری زنان را در راستای دخیل بودن در فساد، بیشتر از مردان می سازد. آنها یافته های شان را با یک سلسله تدابیر گوناگون برای دموکراسی و فساد، مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که زنان بیشتر نورم های سیاسی را نقض می کنند. هرچند، اگر عملکردهای فسادآلود تبدیل به روش های گردد که از جانب نهادهای سیاسی مورد حمایت قرار گیرند، میتوان توقع نمود که خلای جنسیتی در فساد دیگر وجود نخواهد داشت. آنها نیز تصدیق می دارند که سایر مکانیزم ها نیز موجود خواهند بود که این ارتباط را کاذب جلوه می دهد، اما بصورت گسترده یافته های شان به نهادهای دموکراتیک نسبت داده می شوند.^{۲۳۱}

هرچند، محدودیت های وسیع در رابطه به استدال دموکراسی لیبرال وجود دارد که در آن اکثریت دموکراسی های لیبرال که قراراند ایجاد شوند، خلای جنسیتی در هنگام اجرای نماینده گی سیاسی وجود ندارد. درحالیکه در کوبا ۴۹٪، کرسی های پارلمان را زنان در اختیار دارند، در ایالات متحده ۱۸٪، در انگلستان ۲۳٪ و جرمنی ۳۷٪. میزان نمایندگی زنان در قوانین ایالات متحده معادل نمایندگی زنان امارات متحده عربی در ارگان ملی

229 هونگ ان. سون، «جنسیتی عادلانه تر یا نظام عادلانه تر؟ نگاه دوباره به جندر و

فساد»، مجله سوشیل فورسیز ۹۲، شماره ۲، ۲۰۰۳.

230 جستین ایزاری و گینا چیریلو، ««جنسیت عادلانه تر» یا افسانه‌ی شفافیت؟ فساد، جندر و زمینه‌های نهادی»، مجله‌ی سیاست و جنسیت ۹، شماره ۴، ۲۰۱۳: ۳۹۰-۴۱۱.

231 همان.

225 $X^2(1, 100)=3.18, p>.05$

226 $rs(88)=.259, p<.05$

227 $rs(96)=.241, p<.05$

228 $rs(97)=.326, p<.01$

آن کشور می باشد.^{۲۳۲} این مقیاس ها پیشنهاد می دارد که هرچند ارتباط میان نهادهای دموکراتیک و میزان پائین فساد و نمایندگی بیشتر زنان وجود دارد، اما دموکراسی بصورت تنهایی نیز توضیح کامل در این راستا ارائه کرده نمی تواند.

4.3 b4.3 دموکراسی لیبرال در زمینه افغانستان

نمایندگی سیاسی زنان

افغانستان از میان ۱۴۳ کشور در دیتابیس اتحادیه بین البرلمانی در مورد فیصدی زنان در پارلمان، مقام ۱۴۲ام را با ۲۷,۷ فیصد زنان در ولسی جرگه و ۱۷,۶٪ در مشرانو جرگه، از آن خود نمود. افغانستان مقام ۱۷۰ام را در میان ۹۴ کشور در قسمت تناسب وزیران زن در کابینه با احراز ۱۰٪ کرسی های وزارت توسط زنان، از آن خود نمود.^{۲۳۳}

حاکمیت قانون، آزادی بیان و انتخابات دموکراتیک

مطابق به شاخص های ۲۰۱۵ خانه آزادی، افغانستان نمره ۲/۱۶ را در راستای حاکمیت قانون با داشتن سیستم قضایی ناسالم و قضات ناکافی و آموزش ندیده، از آن خود کرد.^{۲۳۴} توضیح این مساله همچنان ادامه پیدا می کند که در ستره محکمه قضایی هایی وجود دارند که از دانش حقوقی خیلی کم بهره دارند که ایجاب ریفورم جدی را می نماید و فساد در قضا خیلی پرهزینه می باشد.^{۲۳۵} همچنان افغانستان در راستای استقلالیت قضا و حقوق فردی در سطح پائین قرار داشت که نمره ۲/۱۶ را از آن خود کرد که عدم توانایی در حفاظت از حقوق ملکیت ها، دخیل بودن گروپ های جنایتکار در فعالیت های تجاری، نقض حقوق بشر و زنان به عنوان دلایل عمده آن مطرح شده است.^{۲۳۶} گزارش این اتحادیه توضیح می دهد: "هرچند زنان از حق قانونی و رسمی نسبت به تحصیل و استخدام برخوردار می باشند و تا حدی میتوانند پا در عرصه فعالیت های عامه نیز بگذارند، اما تبعیض و خشونت های خانوادگی همچنان باقیست (....) انتخاب زنان در ازدواج و اطلاق همچنان براساس قوانین عرفی صورت میگیرد" و "ازدواج های اجباری دختران خورد سال با مردان کهن سال و یا بیوه هنوز هم به عنوان یک مشکل جدی باقیست.^{۲۳۷}

افغانستان در قسمت آزادی بیان و عقیده نیز در سطح پائین قرار داشته و نمره ۵/۱۶ را گرفته است. این نمره به این منظور برای افغانستان تعیین گردید که باوجود داشتن قانون رسانه ها در سال ۲۰۰۷ به منظور وضاحت برای آزادی های مطبوعات و مداخله محدود دولت، تعداد زیادی از خبرنگاران از سوی سیاستمداران، نهادهای امنیتی و سایر اشخاصی که در قدرت قرار دارند، دستگیر، تهدید و مورد آزار و اذیت قرار گرفتند.^{۲۳۸}

افغانستان همچنان در قسمت حقوق سیاسی (۱۱/۴۰)، پروسه انتخابات (۲/۱۲)، کثرت گرایی سیاسی و مشارکت سیاسی (۱۶/۶) و اجرای وظایف (۲/۱۲) و در کل در سطوح پائین قرار داشت. دلایل آن میزان پائین رای دهنده گان و تقلب گسترده و همچنان تاخیر در انتقال سیاسی در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۰ و انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۴، می باشد. همچنان، سیستم رای دهی واحد غیرقابل انتقال، احزاب سیاسی ضعیف و تاثیرات خشونت و ناامنی روی فعالیت های سیاسی از دلایل عمده آن ذکر گردیده است. در مورد اجرای وظایف حکومت، تاخیر در تشکیل کابینه و اداره رئیس جمهور غنی و همچنان فساد، خویش خواری در تمام سطوح باقی مانده و معاش ناکافی که باعث رفتارهای فسادآلود گردیده است، می باشد.^{۲۳۹}

در حال حاضر افغانستان در شاخص سازمان دولتی هیچ نمره ای را از آن خود نکرده است که در تحقیق ایزاری و چیلو مورد استعمال قرار گرفته بود ولی اکنون نمره ۶۶- را دارد که نشان دهنده مداخله خارجی می باشد.^{۲۴۰} در این تحقیق، میان دیدگاه های زنان و مردان در مورد انتخابات پارلمانی آزاد، شفاف، عادلانه و عاری از فساد، تفاوت عمده به مشاهده نمی رسد. تنها ۱۶٪ پاسخ دهنده گان بصورت نسبی و یا کامل موافقت خویش را اظهار داشتند. ۵۸٪ آنها عدم موافقت و یا عدم موافقت شدید شان را در این مورد اعلام کردند.

انکشاف اجتماعی - اقتصادی

افغانستان در رده ۱۲۴ام، یعنی پایین ترین رده در قسمت سرانه درآمد ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۴، با قدرت خرید ۱۹۶۰ دالر امریکایی قرار

همان. 232

<https://freedomhouse.org/report/freedom-world/2015/afghanistan>.

همان. 236

همان. 237

همان. 238

همان. 239

همان. 240

233 «تناسب کرسی های زنان در پارلمان های ملی»، بانک جهانی،

http://data.worldbank.org/indicator/SG.GEN.PARL.ZS?order=wbapi_data_value_2014+wbapi_data_value+wbapi_data_value-last&sort=desc

234 «زنان در سیاست: ۲۰۱۵»، اتحاد بین البرلمانی، ۲۰۱۵،

http://www.ipu.org/pdf/publications/wmnm15_en.pdf

235 . «افغانستان: آزادی در دنیا در سال ۲۰۱۵»، خانه ای آزادی، ۲۰۱۵.

5.3 نهادهای اجتماعی

5.3.a تحقیقات گذشته

نقش نهادهای اجتماعی یکی از دیگر فکتورهای بنیادی ارتباط میان جندر و فساد می باشد. انگریه‌ارت، نوریس و ویلزیل تاثیر متغیرهای فرهنگی و اقتصادی را در مورد تناسب زنان در پارلمان و در سطح اجتماع مورد بررسی قرار دادند و دریافت نمودند که برابری جنسیتی نسبی در پارلمان ارتباط دارد با فضای دموکراسی اما هیچ یکی از این متغیرها باعث ایجاد متغیر دیگر نگردیده است. مطابق به این استدلال‌ها، این تغییر در توسعه اقتصادی و میراث فرهنگی در قسمت تسهیل نهادهای دموکراتیک و میزان بلند زنان در پارلمان، نقش داشته است.^{۲۴۷}

باتوجه به این یافته‌ها، برانیزا و زیگلر تاثیرات تبعیض علیه زنان را در راستای فساد در اجتماع مورد مطالعه قرار دادند. آنها مطالعات شان را بر مبنای این باور که گرایش اجتماع نسبت به زنان باعث می گردد تا وظایف نظام سیاسی چگونه اجرا گردد و زنان در کدام جایگاه در آن قرار گیرند؛ بنابراین، اگر میزان فساد وابسته به اجرای وظایف نظام سیاسی گردد، گرایش اجتماع نسبت به جندر میتواند تاثیر روی میزان فساد از خود بجا بگذارد. مطالعات برانیزا و زیگلر با استفاده از آمار نهادهای اجتماعی و شاخص های جندر، چنین نتیجه گیری نمودند که بعد از کنترل نمایندگی زنان در زندگی سیاسی و اقتصادی برای دموکراسی، آزادی های مدنی میتواند تاثیرات نیرومند منفی و مهم را روی فساد داشته باشد. اساساً، در کشورهای که نهادهای اجتماعی مانع آزادی اشتراک زنان در زندگی اجتماعی میگردد، میزان فساد بلند می باشد.^{۲۴۸}

B4.3 نهادهای اجتماعی در شرایط افغانستان

نهاد های اجتماعی و جندر

نهادهای اجتماعی و شاخص جندر یک سلسله آمارگسترده را به منظور ارزیابی ماهیت تبعیض آمیز نهادهای اجتماعی در راستای قوانین رسمی و غیررسمی، گرایش ها و عملکردهای که دسترسی زنان و دختران را به حقوق، عدالت کاهش داده و توانمندی آنها را محدود می کند، مورد

داشت.^{۲۴۱} ۳۶٪ نفوس افغانستان در سال ۲۰۱۱ زیرخط فقر زندگی می کردند. تنها ۳۲٪ نفوس افغانستان بالاتر از سن ۱۵ در سال ۲۰۱۱ باسواد بودند که این کشور را پائین ترین رده بندی در دیتابیس ۲۰۱۱ بانک جهانی قرار می داد.^{۲۴۲}

روند عادی سازی فساد در نهاد های سیاسی

رفتارهای فسادآور بخشی از عملکردهای عادی حکومتداری در افغانستان را تشکیل می دهد که توسط نهادهای سیاسی نیز حمایت می گردد. در سروی ملی فساد در سال ۲۰۱۴، ۳۶٪ افغانها فساد را به عنوان بزرگترین مشکل افغانستان بعد از ناامنی قلمداد کردند، و تنها ۲۱٪ پاسخ دهنده گان با فساد در ۱۲ ماه اخیر مواجه شده بودند.^{۲۴۳} این تحقیق همچنان برجسته ساخت که نهادهای سازی فساد در حال افزایش می باشد که تبدیل به یک فاجعه در جهت دسترسی به خدمات عامه همچو برق، تحصیلات عالی، خدمات عدلی و پولیس گردیده است. عمده ترین نوع فساد که پاسخ دهنده گان آن را اظهار داشته اند در نظام سیاسی کنونی عبارت اند از روابط قومی، شخصی، خانوادگی و حزبی که ۵۷٪ پاسخ دهنده گان این موارد را اظهار داشته اند.

برعلاوه، افغانستان در میان ۱۷۵ کشور در جایگاه ۱۷۲ام در سال ۲۰۱۴ در سروی شفافیت بین المللی با گرفتن ۱۲ نمره از ۱۰۰، قرار گرفت.^{۲۴۴} افغانستان نمره ۱۶۲۱- را در زمینه کنترل فساد در سال ۲۰۱۰ گرفته است.^{۲۴۵} در درجه بندی از ۱-۵ (۱ بیانگر آن است که اصلاً فساد وجود ندارد و ۵ بصورت جدی فساد وجود دارد) در پارامیترهای فساد ۲۰۱۳، احزاب سیاسی نمره ۲٫۹، پارلمان نمره ۳٫۲ را از آن خود ساختند، تنها ۰٫۲ نمره پائین تر از دستگاه قضائیه - این نهاد فاسدترین اداره تلقی می گردد.^{۲۴۶}

http://www.baag.org.uk/sites/www.baag.org.uk/files/resources/attachments/IWA%20national_corruption_survey_2014_english.pdf.

²⁴⁵ «فهرست کشورهای فاسد: افغانستان»، سازمان شفافیت بین الملل، ۲۰۱۵.

http://www.baag.org.uk/sites/www.baag.org.uk/files/resources/attachments/IWA%20national_corruption_survey_2014_english.pdf.

²⁴⁶ همان.

²⁴⁷ همان.

²⁴⁸ رونالد انگریه‌ارت، پپیا نوریس، و کرسستین ویلزیل، «برابری جنسیتی و

دموکراسی»، مجله‌ی جامعه‌شناسی تطبیقی ۱، شماره ۴/۳، ۲۰۰۲: ۳۳۱-۳۴۶.

²⁴¹ گزارش Polity IV country در سال ۲۰۱۴: افغانستان»، موسسه‌ی صلح نظام‌مند، ۲۰۱۰.

<http://www.systemicpeace.org/polity/Afghanistan2010.pdf>.

²⁴² داده‌های بانک جهانی، ۲۰۱۵.

<http://data.worldbank.org/?display=default>.

²⁴³

²⁴⁴ محمد رزاق اسحاق زاده و شهیم احمد کابلی، «فهم و تجربه‌ی فساد توسط

افغان‌ها: سروی ملی فساد ۲۰۱۴»، دیده‌بان شفافیت افغانستان، ۲۰۱۴.

انتخابات ملی و شوراهای ولایتی رای بدهند^{۲۵۷} و یا خود را کاندید نمایند.^{۲۵۸}

مهمتر از همه، تنها ۳۸٪ افغانها به این باور بودند که بست های دولتی بصورت مساویانه میان مردان و زنان تقسیم گردد، هرچند ۱۲٪ آنها معتقد بودند که بیشترین بست ها به زنان اختصاص یابد. تفاوت جدی میان دیدگاه های مردان و زنان وجود داشت،^{۲۵۹} ۶۲٪ مردان به این باور بودند که اکثریت بست های سیاسی برای مردان تخصیص داده شود در مقایسه با ۳۶٪ زنان. ۴۸٪ زنان به این باور بودند که مساوات میان مردان و زنان در قسمت تقسیم بست ها در نظر گرفته شوند، در مقایسه با ۲۹٪ مردان.

استفاده قرار می دهد.^{۲۴۹} افغانستان در رده بندی بلند در قسمت تبعیض در نهادهای اجتماعی در سروی سال ۲۰۱۴ قرار گرفت و نمره ی ۰,۳۲۲۴ را از آن خود کرد.^{۲۵۰} افغانستان در با داشتن قانون خانواده تبعیض آمیز، خودباوری پایین، تبعیض به نفع پسران، محدودیت دارایی و منابع در رده ی بالا و نظر به محدودیت آزادی های مدنی در رده ی متوسط قرار گرفت.^{۲۵۱} تحقیق در مورد نهادهای اجتماعی به عنوان یک فکتور توضیحی در مورد ارتباط میان جندر و فساد شاخص فرعی آزادی های مدنی را مورد استفاده قرار داد. نمره افغانستان در مورد دسترسی زنان به اماکن عامه ۱ بود، سهمیه سیاسی صفر، و اشتراک سیاسی ۰,۲۸.^{۲۵۲} توضیح نمرات متذکر می سازد که عرف های اجتماعی باعث محدود شدن آزادی زنان می گردد، تهدید های حاکم در برابر حضور زنان در اماکن عمومی و ریفورم های قانونی مانند قانون احوال شخصیه اهل تشیع. همچنان، صدا سیاسی زنان نیز مطرح گردیده است، تعیین شدن سهم زنان در قانون اساسی امر مهم بوده اما عوامل محدود کننده عرفی و عملکردهای اجتماعی بیرون از خانواده باعث محدود شدن فعالیت های زنان در عرصه سیاسی می گردد.^{۲۵۳}

رفتارهای اجتماعی و حضور زنان در عرصه سیاسی

هرچند آمار محدود می باشند، برخی از نشانه ها و گرایش ها در مورد حضور زنان در عرصه سیاسی در افغانستان وجود دارد. در سال ۲۰۱۴، ۵۶٪ پاسخ دهنده گان در سروی ملی اظهار داشتند که زنان خود شان باید تصمیم بگیرند که چگونه رای بدهند، هرچند ۱۷٪ آنها به این باور بودند که مردان باید در مورد آنها تصمیم بگیرند و ۲۶٪ آنها معتقد بودند که زنان باید خود شان تصمیم بگیرند اما در مشورت با مردان.^{۲۵۴} ۳۰٪ پاسخ دهنده گان به این باور بودند که زنان نباید بیرون از خانه کار نمایند، ۷۰٪ آنها اظهار نمودند که زنان میتوانند در دفاتر دولتی به اجرای وظیفه بپردازند.^{۲۵۵} در حالیکه ۶۰٪ مردان به این باور بودند که روی تصمیم گیریهای دولت در محلات نفوذ دارند، تنها ۵۲٪ زنان به این باور بودند.^{۲۵۶} زنان بیشتر اظهار داشتند که آنها نگرانی و دلهره داشتند که بروند در

253 همان.

254 همان.

255 زاخ وارن، «افغانستان در سال ۲۰۱۵: سروی مردم افغانستان»، بنیاد آسیا، ۲۰۱۴. <https://asiafoundation.org/resources/pdfs/Afghanistanin2014final.pdf>.

256 همان.

257 همان.

258 $X^2(4, 9271)=479.24, p<.001$

259 $X^2(4, 9271)=14.28, p<.01$

249 بوریس برانیزا و ماریا زیگلر، «بررسی مجدد رابطه ی جندر و فساد: نقش نهادهای اجتماعی»، جریان کنفرانس اقتصادهای در حال توسعه جرمنی، برلین، ۲۰۱۱، شماره ۱۵.

250 در باره ی «SIGI» OECD ۲۰۱۵.

<http://www.genderindex.org/content/team>.

251 افغانستان، نهادهای اجتماعی و شاخص جندر، OECD، ۲۰۱۵.

<http://www.genderindex.org/country/afghanistan>.

252 همان.

4. نتیجه‌گیری

شواهد این تحقیق یافته است که میزان بلند فساد با میزان بلند بی‌ارادگی، میزان بلند بخل و میزان بلند ماده‌گرایی ارتباط دارد. نکته جالب اینکه تفاوت جنسیتی در ویژگی‌های شخصیتی توقع میرفت که یکی از یافته‌های عمده این تحقیق باشد که در نتیجه، تفاوت‌های جنسیتی خیلی ناچیز رونما گردید. این مساله فرضیه‌ای که تفاوت‌های جنسیتی در ویژگی‌های شخصیتی منجر به دخیل بودن و مبادرت به فساد می‌گردد را در افغانستان به چالش می‌کشد و بصورت عمومی با مساله حاکم در مورد ارتباط میان جندر و فساد که در تحقیق‌های دالار، تورگلیر و ویلی بررسی گردید، در مغایرت قرار دارد. این یافته‌ها مشخص می‌سازد که زنان در افغانستان بصورت ارثی و یا به لحاظ ویژگی‌های شخصیتی کمتر در فساد دخیل نمی‌باشند.

این تحقیق به شواهدی دست نیافت که تفاوت‌های میان مردان و زنان نماینده را در مورد فساد ارایه نماید تا واضح سازد که میان زنان و مردان در دسترسی به شبکه‌ها و فرصت‌های که فسادآور باشد هیچ تفاوتی وجود نداشته است. باتوجه به فضا و شبکه‌های حاکم در افغانستان، میتوان حدس زد که نماینده‌گانی که موفق هستند بدون درنظر داشت جنسیت‌شان به احتمال زیاد دسترسی بیشتر به اشخاص قدرتمند و شبکه‌های قوی دارند. اضافه برآن، برعکس یافته‌های سایر تحقیق‌های انجام شده، این تحقیق یافته است که هیچگونه تفاوت میان زنان و مردان نماینده در مورد دخیل بودن آنها با احزاب سیاسی وجود نداشته است که این ادعا را میتوان با ماهیت ضعیف احزاب سیاسی در افغانستان توجیه پذیر دانست.

باتوجه به تحقیق‌های مطالعه شده که توسط هونگ ان سونگ، ایزاری و جبریلو انجام شده است، این شاخص‌های دموکراسی لیبرال یک حالت اجباری عدم موجودیت رابطه میان زنان در حکومت و فساد در افغانستان را مشخص می‌سازد. تحقیق هونگ ان سونگ بیان داشت که دستگاه قضائیه و رسانه‌هایز اهمیت خاص می‌باشند و میتوانند نقش کلیدی در راستای چشم‌پوشی و محدود کردن فساد، بازی نمایند. دستگاه قضائی افغانستان همواره با اتهامات فساد آغوشته بوده و در نزد عوام یکی از فاسدترین اداره دولت می‌باشد.^{۲۶۰} برعلاوه، هرچند که در افغانستان حضور رسانه‌ها در حال افزایش می‌باشد^{۲۶۱} و فضای برای فعالیت‌شان باز می‌باشد، اما هنوز راه درازی را باید افغانستان در راستای آزادی بیان طی نماید. اخیراً دیده بان حقوق بشر گزارشی را تحت عنوان "گزارش نمودن

این تحقیق در صدد پاسخ این سوال می‌باشد که ارتباط میان زنان در عرصه قانون‌گذاری و فساد چطور و چرا موجود است که در اکثریت موارد همخوانی وجود دارد اما در افغانستان همخوانی دیده نمی‌شود. این تحقیق باتوجه به تحقیق‌های انجام شده در این زمینه طی یک دهه، چهار کتگوری را برای مورد بررسی قرار داده است که تفاوت‌های رفتاری، شبکه‌های جندر، دموکراسی لیبرال و نهادهای اجتماعی می‌باشند. این تحقیق رابطه میان جندر و فساد را با تفاوت‌های رفتاری میان زنان و مردان مشخص می‌سازد. سایر تحقیقات در این زمینه بیان داشته‌اند که زنان در عرصه سیاست نسبتاً تازه آشنا هستند و فرصت‌های کمتری مساعد می‌گردد تا دسترسی به شبکه‌ها و زمینه‌ها پیدا نمایند تا اقدام به فساد نمایند. توضیح بدیل در این مورد تیوری نظام عادلانه در برابر جنسیت می‌باشد که توضیح می‌دارد که ارتباط میان فساد و جندر بصورت غیرواقعی وجود داشته و اکثراً توسط زمینه‌های موجود، دموکراسی لیبرال که این تیوری برابری جنسیتی و حکومتداری خوب را ترویج می‌کند، تشکیل می‌یابد. یافته‌های سایر تحقیقات نشان داده است که کشورهای که نهادهای اجتماعی آن زنان را از آزادی‌های‌شان محروم می‌دارند، میزان فساد در همچو کشورها بلند می‌باشد. این یافته‌ها پیشنهاد می‌دارد، در محیط‌های که ارزش‌های اجتماعی زنان را متاثر سازد، نه ریفورم‌های دموکراسی و نه هم‌افزایش حضور زنان در پُست‌های اقتصادی و سیاسی میتواند باعث کاهش فساد گردد.

این تحقیق به هیچ‌گونه شواهدی دست نیافته است که ادعا نماید که مردان و یا زنان نماینده‌گرایی و تمایل کمتر و یا زیاده‌تر نسبت به پدیده فساد دارند. برعلاوه، این تحقیق یافته است که مردان و زنان نماینده بصورت برابر نسبت به همدیگر به دیده تردید نگریسته و تصور‌شان از یکدیگر این است که در فساد دخیل می‌باشند که این مساله دید مردم عوام را نسبت به فساد بودن پارلمان، تقویت می‌کند. باتوجه به یافته‌های این تحقیق، بدون در نظر داشت جنسیت، اکثریت نماینده‌گان اظهار داشت که رشوت دریافت نمودند، استفاده از موقف برای کمک و همکاری به دیگران و قبول دریافت کمک از دیگران در میان نماینده‌گان به عرف قبول شده تبدیل شده و تمام نماینده‌گان در افغانستان در معرض فساد بصورت جدی آن قرار دارند.

<http://iwaweb.org/key-findings-ncs-2014/>.

X2(4, 9271)=596.285, p<.001 ²⁶⁰

²⁶¹ «سروی ملی فساد ۲۰۱۴—یافته‌های کلیدی»، دیدبان شفافیت افغانستان، ۲۰۱۴.

را توقف کنید یا اینکه ما اعضای خانواده های شما را به قتل میرسانیم: تهدید آزادی رسانه ها در افغانستان" به نشر رساند^{۲۶۲} که این گزارش نه تنها افزایش حملات و تهدیدات را نسبت به خبرنگاران مستند نمود بلکه ناکامی دولت را در راستای تحت پیگرد قراردادن عاملین این واقعات، برجسته ساخت. این گزارش مستند بر مصاحبه ها با بیشتر از ۳۰ خبرنگار، ویراستاران، ناشرین و مسوولین رسانه بود.

به همین ترتیب، ایزاری و چیریلو همچنان چنین نتیجه گیری نمودند که ارتباط میان زنان در حکومت و میزان پائین فساد باتوجه به زمینه های نهادی متفاوت می باشند و اظهار داشتند، هرجاییکه رفتارهای فسادآور به یک امر عادی حکومتداری تبدیل شده و توسط نهادهای سیاسی تقویت گردد، آنجا هیچ فاصله ی جنسیتی وجود نخواهد داشت.^{۲۶۳} این تحقیق نیز به توضیح عدم ارتباط میان زنان در عرصه سیاست و فساد در افغانستان می پردازد، جاییکه فساد بصورت گسترده در نهادهای سیاسی و حکومت نهاده شده و تبدیل به یک امر عادی گردیده است.

بر مبنای یافته های این تحقیق، نویسنده گان به این نتیجه رسیدند که میتوان میزان بلند فساد در افغانستان را با وجود میزان بیشتر زنان در پارلمان به شیوع ماهیت عمومی فساد، عدم حاکمیت قانون و فقدان موجودیت نهادهای اجتماعی قوی که بتواند فساد را برجسته نموده و برابری جنسیتی را ترویج کند، نسبت داد. همچنان ممکن است جندر روی رفتارهای فسادزا تاثیر داشته باشد. مطابق به یافته های این تحقیق تمام نماینده گان بصورت عمومی با هم در ارتباط هستند، از حمایت اشخاص پر قدرت برخوردار اند و دسترسی به فرصت های فسادآور دارند. همچنان در نظام های فاسد مثل افغانستان که در آن بصورت جدی خویش خواری و شبکه ها وجود دارد، میتوان حدس زد کسی که موفقیت های بیشتر در عرصه سیاسی دارد، بدون در نظر داشت جنسیت وی، او بیشتر به فساد آغوشته بوده و دسترسی بیشتر به شبکه ها و فرصت های فسادزا دارد.

در روشنایی تحلیل این گزارش، یافته های این تحقیق با چارچوب تدوین شده الحسن - الوهو همخوانی دارد که بر مبنای تیوری فرصت و تیوری نقش اجتماعی استوار می باشد و بیانگر آن است که اگر زنان دسترسی به فرصت ها و شبکه های فسادزا داشته باشند، اقدام به فساد خواهند نمود. الحسن - الوهو چنین نتیجه گیری می کند که زنان از معیارهای اخلاقی بلندی نسبت به مردان برخوردار نمی باشند که زمینه های فسادآور موجود

باشند و آنها اجتناب ورزند. این مطالعه همچنان دریافت که تفاوت جنسیتی در استفاده از پست های دولتی به منظور برآورده ساختن تعهدات اجتماعی نیز وجود ندارد. اساساً، او چنین جمع بندی می نماید که فساد هیچ ربطی با جنسیت نداشته بلکه زمینه ها و شبکه ها هستند که فسادزا می باشند و یا اینکه در این مورد بی طرفی جندر حفظ گردد که مورد دوم را میتوان باتوجه به شرایط افغانستان در نظر گرفت. در حالاتی که شبکه ها و فرصت ها نسبت به مساله جندر بی طرف باشند که یافته های این تحقیق در مورد افغانستان می باشد، جنسیت مقامات در رابطه به فساد هیچ تفاوتی ندارد که این امر خود یافته ای این تحقیق را تقویت می نماید.

این شواهد فرضیه ای را که توسط برانیزا و زیگلر ارایه گردیده بود، تقویت می نماید. آنها اظهار داشت در کشورهای که نهادهای اجتماعی آزادی های زنان را در زندگی اجتماعی محدود می سازد، میزان فساد در این کشور ها بلند می باشد و چارچوب تدوین شده توسط انگلیهارت که اظهار می داشت دگرگونی اقتصادی و میراث فرهنگی میتواند در ایجاد ارزش های که باعث تسهیل بخشی نهادهای دموکراتیک و حضور بیشتر زنان در پارلمان می گردد، سهم داشته باشد. با آنهم، سهمیه بندی حضور زنان مطابق به قانون یک شاخص تقریبی فریبده نسبت به حضور سیاسی زنان می باشد. فیصدی بیشتر زنان در پارلمان میتواند ظاهراً منعکس کننده برابری جنسیتی و حمایت از زنان در زندگی عامه باشد، اما توأم با حمایت نهادهای اجتماعی جهت ترویج برابری جنسیتی و گرایش اجتماعی گسترده حمایت از زنان در عرصه سیاست و زندگی عامه نمی باشد.

سهمیه حضور زنان در افغانستان یک نوع توهّم حضور زنان را در دولت بوجود آورده است و این امر دگرگونی عمده را در رشد اقتصادی و میراث فرهنگی که بتواند در راستای نهادهای اجتماعی قوی منعکس سازد، دربر نمی گیرد. ارتباط میان فساد و جندر یک رابطه کاذب می باشد طوریکه در تحقیق های مرور شده نیز معلوم گردید که افغانستان فاقد نهادهای قوی می باشد - بطور مشخص حاکمیت قانون و مطبوعات آزاد - و حضور زنان در حکومت انعکاس حقیقی ارزش های تساوی جنسیتی در اجتماع نمی باشد که در آن ایجاد شد تا با دموکراسی های لیبرال و نهادهای اجتماعی پیشرفته که حضور زنان را حمایت و مانع فساد می گردد، در مطابقت قرار گیرد.

<http://www.dw.com/en/media-freedom-in-afghanistan-increasingly-under-threat/a-18200978>.

²⁶² «افغانستان: آزادی در جهان در سال ۲۰۱۵»، خانه ی آزادی، ۲۰۱۵.

²⁶³ گابریل دومین گویز، «آزادی رسانه در افغانستان بصورت فزاینده با تهدید مواجه است»، دوچو ویله، ۲۱ جنوری ۲۰۱۵.

- "سروی پارلمان افغانستان: یافته های کلیدی" دموکراسی انترنیشنل، جولای 2012.
- الاتاس، ویوی، لیزا کامیرون، انانیش جودری، نیسوان ارکال، و لاتا گنگادهارا " جندر و فساد: بینش از یک تحلیل تجربوی " پوهنتون میلیبورن، 2005
- الاتاس، ویوی، لیزا کامیرون، انانیش جودری، نیسوان ارکال، و لاتا گنگادهارا " جندر، فرهنگ و فساد اداری: بینش از یک تحلیل تجربوی. ژورنال اقتصادی جنوبی، 2009, no. 3, 75.
- الحسن – الوهو، ناموو. " جندر و فساد: آزمایش اجماع جدید. " اداره عامه و انکشاف، 2007: 227-237
- بهاونانی، روحیل و لوک کندرا " چرا مردم برای سیاستمداران مفسد رای می دهند: شواهد از سروی در افغانستان. " مرکز رشد بین المللی، مارچ 2012.
- <http://www.theigc.org/wp-content/uploads/2014/10/Bhavnani-Condra-2012-Working-Paper.pdf>.
- بجارینگارد، لیلین. " عواقب جندر از یک مسیر مملو از فساد ته به قدرت سیاسی. سند تحقیقی که باید کانگرس جهانی ارایه گردد. برانیزا، بوریس و ماریا زیگلر. " مرور دوباره ارتباط میان جندر و فساد: نقش نهاد های اجتماعی. " فرایند کنفرانس اقتصادی انکشافی جرمنی، برلین، 2011. شماره 15.
- براتون و ایستریت ماتور " فریب بدهد و یا فریب ندهد؟: نقش شخصیت در تجارت و محیط عملی، 2013
- بوش، سارا سون، " سیاست بین الملل و گسترش سهمیه زنان در قانون گذاری " سازمان بین المللی. 103-137: 2011, 65
- چین، لی – جو " آیا سهمیه جندر میتواند بالای نمایندگی زنان و پالیسی ها تاثیر گذار باشد؟ " ژورنال اروپایی در مورد اقتصاد مقایسوی، 7, no. 1, 2010 : 13-60
- کونیلی، برایان و دیگران. " ماهیت فساد: تحلیل به سطح ملی " تحقیق مشترک در میان فرهنگ ها. Research 42, no. 4. (2008): 353-385.
- " نتایج سروی سال 2014 شاخص برای تعیین دیدگاه ها در مورد فساد " شفافیت بین المللی، پرینتیشن، 3 دسمبر 2014.
- http://transparency.org.my/wp-content/uploads/2014/12/CPI-2014-Presentation_Final.pdf.
- کروسون، راجل و گنیزی، " تفاوت های جندر در سلیقه ها " ژورنال اقتصادی. 1-27: 2009, no. 2, 47
- دالیروپ و لینینار، " حرکت به سوی توازن جندر در سیاست ها " 2013.
- دجاوادی، بهنود و رینی فاهر. " تاثیرات گرایش های مملو از خطر در مورد رفتارهای فسادزا: شواهد از تجارب فساد های کوچک. 7383, May 2013.
- دالار، دیوید، ریموند فیسمن و روبیتا گاتی، " فساد و زنان در حکومت " گروپ تحقیقاتی بانک جهانی، Series, No. 4. October 1999.
- ایگلی و کرولی " جندر و رفتارهای حمایتی: مرور تحلیلی ادبیات روان شناسی اجتماعی " رساله روان شناسی، 100, 1986: 238-308

ایکیل، کاترین و فیلیپ جی گروسمن. "آیا زنان نسبت به مردان کمتر بخیل اند؟ شواهد از تحقیقات" ژورنال اقتصادی، 108, 1998: 726-735.

انتخابات در افغانستان: 5 اپریل، انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی. "بنیاد بین المللی برای سیستم های انتخاباتی. 27 مارچ 2014.

http://www.ifes.org/~media/Files/Publications/White%20PaperReport/2014_IFES201_Afghanistan%20Presidential%20and%20PC%20Elections.pdf.

ایزاری، جستین وگینا چیریلو "فساد، جندر و زمینه های نهادی" سیاست و جندر. 9, no. 4, 2013: 390-413.

فولکی، اولی و جوهانا ریکنی. "نماینده گی زنان در مورد قانون مردان؟ رقابت احزاب." تحقیق انستیتوت. IFN Working Paper No. 923. 2012.

فرانک، بجورن، جوهان، گراف و فریدریک بوهیم "جندر و فساد: درس های آموخته شده از تجارب لابراتوارها. ژورنال اروپایی 23, 2011: 59-71.

گلوور، ساندرا، مینیت، بومپوس، جان، لوگان و جیمز "بررسی دوباره تاثیر گزاری ارزش های افراد در مورد تصمیم گیری های اخلاقی" ژورنال تجاری، 12/13, 1997: 1319-1329.

گوتیزیل، "خلای جنسیتی: جنسیت، درآمد خانواده، و نظریات سیاسی در اوایل دهه 1980" ژورنال سیاسی و نظامی. 11, 1983: 209-222.

ایناماسو، کزنووری و کنیچی ایکیدا، تاثیر سرمایه اجتماعی جندر و اشتراک سیاسی با استفاده از میتود تولید کننده پوزیشن روی دیتاسیت جی ای اس 3، رساله تهیه شده برای کنفرانس سرمایه اجتماعی، آکادمیا سینسیا، تایوان، 29-30 می 2008

انگلاهارت، رونالد، پیپا نوریس، و کریستن ولزیل، مساوات جندر و دموکراسی، مطالعه اجتماعی مقایسوی 1، شماره 4/3 2002.

اسحق زاده، محمد رزاق، باور افغانی و تجربه فساد، سروی مالی فساد 2014، دیدبان شفافیت افغانستان، 2014.

http://iwaweb.org/ncs/_2014/docs/national_corruption_survey_2014_english.pdf.

جکوبسین، ویلیو، سیتیا، جی بولینگ، کریستن ای کیلهر و یدل اس رایت، تماس با خانم، شبکه جندر در اداره دولتی، پریزنیتیشن در کانفرانس مطالعه مدیریت عامه، تسکن اریزونا، اکتوبر 25 – 27 2007.

کهنمان، دی و تویرسکی ای 1984، انتخاب، ارزش و چارچوب ها، روانشناس امریکایی، 39: 341 – 350.

King, Elizabeth M. and Andrew D. Mason. "Engendering Development." The World Bank. 2001.

http://siteresources.worldbank.org/PGLP/Resources/Engendering_Development.pdf.

کینگ، الیزابت ام، و اندریو دی مسون، انکشاف جندر، بانک جهانی، 2001.

کروک، مونا لینا و پیپا نوریس، فراتر از ...: استراتیژی رشد مساوات جندر در دفاتر منتخب، مطالعات ساسی، 62, 2014: 2-20.

کروک، مونا لینا، دبازن اوبرین، و کریستا سویپ، تهاجم نظامی و نمایندگی سیاسی زنان، ژورنال فیمینیست بین المللی 12، شماره 1، 2010: 66 – 79.

کروک، مونا لینا و دینانا زی اوبرین و کریستا سویپ،

لمبسدور، جان گرف و بجرون فرنک، مفسد، اسناد تجربوی بازی مردان، نشریه بین المللی قانون و اقتصاد، 2011.

لارسون، انا، احزاب سیاسی در افغانستان، انستیتوت صلح آمریکا، مارچ 2015.

لپینارد، الینوره، سهمیه جندر و سیاست انتقالی، مرکز مطالعات روبرت شومن، برنامه حاکمیت بین المللی، 2014

ونز، دنیز اس و شوکالینگام ویسوسران، تفاوت جندر، عمر، و نژاد روی آزمایش های شفافیت، نتیجه از چهار دیتا سیت درخواست کنندگان، نشریه روانشناسی 83، شماره 1، 1998: 35-42.

احزاب سیاسی در افغانستان: مطالعه وضعیت احزاب سیاسی بعد از انتخابات 2009 و 2010، انستیتوت ملی دموکراسی، جون 2011.

پرتو، سیدانیس، ستالوارت و مل، تمایل به اقتدار اجتماعی: متغیر شخصیتی پیش بینی کننده نگرش اجتماعی و سیاسی، 1994
آغازگر سیستم رای یگانه و غیر قابل انتقال، یوناما.

<http://unama.unmissions.org/Portals/UNAMA/Documents/Election%20System%20in%20Afghanistan%20Primer.pdf>.

نسبت کرسی ها تصرف شده توسط زنان. بانک جهانی، 2014.

http://data.worldbank.org/indicator/SG.GEN.PARL.ZS?order=wbapi_data_value_2014+wbapi_data_value+wbapi_data_value-last&sort=desc

شوراهای ولایتی 2014: زنان چگونه عمل کردند؟ انتخابات افغانستان، 2014

راموسن، سن اینجل، زنان افغان بخاطر عدم موجودیت زن در کابینه افغانستان اعتراض کردند، گاردین، 3 فبروری 2015.

رییس، میشل سی و کوشیک میترا، تاثیر عوامل تفاوت فردی روی پذیرش رفتارهای اخلاقی و غیر اخلاقی محل کار، ژونال رفتارهای تجارت 17، شماره 14 و 1998: 1581 - 1593.

ریواس، ماریا فیرناندا، تجربه ی فساد و جندر، سپتمبر 2008

سیدانیوس، لاوین، لیو، و پرتو، تمایل به اقتدار اجتماعی، ضد مساوات طلبی، و روانشناسی سیاسی جندر، همانند سازی توسعه و چند فرهنگی، 2000.

سیدانیوس، پراتو و بوبو، تمایل به اقتدار اجتماعی و روانشناسی سیاسی جندر: قضیه تغییر ناپذیر؟ 1994.

سیدانیوس، پراتو و میتچیل، شناسایی هویت گروهی، تمایل به اقتدار اجتماعی و تخصیص اجتماعی میان گروهی، 2001.

سندستارم اکسیل، درک شبکه های جند و فساد: پروسه دو بعدی در جریان استخدام (رساله یی که در ورکشاپ جند و سیاست در گروه متخصصین سیاسی و زنان اجتماع مطالعات سیاسی در لندن ارائه شد) 26 فبروری 2011.

سونگ، هونگ این. "جنسیت مناسبتر یا سیستم مناسبتر؟ بازیابی جندر و فساد." نیروی اجتماعی 82 و شماره 2، 2003.

سوامی، آند، ستفین نک، یانگ لی، و عمر ازفر، "فساد و جندر." مرکز اقتصاد توسعه، کالج ویلیام، سلسله رساله های سی دی ای، آگست 2000.

"طالبان ساستمدار زن افغان را ربودند، حملات مبارزه حقوق زن را تضعیف می کند." روترز، 13 آگست 2013.

http://www.thestar.com/news/world/2013/08/13/taliban_kidnaps_female_afghan_politician_attacks_undermine_womens_rights_campaign.html.

دیر، جی الکساندر، "وضع قانون اساسی در افغانستان." نشریه دانشگاه حقوق نیو یارک، 51/ 2006 / 07: 558 – 579.
توگلر، بینو و نیوین تی والف، "زنان و فعالیت های غیر قانونی: تفاوت های جندر و تمایل زنان برای توافق با گذشت زمان." مرکز مطالعات
اقتصادی، هنری و مدیریت، رساله 2006-15-2006.

"Visualizing Afghanistan." The Asia Foundation. www.afghansurvey.asiafoundation.org.

تجسم افغانستان، بنیاد آسیا. www.afghansurvey.asiafoundation.org.

وانگنیرد، لینا، تفاوت فساد در ایالات مکسیکو، توضیح چشم انداز جندر، کیفیت انستیتوت حکومتی، دانشگاه گوتنبرگ، 9 فبروی

وارن، زچ، افغانستان در 2014، سروی از مردم افغانستان، بنیاد آسیا، 2014.

ولسون و لیو، تمایل به اقتدار اجتماعی و جندر: نقش معتدل هویت جندر، 2003